

دلیل الحرجی

فهرست

* سرمقاله

- مطالبات زنان، مسیری سخت و طولانی / اشرف گرامی-زادگان / ۰۲

* جهت اطلاع

- لایحه‌ای با چهار سند پشتیبان در بهارستان! / ۰۶
- بر ضرورت درک مطالبات زنان / ۰۱۲
- اشرف گرامی-زادگان

* زنان و جامعه

- نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان (با تأکید بر نهاد وکالت) / آذر محسنی آشتیانی، دکتر عاطفه عباسی کلیمانی / ۰۱۴
- حق بر صلح / سید محسن مقیمی / ۰۳۲
- زنان و رویارویی با بحران آب / ملیحه فلاح‌پور / ۰۴۹
- تعبیری از روایا / الهه فابریکی اورنگ / ۰۵۴

* زنان و فرهنگ

- ستاره‌های دیروز - کارول لمپارد / ۰۵۶
- ستاره‌های امروز - دایان کروگر / ۰۶۲
- رویفا تیرگری
- داستان کوتاه: تماته ابلان / ۰۶۶
- گالیا توانگر

* زنان و اقتصاد

- زنانی که خود را به خوبی باور کردند / الهه فابریکی اورنگ / ۰۷۰

* زنان و قانون

- لایحه حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف / هما مهری / ۰۷۴

* زنان و اخبار

- اخبار سیاسی اجتماعی / ۰۸۲
- اخبار هنری / ۰۸۵

● بخش عربی / ۰۹۱

مترجم: لیلا صادقی

● بخش انگلیسی / ۰۹۵

مترجم: زهرا داورزنی

● اشتراک نشریه / ۱۰۰

سرکار خانم رویفا تیرگری

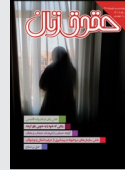
با تأسف فراوان درگذشت پدر ارجمندتان را تسلیت عرض کرده و برای آن عزیز آرامش ابدی و برای بازماندگان محترم صبر و اجر آرزومندیم.

همکاران شما در نشریه حقوق زنان

پوزش و عذرخواهی

از خوانندگان عزیز نشریه بابت مشکل فنی ایجاد شده در حروفچینی مجله شماره ۳۶ نشریه حقوق زنان پوزش می‌خواهیم.

نشریه حقوق زنان



حقوق زنان
دوره جدید - شماره ۳۷
بهار ۱۴۰۲
قیمت ۵۰,۰۰۰ تومان

شناسنامه:

حقوق زنان - فصلنامه اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: اشرف گرامی-زادگان

همکاران این شماره: رویفا تیرگری (دبیر هنری)، الهه فابریکی اورنگ، سید محسن مقیمی، آذر محسنی آشتیانی، دکتر عاطفه عباسی کلیمانی، ملیحه فلاح‌پور، گالیا توانگری، لیلا صادقی، زهرا داورزنی

مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچک‌زاده

طراح لوگو: مرتضی ممیز

مشاور فنی: علیرضا فرزایی

مدیر هنری و طراح جلد: مریم فرزایی فرد

گرافیکست و صفحه‌آرا: عاطفه هاشمی

حروفچینی: حقوق زنان

چاپ: چاپ نظر

نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک

۱۱ - واحد ۳۰۱

تلفن: ۰۲۷۷۵۳۳۰۱۳ - ۰۹۱۲ - ۸۳۳۱۸۹۴۹

پست الکترونیکی: h_q_zanan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

* نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در فصلنامه‌ی حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب، درباره‌ی تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود توضیح کوتاهی ضمیمه کنند و یا رزومه‌ی خود را به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

* مطالب به‌صورت تایپ شده از طریق ایمیل به نشریه ارسال شود.

* مطالب ترجمه‌شده باید یک‌نسخه از متن اصلی همراه باشد.

* لطفاً نسخه‌ای از مطلب خود را در پایگانی داشته باشید.

* حقوق زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

* هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه‌ی

حقوق زنان منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول است.

* حقوق زنان در موضوع فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی،

اقتصادی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.



اشرف گرامی زادگان
مدیرمسئول

مطالبات زنان مسیری سخت و طولانی تا دستیابی!

محدودیت در احکام صادره از محاکم و دقت در بررسی جرایم، تعاریف صحیح از اتهامات وارده به خواسته‌های مردمی افراد مورد اتهام، تعیین ضوابط رفتاری مأمورین امنیتی و انتظامی، بکارگیری آیین دادرسی کیفری به صورت عادلانه و منصفانه، بهره‌گیری از وکلاء جهت احقاق حقوق متهم، تناسب جرم با مجازات، و ده‌ها دغدغه دیگر که تقریباً همه از آن آگاهند و باید مورد مذاقه قرار می‌گرفت تا نشود آنچه شده است.

با ادامه‌ی این روند، آینده‌ی روشنی پیش رو نخواهد بود و مهم‌ترین ضربه به قانون و قانونگذاری وارد خواهد شد. این وضعیت به شکاف بیشتر بین مردم و مسئولان و همچنین

سال ۱۴۰۱ گذشت، هرچند که نگذشت! ماند و غم‌هایش هم می‌ماند. سالی مملو از اتفاقات بد و ناراحت‌کننده که جانمان را سوزاند و غم بر دل مردمان نشاند. غمی عمیق به وسعت دشت‌ها و عظیم به ارتفاع کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده‌ی سرزمینمان.

از شهریور سال گذشته و به دنبال آن اتفاقات، جامعه وارد مباحثی جدی از مطالبات انباشته‌ی قانونی و انتظارات خفته در کتاب‌های قانون شد. مطالباتی نهفته در کتاب مادر قوانین و حقوق ملت. بسیاری از مردم به اشکال مختلف از انتظارات جامعه سخن گفتند. عده‌ای از حقوق پایمال شده‌شان و تعدادی نیز از نقصان مدیریتی گفتند که باعث رانت‌خواری و فساد شده و مردم کشور را به فراموشی سپرده است.

این ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها منجر به طرح مجدد مطالباتی شد که نیاز مبرم به بازنگری و تجدیدنظر در مسائل کلان کشور اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهد.

متأسفانه پیامد آن اعتراضات و وقایع پدیدآمده نیز چیزی جز انکار مشکلات اساسی و تلاش برای پاک کردن صورت مسئله نبوده است. در ادامه، نگرانی از عدم شفافیت و بررسی مسئولانه نسبت به وقایع رخ داده کمافی‌السابق وجود دارد. دغدغه‌هایی از قبیل تعیین حدود مسئولیت‌ها و ممنوعیت اقدامات فراقانونی،

دستاوردها هیچ گاه مطابق

خواست صدرصدی جامعه

زنان نبوده و نیست، اما در

ادامه‌ی راهی بود که زنان برای

احقاق حقوق از دست‌رفته و

مبارزه با بی‌عدالتی آغاز کرده

بودند.





سازمان‌های غیردولتی و فعالان زنان بودند که هر وقت احساس خطر می‌شد که حقی در شرف تضییع است، با تعامل و یا اعتراض‌های به‌حقی که در چارچوب قانون انجام می‌شد، وارد موضوع می‌شدند.

نگاهی به تاریخچه‌ی نه‌چندان دور فعالیت زنان در عرصه‌ی اصلاح قوانین نشان می‌دهد که امکان تماس با مجلسیان و یا دولتبان امکانپذیر بود. به عنوان نمونه جلوگیری از فسخ لایحه‌ی حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ از لیست قوانین منسوخ و هم چنین خارج کردن ماده‌ی مربوط به تعدد زوجات از قانون حمایت از خانواده می‌باشد. اینگونه اصلاحات در زمان خود منجر به ایجاد حدی از آرامش و عقلانیت در فضای اجتماعی و خانوادگی گردید.

هرچند که نگرانی از مصوبه‌های مردسالارانه که ناگهانی به صحنه می‌آیند، همچنان باقی بود و هست. اما آیا هم‌اکنون و در این شرایط می‌توان از تعامل و گفتگو و هم‌اندیشی و احقاق حق صحبت کرد؟

افزایش روزافزون عدم اعتماد جامعه به رویه‌های اعمال قانون منجر شده است. در بهار ۱۴۰۲ نگاه بالغانه به گذشته و نگاهی خیرخواه و عاقلانه به آینده ضرورت حتمی است. تصمیم‌گیران تأمل کنند که طی سال‌های پیشین چه کرده‌اند و چه نکرده‌اند؟ داشته‌هایمان چیست و نداشته‌هایمان چه میزان است؟ همه فکر کنند و با یک ترازوی عادلانه بسنجند که زخم جامعه چیست و بخصوص زنان چه‌ها از دست داده‌اند و چه به دست آورده‌اند؟

نگاه به گذشته‌ی قانونگذاری در کشور نشان می‌دهد که تلاش‌های زنان و طرح مطالبات آنان علیرغم محدودیت‌ها، منجر به دستاوردهایی شد که با اینکه اغلب کوتاه‌مدت و حدآقلی، اما بعضاً مؤثر و امیدآفرین بود. آن دستاوردها هیچ‌گاه مطابق خواست صدرصدی جامعه زنان نبوده و نیست، اما در ادامه‌ی راهی بود که زنان برای احقاق حقوق از دست‌رفته و مبارزه با بی‌عدالتی آغاز کرده بودند. یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های زنان،





پیش به آزادی و کاهش محدودیت می‌اندیشند. تأمل کنیم به این مهم که اگر خواسته‌ی جوان در دل و روح و روانش نشسته باشد و پیگیر آن باشد، آیا محو و حذف آن خواسته عملی است؟ اکثر این مطالبات عقلانی است و با دیدگاه‌های جهانی و فرامرزی همخوانی دارد. عجیب نیست که تمام خواسته‌های نهفته به یکباره آشکار می‌شود و راه و روش بروز آن نیز اکثراً قابل سنجش نیست، چه برسد به کنترل! پس چگونه متولیان امور امید دارند که با اعمال کنترل بیشتر، بتوانند مهارش کنند؟

علم و تکنولوژی به سطحی رسیده است که نمی‌توان به کتمان واقعیات متوسل شد. چون زمان آشکار شدن حقایق کوتاه شده و زمان زیادی نمی‌برد که نهان‌ها پیدا و ناگفته‌ها گفته شوند. تکنولوژی راه خود را یافته است و اطلاعات به سرعت در دسترس افراد قرار می‌گیرد. این راه ناگزیر است.

هر فردی بنا به ذوق، سلیقه، منطبق یا توانایی‌های خود، خواسته‌اش را شکل می‌دهد و با ادبیات و روحیه‌ی خاص خود به مدیریت آن می‌پردازد. نمی‌توان انتظار داشت افرادی که از اوضاع و احوال کنونی زیان دیده‌اند - وقتی به حقوق خود آگاهند - سکوت کنند و به جبران خسارت نپردازند.

در حوزه‌ی زنان این مطالبات چشمگیرتر است. زیرا متأسفانه زنان در طول تاریخ در امور فردی و اجتماعی غالباً انتخابگر نبوده‌اند و در بسیاری از امور نقشی در تصمیم‌گیری‌های فردی یا خانوادگی نداشته‌اند، بلکه جامعه، قبیله و خانواده برایشان تصمیم گرفته است. شاهد هستیم که در زندگی شخصی، در تشکیل خانواده، در تحصیل، در اشتغال و نوع سبک زندگی و این که چگونه بیندیشند نیز استقلال رأی نداشته‌اند. غیر از حوزه‌ی خانه و خانواده، در اجتماع نیز نتوانسته‌اند به حوزه‌های

علم و تکنولوژی به سطحی رسیده

است که نمی‌توان به کتمان واقعیات

متوسل شد. چون زمان آشکار شدن

حقایق کوتاه شده و زمان زیادی

نمی‌برد که نهان‌ها پیدا و ناگفته‌ها

گفته شوند.

حکومت در هر کشوری با خواسته‌ی ملت‌ها شکل می‌گیرد و رسمیت یافتن آن از طریق انتخابات، نشانه‌ی اقتدار مردم و حکومت است. چون استمرار حاکمیت به پشتیبانی مردم نیازمند است. در طول گذر زمان، تغییرات و تحولات گوناگونی - بنا بر مقتضیات و شرایط - در جامعه پدید می‌آید که بیانگر پویایی و رشد جوامع است. تاریخ نشان داده که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، این ملت‌ها بوده‌اند که خواهان دگرگونی در جوامع شده‌اند و اکنون سیر تحول و رشد جامعه در آمارها بیانگر ضرورت رسیدن به زمان تغییر و تحول است. رتبه بندی‌های مؤسسات تحقیقی و پژوهشی نیز این واقعیات‌ها را هر چه بیشتر عیان می‌کند. جامعه‌ی امروز ایران نیز تشنه‌ی تغییر است. زیرا اقدامات صورت‌گرفته کافی و وافی برای رسیدن به مطالبات مردمی نبوده و نیست. به‌خصوص این خواسته‌ها در حوزه‌ی جوانان بیشتر بروز و ظهور دارد. جوانانی که دغدغه‌ی جنسیت ندارند بلکه فراتر از هر چیز و بیش از



هم به ترمیم زخم‌ها توجه کنند و هم در صورت ضرورت به تغییرات بیندیشند. به نظر می‌رسد که باید به زمان و مکان به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی اوضاع و احوال جامعه توجه کرد. اساتید و متخصصان بسیاری بر این نظرند که باید کاردان‌ها در مسئولیت قرار گیرند تا با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح راه چاره بیابند زیرا نتایج عدم پختگی و ناکارآمدی پیشین، همین احساس ناامنی و عدم ثبات اجتماعی فعلی است. وقتی ابزار قانونی حقوق ملت محدود می‌شود، مسیر دستیابی به خواسته‌های به‌حق افراد طولانی شده و امکان اصلاح از دست می‌رود. مردم به‌خصوص جامعه زنان این اطاله و خسران را نه می‌پذیرند و نه تحمل می‌کنند!

تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی وارد شوند. همیشه محدودیت‌ها و منکرها منجر به از دست رفتن موقعیت اجتماعی زنان شده است.

حال این زنان هستند که می‌خواهند سهم بیشتری در انشای مطالباتشان داشته باشند. چون در طی سال‌ها خواسته‌هایشان با بی‌توجهی مواجه شده است. وقت آن است با بررسی یافته‌های پژوهشی در حوزه‌های فرهنگی اجتماعی، سیاسی اقتصادی بار دیگر به گذشته برگشت و خواسته‌مطلبه‌گران را سنجید و پس از آن در تصمیمات گرفته شده، تجدیدنظر نمود.

نظام‌های حقوقی که حامی عدالت و انصاف هستند، به این خواسته‌ها توجه می‌کنند و تلاش می‌نمایند با رفع نواقص



شرحی بر مستندات

«لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»

لایحه‌ای با چهار سند پشتیبان در بهارستان!

اشرف گرامی‌زادگان

کارشناس ارشد حقوق بشر

مقدمه

لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» که نام اولیه لایحه است در دولت دهم تهیه و تدوین شد. این لایحه به دلیل حساسیت خاصی از آغاز با چالش‌های بی شماری - که در این متن نیاز به طرح آن نیست- روبرو شد. در حالی که اسناد اولیه تحقیق با همکاری متخصصان حقوقی تدوین شده بود. پژوهش نخست که یادگار دولت دهم بود توسط دکتر ک، ب و همکاران ایشان تهیه شد. قابل توجه است که متن لایحه و تحقیق و مطالعه آن نیز قابل توجه بود. ازین رو معاونت امور زنان و خانواده در دولت یازدهم تصمیم گرفت کلیه لوایح پیشنهادی دولت دهم مورد مطالعه قرار گیرد تا تلاش‌های انجام شده با بررسی مجدد به ثمر بنشیند. لذا کلیه لوایح پیشنهادی به دوره یازدهم دولت منتقل شد. چهار سال اول دولت، معاونت امور زنان و خانواده کلیه پژوهشها و مطالعات سابق را مورد مطالعه قرار داد تا زحمات دولت سابق محفوظ بماند. خوشبختانه یکی از آن لوایح تلاش چند ساله تدوین اولیه با پیوستهای ضمیمه بود. متن مورد پذیرش معاونت قرار داشت لذا یکی از نخستین لوایح قابل ارائه به شمار رفت. در نخستین سال، کلیه سوابق، مطالعه و از پژوهشگران پروژه مذکور برای ادامه همکاری دعوت شد. با توجه به علاقمندی پژوهشگران ادامه پروژه مجدد به همان گروه مطالعاتی سابق واگذار شد که مدیریت پروژه همچنان تا پایان با گروه‌های دیگر با هدف هم‌افزایی- که برای لایحه و بهینه شدن آن مایل به همکاری بودند- ادامه یافت. پس از آن سه بازنگری عمیق برای لایحه صورت گرفت که به ترتیب شرح داده می شود.

این متن جهت اعلام تلاش معاونت امور زنان و خانواده در دولت یازدهم و دوازدهم تنها در مورد لایحه مورد بحث «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» نگاشته شده است. به این امید که همه در مسیر پیشرفت و ترقی جامعه و خدمت به مردم قدم برداریم و از کوچک شمردن خدمات دیگران پرهیز کنیم.



پذیرای مسؤلیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر باشند. (مقدمه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی) این مهم در بند ۶ اصل ۲ و بندهای ۹ و ۱۴ اصل ۳ و اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و در مجموع می‌توان یکی از جهات مثبت و مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی را نسبت به قانون اساسی مشروطه، توجه آن به حقوق زنان دانست. امری که در منویات و دیدگاه‌های بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری بارها مورد توجه واقع شده است. علاوه بر این خانواده به عنوان نخستین واحد طبیعی و سنگ بنای جامعه نقش مهمی در اعتلاء و ارتقاء انسان‌ها دارد، به همین جهت در اصل ۱۰ قانون اساسی تقویت، تحکیم و تعالی این نهاد مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا قانون حمایت از حقوق و مسؤلیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مصوب ۱۳۸۵ به عنوان یک قانون بنیادین در زمینه‌ی حقوق زنان، در بند ۱۳۲ خود «حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور پیشگیری از جرم و ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن» را به مثابه تکلیفی برای دستگاه‌های مربوط جهت سیاست‌گذاری، اتخاذ تدابیر قانونی، تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی در مورد زنان مقرر کرده است و در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۲۲۷ و ۲۳۰ با توجه به حفظ امنیت زنان آن را از مصادیق

سند پشتیبان نخست

آنچه در ذیل می‌خوانید نخستین پژوهش توسط گروه تحقیق در باره لایحه است: گروه مطالعاتی نخست ضمن تهیه لایحه با انجام مطالعه تطبیقی، ضرورت نیاز جامعه به لایحه را در کشور مورد تأکید قرار دادند. این مطالعه بخش مدنی و تطبیقی لایحه است که در خرداد ماه ۱۳۹۵ تکمیل گردید:

در چرایی مقدمه آمده است:

«با توجه به این که زنان با ویژگی‌های خاص خود، نقش حساس و پراهمیتی در تحکیم بنیاد خانواده، تلطیف روابط انسانی، تربیت نسل‌های آینده و تکمیل شخصیت فردی و اجتماعی مردان دارند، حفظ کرامت و جایگاه انسانی آنان به ویژه در جامعه‌ی اسلامی ما از اهم ضروریات می‌باشد. یکی از موضوعاتی که کرامت زنان را مخدوش می‌سازد، اعمال انواع خشونت و آزار نسبت به زنان چه در عرصه‌ی اجتماعی و چه در محیط خانواده است و اگرچه بهترین راهکار برای رفع خشونت، رعایت موازین اخلاق فردی و حرفه‌ای در حوزه‌ی روابط شخصی و اجتماعی است، اما گاه اشخاص دانسته یا ندانسته با شکستن حریم اخلاق و آزار زنان، وارد محدوده‌ای می‌شوند که تنها قانون و ضمانت‌اجراهای قانونی می‌تواند حدی بر آن باشد. بر این اساس حکومت هرچند باید در ورود به ساحت خانواده با احتیاط عمل نماید، اما در جهت پیشگیری و درمان خشونت‌های خانوادگی ناگزیر باید حضور خود را در این عرصه اعلام و حدود آن را ترسیم کند. حذف عوامل بنیادین خشونت از جمله فقر فرهنگی و مادی و فساد و فحشا که کارکردی دوسویه و متقابل با تحکیم خانواده دارد، و همچنین وضع ضمانت‌اجراهای قوی و مؤثر در واکنش به خشونت علیه زنان، از گام‌های مهم دیگر حکومت در مقابله با خشونت و ظلم علیه زنان است.

یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، بازیابی کرامت، حقوق و هویت انسانی زنان است تا





باید پذیرفت که بسیاری از قوانین

و مقررات، همسو با قانون اساسی

اصلاح نشده و رویکرد مترقیانه

قانون اساسی در زمینه حقوق زنان

در سطوح پایینتر قوانین و مقررات

اعمال نشده است

نمایندگان حقوقی معاونت امور زنان و خانواده اعم از مدیر کل و کارشناسان ارشد در نشست‌های قوه حضور یابند. این روند هر هفته با نشست تام بود و خوشبختانه کلیه قضات و اساتید حقوقی و فقهی در نشست‌ها حضور داشتند. گزارش اقدامات معاونت حقوقی قوه قضاییه به رییس محترم قوه قضاییه نشان‌دهنده تلاش‌های خستگی‌ناپذیر اعضای جلسه و تعدد نشست‌ها است (علاقمندان می‌توانند از قوه قضاییه گزارش نشست‌های تخصصی این لایحه را درخواست کنند).

سند پشتیبان دوم، اسفند ۱۳۹۵

در حین بررسی لایحه در قوه قضاییه، معاونت امور زنان و خانواده در دولت یازدهم تصمیم گرفت برای پشتیبانی از لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» مطالعه فقهی حقوقی لازم را به موازات لایحه انجام دهد. «دومین پژوهش که مستند به سند پشتیبان در موضوع لایحه انجام شد توسط استاد دانشگاه دکتر ص، خ و همکارانش در معاونت امور زنان و خانواده صورت گرفت. مجموعه کاملی از حمایت کیفری ویژه از زنان که در ۷۱ صفحه و مبانی فقهی که در ۱۱۸ صفحه با عنوان سند پشتیبان ارائه شد. متن مقدمه، لایحه و اسناد پشتیبان نیز در ۳۷ صفحه با محورهای: ضرورت طرح، وضعیت موجود و پیشینه اجرایی کار به دولت تقدیم شد. در مقدمه سند آمده است: «خشونت نسبت به زنان یک پدیده مشترک و یک چالش فراگیر در میان تمامی حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی جهان است و کشور ما نیز به‌ویژه با قرارگرفتن در منطقه خاورمیانه و ساختارهای فرهنگی خاص و نیز تنوع فرهنگی و قومی از این امر مستثنا

توسعه و پیشرفت ایران اسلامی دانسته است. اما با وجود این موارد، باید اذعان داشت که قوانین و مقررات موجود به جهت خلاء، ابهام، نقص، تعارض و گاه عدم همخوانی با شرایط جامعه، چه در بعد مدنی و چه در بعد کیفری، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای حاضر جمعیت زنان و زمینه ساز شکوفایی شخصیت و ایجاد محیطی برای کسب فضایل آنها و پیشگیرنده یا درمان‌کننده مشکلات و مصائب ناشی از خشونت علیه ایشان باشد. بر این اساس، باید پذیرفت که بسیاری از قوانین و مقررات، همسو با قانون اساسی اصلاح نشده و رویکرد مترقیانه قانون اساسی در زمینه حقوق زنان در سطوح پایین‌تر قوانین و مقررات اعمال نشده است و تأسیس به وضعیت مطلوب و آرمانی مورد نظر قانون اساسی، راه‌های نرفته بسیاری در پیش‌رو وجود دارد که در دو بعد مدنی و کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در قسمت اول این پژوهش، مطالعه‌ی تطبیقی مسئله‌ی خشونت علیه زنان در کشورهای مختلف، با نظام‌های فرهنگی و حقوقی متفاوت صورت گرفته، و راهکارهای مفید آنها در جهت پیشگیری و حمایت از بزه‌دیدگان خشونت استخراج شده است. در مرحله‌ی بعد با توجه به نیازسنجی انجام شده و در چارچوب قواعد شرعی و عرفی، این راهکارها بومی‌سازی شده و تبدیل به پیشنویس مبسوط و اولیه بخش مدنی لایحه تأمین امنیت زنان خواهند شد. »

در ادامه بخش نخست، اسناد بین‌المللی، در بخش دوم مطالعات تطبیقی در هفت کشور، در بخش سوم: مصادیق و جرم‌انگاری خشونت علیه زنان، در دو بخش: الف- اشکال مختلف خشونت علیه زنان و در بخش: ب- جرم‌انگاری اشکال جرایم خشونت علیه زنان و دختران در قوانین ملی تنظیم شده است. این سند در ۲۳۴ صفحه موجود است.

متن لایحه با اسناد پشتیبان به دولت ارائه شد. کمیسیون لوایح دولت به جهت بخش مجازات‌ها اعلام کرد که می‌خواهد لایحه به قوه قضاییه برود تا از هرگونه تداخل در لوایح قضایی پرهیز شود. لایحه به قوه قضاییه ارائه شد و مقرر گردید



سند پشتیبان چهارم، دانشگاه مفید

قلم ۱۳۹۹

علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته که بیانگر ضرورت قانونی شدن لایحه با عنوان جدید «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» بود، معاونت امور زنان و خانواده با طرح مجدد لایحه به هدف تصویب قانونی با موانعی مواجه بود. در نهایت نشست‌های فقهی حقوقی در دانشگاه مفید قم به‌عنوان راهبرد مورد توجه قرار گرفت. مستندات و تحلیل لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در دفتر هفتم با همکاری نویسنده، محقق و ناظر علمی سید محمدعلی ایازی، بهمن ماه ۱۳۹۹ تدوین شد. سه نشست در دوره سوم از نشست‌های چالش‌های حقوقی زنان گزارش نشست هفتم، هشتم و نهم با موضوع لایحه مذکور در دانشگاه مفید قم برگزار شد. در کلیه نشست‌ها، نمایندگان حقوقی این معاونت شرکت داشتند. حاضران در نشست با طرح سوال چالش‌های موضوع را بررسی و پاسخ‌های خود را از اساتید در جلسه دریافت می‌کردند. این مجموعه در ۱۲۷ صفحه تدوین و برای پشتیبانی به عنوان منابع فقهی حقوقی منتشر گردید. ضمن آن که مجموعه فوق‌الذکر با حضور اساتید برجسته از دانشگاه و حوزه شرکت داشتند. در مورد اکثر لوایح پیشنهادی معاونت، نشست‌های تخصصی فقهی در دانشگاه مفید برگزار شد.

نیست. آمارهای رسمی و غیررسمی حکایت از فراوانی قابل توجه پدیده خشونت علیه زنان دارد. بدیهی است در چنین وضعیتی صرفنظر از رویکرد عدالت‌محور و نیز رویکرد مبتنی بر تضمین حقوق بنیادی زنان؛ مانند حق بر سلامت و حق بر امنیت، توجه به این نکته نیز لازم است که وظیفه پاسخگویی به بخشی از خلاءها در حوزه کنترل این پدیده بر عهده دولت است. از سوی دیگر، همین شیوع و گستردگی و تنوع پدیده خشونت نسبت به زنان حاکی از ناکافی و یا نامتناسب بودن واکنش‌های فعلی نظام تقنینی و اجرایی است. همچنان که ارزیابی‌های علمی به‌عمل آمده و نیز مطالبات جدی و طولانی‌مدت جامعه مدنی و حقوقی کشور مؤید این ادعا است.»

محقق در سند پشتیبان اعلام می‌دارد که: «در این سند حدود ۲۵۰۰ مقاله به زبان فارسی، ۵۰ پایان نامه و نیز حدود ۱۲۰۰ صفحه مطلب به زبان غیر فارسی مرور و مطالب لازم استخراج و قوانین ۱۸ کشور از حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی متنوع با تأکید بر کشورهای اسلامی مورد مطالعه واقع شده است...» سند پشتیبان فوق به کمیسیون لوایح دولت ارائه شده است.

سند پشتیبان سوم، ۱۳۹۶

یکی از اسناد پشتیبان دیگر که با عنوان: «بررسی الزامات فقهی ناظر بر تدوین قوانین بازدارنده از اعمال خشونت علیه زنان» توسط حجت‌الاسلام م.ف طی مهرماه لغایت بهمن سال ۱۳۹۶ در ۱۲۹ صفحه نگاشته شد در چهار فصل: (۱- کلیات، ۲- زنان در تاریخ، جاهلیت و اندیشه اسلامی، ۳- بررسی جایگاه و حمایت‌های حقوقی اسلام از زن، ۴- حمایت‌های کیفری اسلام از زنان در مقابل خشونت و بررسی ظرفیت‌های فقه اسلامی برای جرم‌انگاری خشونت علیه زنان) تنظیم شده است. این سند دارای تاریخچه‌ای با اهمیت از فقه اسلامی است که به بسیاری از پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. لازم به ذکر است محقق و پژوهشگران متن دارای سوابق علمی، فقهی و دانشگاهی هستند.



در مقدمه این سند آمده است: «با تصمیم معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده برای برگزاری نشست‌های دور سوم با عنوان چالش‌های فقهی حقوقی زنان در زمینه تبیین لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، بررسی و مطالعه و تحقیق در این حوزه، با هدف برنامه‌ریزی و تهیه طرحی جامع برای برگزاری سه نشست آغاز گردید. برای اتمام چنین طرحی لازم بود در آغاز استادان متخصص در موضوعات پیشنهادی تعیین شود. ازین رو، نشست با حضور گروهی از استادان مجمع مدرسین حوزه علمیه قم و استادان دانشگاه مفید و استادان دیگر حوزه از متخصصان و صاحب‌نظران این رشته‌ها برگزار شد. به منظور تنظیم جلسات پیاپی درباره شیوه طرح مباحث، استفاده از استادان فقهی و حقوقی و با افرادی برخوردار از هر دو دانش برای توسعه بیشتر فضای علمی و همراهی محققان از دپارتمان حقوق دانشگاه مفید دعوت شد تا در برگزاری و مدیریت این نشست‌ها مشارکت کند و دانشگاه مفید نیز از آن استقبال کرد و بر این اساس، اداره جلسات به رئیس دانشکده حقوق این دانشگاه واگذار شد.»

موضوعات نشست دوره سوم عبارت بودند از:

۱. چرایی طرح لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، «خشونت علیه زنان، راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن از نگاه فقه».

۲. «بازخوانی فقهی عقد نکاح از منظر تأثیر زمان و مکان بر احکام فقهی».

۳. «جایگاه حریم خصوصی زوجین در نهاد خانواده از منظر فقهی و حقوقی زنان، با تأکید بر بررسی تأثیر جایگاه حریم خصوصی بر ایجاد خشونت علیه زنان با پیشگیری از خشونت علیه زنان».

در انتهای مقدمه آمده است امید که این مجموعه به عنوان سند پشتیبان لوایح قرار گیرد و آراء و نظرهای موافق و مخالف در مسائل حقوقی و فقهی، در مباحث فنی و تقنینی مفید واقع شود. لازم به ذکر است که اغلب لوایح معاونت در امور حقوق زنان در دانشگاه مفید قم مورد بررسی



است و نمایندگان می توانند درخواست مجدد خود را به معاونت ارسال نمایند.

ب- از حق نباید گذشت که معاونت حقوقی قوه قضاییه با تشکیل نشست‌های تخصصی که از اساتید و قضات با سابقه و توانمند تشکیل شده بود در کیفیت لایحه نقش مهمی داشت. معاونت حقوقی جداولی را تهیه و تدوین کرد که تک به تک مواد لایحه را با موارد زیر تطبیق می داد: « تطبیق مواد لایحه با مواد مشابه در قوانین دیگر داخلی، اسناد بین المللی، قوانین سایر کشورها، دلایل توجیهی و مواد اصلاحی. » این جدول پژوهشی در ۱۵۵ صفحه تهیه شده بود. معاونت امور زنان و خانواده در تک نگاهت «اهم اقدامات پارلمانی- حقوقی معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده» که در ۶۰ صفحه به چاپ رسید، در صفحه ۲۵-۳۴ تک نگاهت مشارکت قوه قضاییه و اساتید همکار با نام و نام خانوادگی و سمت اعضای گروه را درج کرده است.

ت- لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در ۵۷ ماده از دولت در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و از آن تاریخ تاکنون در مجلس شورای اسلامی است. این تنها لایحه ای است که با همکاری دو قوه مجریه و قضاییه و ضامی از ۴ سند پشتیبان همراه بوده است. مطالعه اسناد بیانگر دقت و موشکافی محققین و کلیه دست‌اندرکاران لایحه می‌باشد.

برای صحت متن ارائه شده، کلیه اسناد نامبرده در مطلب به دولت ارائه شده است و باید با لایحه جهت مطالعه نمایندگان به مجلس شورای اسلامی تحویل می‌شده است. بحث‌های کنونی در رسانه ها، تخفیف تلاشهای مردان و زنانی است که برای حفظ حقوق انسانی خانواده و زنان و کودکان با مساعی فراوان طی سال‌های متمادی به پیشرفت و ارتقاء کشور و ملت خود اندیشیده اند.

* این متن جهت تنویر افکار عمومی در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ در خبرگزاری جماران به چاپ رسیده است.

فقهی- حقوقی قرار گرفته و اسناد کامل مطالعات فوق در دانشکده حقوق دانشگاه مفید قم موجود است.

اتفاقات جالبی در طول زمان بررسی این لایحه از دولت دهم تا پایان دولت دوازدهم رخ داده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست:

الف- در طول بررسی و واکاوی لایحه در دولت و قوه قضاییه، نمایندگان دوره دهم مجلس اصرار به دریافت لایحه از طرف دولت داشتند که متأسفانه امکان تأیید لایحه از کمیسیون لوایح دولت عملی نشد. توضیحات معاونت و اعلام چالش‌های پیش رو هم مورد قبول قرار نگرفت. طبق مستندات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس در دوره یازدهم هم مَصْر به دریافت لایحه بودند که امکان تسریع لایحه توسط دو قوه عملی نشد. ازین رو از طرف نمایندگان طرحی به مجلس ارائه شد با عنوان: « طرح صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» این طرح در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ اعلام وصول و چاپ شد. معاونت با تعجب متن طرح را مطالعه و بررسی کرد. روشن شد که طرح مذکور نسخه لایحه قضایی همان لایحه است. لایحه ای که پس از دریافت از قوه قضاییه با ضرورت اصلاح مجدد توسط قوه مجریه مواجه شد. در نهایت با حضور نماینده رسمی قوه قضاییه در کمیسیون لوایح دولت لایحه را اصلاح و در انتها به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.

ب- متأسفانه برخی از مسئولین تنها با مطالعه تک‌نگاشت‌هایی که معاونت امور زنان و خانواده برای تنویر افکار عمومی از عملکرد خود با حداقل هزینه و تعداد چاپ کرده است و چکیده ای از اقدامات است، تلاشهای مجموعه معاونت را نادیده گرفته و آن همه نیروی انسانی و مالی صرف شده برای لایحه مذکور را کوچک شمردند. حال آن که مستندات مطالعات لایحه و اسناد پشتیبان مرتب برای دولت و کمیسیون لوایح ارسال شده است. در همین مطلب وجود ۴ سند پشتیبان معرفی شده است که متون آن در اتوماسیون معاونت امور زنان و خانواده موجود



بر ضرورت درک مطالبات زنان

لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» پس از تصویب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۴ از طرف قوه مجریه به مجلس شورای اسلامی با فاصله ۱۰ روز تقدیم شد. این لایحه در ۵۷ ماده و در ۵ فصل با عناوین: تعاریف و کلیات، نظارت بر اجرای قانون، وظایف دستگاه‌های اجرایی و نهادها، جرایم و مجازات‌ها و در فصل پنجم با عنوان آیین دادرسی به مجلس رفت تا پس از گذشت بیش از ده سال مطالعه و تحقیق به انضمام صرف سال‌ها زمان و انرژی توسط حقوقدانان، قضات و استادان مورد تصویب قرار گیرد. از آن تاریخ تاکنون - اسفند ۱۴۰۱- این لایحه هنوز آرام نگرفته و تثبیت نشده است.

در طول این سال‌ها لایحه با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده است چون سلیق شخصی و غیرشخصی و عدم تحمل کافی مانع دستیابی به یک قانون قابل قبول شد. هنوز هم اراده کافی برای پذیرش لایحه‌ای تخصصی که بتواند مطالبات زنان را در عرصه حقوق پاسخگو باشد و وجهه مناسبی در سطح داخلی و بین‌المللی برای ایران ایجاد کند، موجود نیست. مستند آن دخالت مراکزی است که نظر خود را ارجح بر نظریه‌های دیگران دانستند. مستند و آخرین نمونه آن مصوبه کمیته مشهد در خردادماه ۱۴۰۱ با عنوان «لایحه پیشگیری و حمایت از زنان در برابر بزه‌دیدگی» است که زمان زیادی نیز برای مطالعه و بررسی آن صرف شد.

اکنون شاهد مطرح شدن لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» هستیم که در آغاز متن مجلس اذعان دارد که طرح و لایحه وصولی مجلس به دلیل تشابه موضوع، ادغام و نهایتاً در جلسه کمیسیون اجتماعی به تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تصویب شده است.

شکل گرفت. این کمیته می‌توانست از تشتت و خودکامگی دستگاه‌ها جلوگیری کند و برای برنامه‌ریزی به یک سیاست عقلانی دست یابد ضمن آن که امکان پاسخگویی را فراهم می‌کرد اما مشاهده می‌شود که اقدامات دستگاه‌ها آن گونه که در لایحه سابق دیده شد، منجر به انسجام نخواهد بود. دقت در مواد، تبصره‌ها و بندهای آنان به وضوح این نتیجه را می‌رساند.

نظر به وجود عبارات‌های مجمل و غیرشفاف در لایحه کنونی، تدوین طرح موضوعاتی چون شاخص‌های عملیاتی و دستورالعمل‌هایی که توسط دستگاه‌ها نوشته می‌شود، خالی از محدودیت‌های جدید نخواهد بود. البته جسارت افزودن برخی خشونت‌ها به متن لایحه و یا توجه به برخی از مواد قانونی قابل اصلاح نیز در این لایحه مفقود است. نتیجه آن که حقوقدانان و فعالان حقوق زنان با یک مطالعه و مقایسه بین دو لایحه در می‌یابند که تفاوت فاحسی بین دو لایحه وجود دارد و ریزه‌کاری‌هایی که پدیدآورنده‌ی جرم بوده است و با کمک قضاات قوه قضاییه و معاونت حقوقی قوه مجریه و قضاییه در لایحه ۱۳۹۹ با عنایت به تجربیات آنان، دیده شده است، مورد توجه قرار ندارد. اما نمی‌توان و نباید این نکات را نادیده گرفت. بی‌شک می‌توان علیرغم زمان و منابعی که بخاطر برخی نظرات به قوای سه‌گانه کشور تحمیل شده است، مجدد لایحه سال ۱۳۹۹ را در دستور کار قرارداد و از تلاش بهترین‌های کشور بهره‌مند شد. تدوین‌کنندگان لایحه ۱۴۰۱ خود بهتر می‌دانند که لایحه سال ۱۳۹۹ بخاطر کیفیت و جامعیت بر لایحه جدید ارجحیت دارد.

* این یادداشت توسط اسرِف گرامی‌زادگان (۶ اسفند ۱۴۰۱) در روزنامه شرق شماره ۴۵۰۴ صفحه ۱۰ بخش جامعه به چاپ رسیده است.

با توجه به مقدمه فوق به برخی از نکات کلی جهت مطالعه اشاره می‌شود:

تدوین لایحه منع خشونت علیه زنان نخست در دولت دهم نوشته شد و در دولت یازدهم و دوازدهم به ثمر نهایی نشست و به مجلس رفت. بیش از ده سال تلاش در دو قوه مجریه و قضاییه و کسب ده‌ها نظریه کارشناسی توسط اساتید علم حقوق و فقه، قضاات و اعضای حقوقی دستگاه‌های اجرایی موجب شده است تا زمان کافی و دقت مطلوب برای تدوین آن صورت گیرد؛ ازین رو جای تعجب است که چرا هنوز مورد قبول و اجماع جهت تصویب قرار نگرفته است.

همان‌گونه که در متن مجلس آمده است، تلاش شده تا از نظر شکلی مشابهت حفظ شود و لایحه جدید با ۵۱ ماده و ۵ فصل شکل بگیرد. اما تفاوت فاحش دو لایحه سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ مشهود است و مشخص می‌شود که لایحه خلاصه‌نویسی شده است و مطالبات شفاف و روشن نیست. به مباحث روز توجه نشده و مفهوم اصطلاحات حقوقی تنزل یافته است.

تغییر عنوان لایحه و حذف واژه «خشونت» و جایگزینی واژه «آسیب» به خوبی نشان می‌دهد که معنا و مفهوم لایحه تنزل یافته و لایحه از ابعاد کیفی هم در سطح داخلی، و هم در سطح بین‌المللی به حناقل فروگاسته شده و جامعیت خود را از دست داده است حال آن که در لایحه سال ۱۳۹۹ در فصل اول (تعاریف و کلیات)، اصطلاحات مندرج در قانون به صورت مشروح بیان شده ولی در لایحه ۱۴۰۱ در یک ماده، مختصر شده است. لایحه سال ۱۳۹۹ با تأکید بر حقوق زنان و مطالبات آنان، به کرامت زن به نحو مقتضی و مطلوبی پرداخته بود ولی در لایحه کنونی، زن حول محور خانواده و به استناد دو اصل قانون اساسی و سپس سیاستهای خانواده قرار دارد. لذا با بررسی تک تک مواد لایحه روشن می‌شود که زن تنها در چارچوب خانواده مطرح بوده و به زن به نام یک انسان مستقل کم توجهی شده است.

تشکیل کارگروه لایحه سال ۱۳۹۹ با هدف هماهنگی و انسجام بین دستگاه‌های اجرایی در جهت پیشگیری و ارتقاء حمایت برای زنان



نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان (با تأکید بر نهاد وکالت)



آذر محسنی
آشتیانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و
جرم‌شناسی، وکیل دادگستری



عاطفه عباسی
کلیمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام
مصدق (ع)

تقویت نهادهای اجتماعی بعد از خانواده و قبیله و تشکیل اصناف و اتحادیه‌ها و احزاب، دلالت بر ضرورتی در زندگی صنعتی و شهری داشته که متعاقبا، ضرورت ظهور تشکل‌های مردم‌نهاد را پدیدار نمود تا با عملکرد مؤثر در سطوح داخلی و بین‌المللی، نقشی فعال ایفا کنند.

پیشگیری از وقوع جرم، به عنوان یکی از ملازمات اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و تربیتی جامعه، تلقی شده، مدیریت زمینه‌های وقوع جرم از کودکی، هزینه‌های کمتری به جامعه تحمیل می‌نماید. ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد، جهت پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان، فرصتی مطلوب تلقی می‌شود که اگر با تخصص و توانمندی‌های وکیل، توأم شود، سرعت و کیفیت را در آن مهم افزایش خواهد داد. این مهم، مستلزم ساز و کار قانونی می‌باشد که مقنن در برخی قوانین، با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم، برای تشکل‌های مردم‌نهاد و نیز معاضدت‌های حقوقی، جایگاهی تعیین نموده است. بررسی سیر تکامل نگاه قانون‌گذار در این راستا و نیز تدابیر او در تسطیح مسیر اجرای این ایده، نقاط برجسته‌ی حقوقی و اجرایی که نشان‌دهنده‌ی ضرورت پیشگیری از وقوع جرم اطفال و نوجوانان با مشارکت مردم توسط تشکل‌ها می‌باشد و تجارب عملی که دلالت بر نتیجه‌بخش بودن تدابیر مزبور دارد، همچنین، حضور فعال و حرفه‌ای وکیل دادگستری به منظور افزایش اثربخشی نتایج، واجد چنان اهمیتی است که می‌تواند زمینه‌ساز ایده‌هایی جدید جهت به کارگیری بیشتر و مؤثرتر از ظرفیت تشکل‌های مردمی و وکیل دادگستری گردد. چه در قالب اصلاح قوانین و مقررات و چه در اجرای قوانین و مقررات موجود. در این مقاله، پس از توصیف مفاهیم وازگان موضوع، اهمیت بنیادی پیشگیری از وقوع جرم افراد غیر بزرگسال و شیوه‌های متناسب با این گروه از جامعه، به ضرورت و اهمیت تشکل‌های مردمی، نقش و ظرفیت و نیز مبانی حقوقی شکل‌گیری آنها در راستای امر مزبور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین، با اشاره به اهمیت و نقش وکیل دادگستری در پیشگیری از وقوع جرائم اطفال و نوجوانان، جایگاه حقوقی و حرفه‌ای و عملی این تخصص در کنار تشکل‌های مردم‌نهاد، تبیین و تحلیل خواهد شد.





۱- مفهوم‌شناسی: سازمان مردم‌نهاد:

(non-governmental organization)

که به صورت مخفف NGO به کار رفته و در فارسی نیز مخفف آن را با کلمه‌ی "سمن" به کار می‌برند، از اصطلاحاتی است که در قطعنامه‌ی ۱۹۵۰ سازمان ملل به کار رفت (دولت رفتار ۱۳۸۸، ۳۹۱) در آئین‌نامه‌ی تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب سال ۹۵ هیئت وزیران، نهادی غیردولتی: «... نهاد غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده و با رویکردی اجتماعی توسط جمعی از اشخاص حقیقی به شکل داوطلبانه و با رعایت مفاد این آیین‌نامه در موضوع مشخص پروانه فعالیت دریافت کرده و به ثبت می‌رسد». شایان ذکر است ماده ۱۶، صریحا از به‌کارگیری کلمه «سازمان» برای موارد

مزبور منع کرده است. «مردم‌نهاد» نیز به معنی: نداشتن وابستگی به دولت، داوطلبانه، برخورداری از شخصیت حقوقی، مدیریت دموکراتیک و مشارکتی و خودگردان بودن است. (سعیدی ۱۳۹۴، ۲۹)

طفل: «کوچک از هر چیز، کودک، نوزاد، بچه کوچک از انسان» (عمید ۱۳۶۴، ۱۴۰۰: ۲) و نوجوان: «پسری که تازه به سن جوانی رسیده، تازه جوان» (عمید ۱۳۶۴، ۱۹۲۴: ۲)

قانون مدنی ایران، بدون تعریف از طفل و نوجوان، سن رشد را ۱۸ سالگی و یا به شرط اثبات در دادگاه، ۱۵ سالگی تعیین کرده بود. همچنین قانون مجازات عمومی (با شیبی صعودی در شدت مجازات) برای سنین ۶ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ و نیز ۱۵ تا ۱۸ سال، تشبیهات و مجازاتی تعیین نمود. با اصلاح



و (۷) که اطفال را از مسئولیت کیفری مبری دانسته، حد طفولیت را بلوغ شرعی عنوان داشته است. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ - که جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۲ به موجب قانون، به آن ملحق گردید- کودک را افراد انسانی زیر ۱۸ سال عنوان نمود مگر آن که طبق قانون، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. بعد از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که زیر حد بلوغ شرعی راه طفولیت و پایان آن را ۱۸ سالگی مقرر داشت، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱، سن ۱۸ سالگی را پایان نوجوانی عنوان نمود. قانون مجازات اسلامی ۹۲، در جرائم تعزیری، برای افراد نابالغ، مسئولیتی قائل نشده، پس از بلوغ تا پانزده سالگی، تحت تصمیمات قضایی خاص و پس از پانزده تا هجده سالگی، تحت اقدامات تأمینی و تربیتی قرار خواهند گرفت. (عباسی کلیمانی ۱۳۹۵، ۱۵)

شایان ذکر است، ژان پیازه، در جنول مراحل رشد و شناختی، ویژگی‌های چهار رده‌ی سنی: تولد تا دو سالگی (نوزادی و نوباوگی)، ۲ تا ۷ سالگی (کودکی-پیش عملیاتی) تا ۷ تا ۱۱ سالگی (کودک-عملیات عینی) و از ۱۱ سالگی به بعد را برشمرده است. (برک ۱۳۹۱، ۳۳: ۱). از این رو، اتمام کودکی در ۱۸ سالگی را می‌توان فصل مشترک حقوق و روانشناسی دانست.

عوامل روانی و عاطفی، مشتمل بر مصادیقی چون: فقر عاطفی ناشی از فوت اولیا یا یکی از والدین نوجوان، عدم تربیت صحیح، تبعیض، خلیقات بد پدر و مادر، نبود پدر و مادر درخانه، عدم رسیدگی به نوجوانان، ظلم و ستم ناپدری یا نامادری و... همچنین احساس شکست است که کودک را به ارتکاب بزه سوق می‌دهد.

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در سال ۱۳۶۱، سن بلوغ، را قریب‌ه رشد تلقی نمود که اثبات غیر آن موکول به رأی دادگاه است. هرچند که در تبصره، اداره اموال بالغ مشروط به اثبات رشد شده است. عرف ناشی از قوانین رشد متعاملین (۱۳۱۳) و قانون خدمت نظام وظیفه عمومی (۱۳۶۳) و سایر قوانین، کماکان ۱۸ سالگی را به عنوان سن رشد، تثبیت نموده است. (عباسی کلیمانی ۱۳۹۵، ۱۵)

قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۶۱



هم‌پوشانی با یکدیگر دارند- را می‌توان در عناوین ذیل، برشمرد:

- ۱-۱- پیشگیری موسع و مضیق.
- ۲-۱- پیشگیری اطفال و بزرگسالان.
- ۳-۱- پیشگیری عام و خاص یا عمومی و اختصاصی.
- ۴-۱- پیشگیری انفعالی و فعال.
- ۵-۱- پیشگیری اولیه، ثانویه، ثالث.
- ۶-۱- پیشگیری اجتماعی و وضعی.
- ۷-۱- پیشگیری هوشمند.
- ۸-۱- جامعه مدار و رشدمدار.
- ۹-۱- پیشگیری دفاعی و پیشگیری رهایی‌بخش یا آزادی‌بخش.

یکی از اقدامات پر شمار و

برجستی تشکل‌ها، آموزش و

جبران خلاءهای علمی، حرفه‌ای،

تخصصی، اجتماعی، فرهنگی

و... به صورت مستقیم یا

غیرمستقیم، جهت افزایش آگاهی

و توانمندی‌های روحی و مادی و

مالی افراد هدف- اعم از والدین

یا اطفال و نوجوانان- است.

تقسیم بندی دیگری مبتنی بر ماهیت تدابیر پیشگیرانه شکل گرفته است با عناوین: پیشگیری تنبیهی، اصلاحی، مکانیکی، علی از جرم و رشدمدار. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۹ توصیه‌هایی به کشورهای عضو مبنی بر پیشگیری اولیه و پیشگیری از تکرار جرم، با تأکید بر تدابیر پیشگیری وضعی و ... در جهت بازسازی بزه‌کاران و اعطای نقش فعال به جامعه جهت بازتوانی آنان داشته است (محمدنسل ۱۳۹۳، ۵۷) و حسب قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳: پیشگیری اجتماعی و وضعی... و راهبردهایی برای پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر و...، پیشگیری از جرائم سازمان یافته با کاهش فرصت‌های فعلی و آتی و ... راهبردهای پیشگیری از جرم برای حمایت

جرم در لغت یعنی: «گناه، خطا، بزه ...» (عمید ۱۳۶۳، ۶۸۶ : ۱) با عنایت به قدمت شکستن هنجارهای اجتماعی در جامعه‌ی بشری، پدیده‌ی جرم و بزه کاملاً شناخته شده است. برخی آن را عملی می‌دانند که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد. (جعفری لنگرودی ۱۳۶۷، ۱۹۱)

حسب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. بزه‌کاری: «... در معنای عام، مجموعه رفتارهای ناقض هنجار، اعم از هنجار حقوقی یا اجتماعی و نیز آثار نقض این هنجارها، مانند ناامنی یا احساس ناامنی را در بر می‌گیرد.» (چندلی ۱۳۹۵، ۲۳)

پیشگیری در جرم‌شناسی پیشگیرانه، عبارت است از « کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه‌کاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزه‌کاری است.» (محمدنسل ۱۳۹۳، ۲۰)

در جرم‌شناسی، امر پیشگیری از منظرهای گوناگون، تعریف و تقسیم شده است. در یک جهت‌گیری کلی، دو مفهوم موسع و مضیق برای آن در نظر گرفته‌اند که در مفهوم موسع، انجام هر اقدامی علیه جرم که آن را کاهش دهد، چه قبل و چه بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شود. در مفهوم مضیق، مجموعه وسایل و ابزارهایی که دولت برای مهار بهتر بزه‌کاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به محیط، مورد استفاده قرار می‌دهد. (محمد نسل ۱۳۹۳، ۲۱)

«مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرائم... هر علمی که باعث کاهش بزه‌کاری، خشونت، ناامنی، از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجاد کننده این مشکلات به روش علمی شود، پیشگیری از جرایم است.» (رجبی پور ۱۳۹۱، ۶۴)

«موريس كوسن، جرم شناس کانادایی... : مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیر قهرآمیز که با هدف خاص مهار بزه‌کاری، کاهش احتمال جرم، کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود.» (ابراهیمی ۱۳۹۶، ۳۸)

رویکردهای گوناگون در تعریف و تقسیم انواع روش‌های پیشگیری از جرم- که گاهی مشابهت و



از گروه‌های حاشیه‌ای اجتماعی و آسیب‌پذیر از آن جرم (مخصوصاً زنان و کودکان) در برابر اقداماتی همچون قاچاق انسان توصیه‌هایی برای دولت‌ها داشته است. (محمدنسل ۱۳۹۳، ۵۸)

۲- ریشه شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان

جرم و بزه که متضمن شدت و حدت عمل ارتكابی و تناسب و میزان عکس العمل در مقابل آن می‌باشد، اکثراً به اختلال سلوک و رفتار مربوط می‌شود اما در عین حال ممکن است از سایر اختلالات عصبی و روانی نیز ناشی شود. (رجبی پور ۱۳۹۱، ۴۹)

بزهکاری منبعث از دلایل گوناگون طبیعی و اجتماعی یا هر دو می‌باشد. برخی، اختلال‌های روانی مادون جنون که ناشی از بیماری یا نقص‌هایی در ساختار مغز باشد، را به عنوان دلایل جرم و نقصان مسؤلیت جنایی می‌دانند. چنانکه در حقوق انگلستان و ولز مسؤلیت نقصان یافته ناشی از اختلال دماغی مادون پذیرفته شده است. (علیمردانی و دیگران ۱۳۹۶، ۶۳) همچنین، کاهش سروتونین به علت ژن مربوط به آن، شخص را پرخاشگر می‌کند. (علیمردانی و دیگران ۱۳۹۶، ۶۴) حسب تحقیقات، ارتباط برخی ژنها با صفتهایی چون رفتار خشونت‌آمیز را نشان داده است. اختلال‌های روانی اسکیزوفرنی، افسردگی، شیدایی، دوقطبی، که بعضاً عامل رفتار خشونت‌آمیز بیمار می‌باشد، از جمله بیماری‌های تحت‌تأثیر عامل ژنتیکی هستند. (علیمردانی و دیگران ۱۳۹۶، ۶۵) اختلال‌های کنترل تکانه، انفجاری متناوب، جنون دزدی و جنون آتش‌افروزی، از انواع دیگر است. (علیمردانی و دیگران ۱۳۹۶، ۶۶)

تغییرات هورمونی در بدن... گاهی متأثر از چگونگی تغذیه و یا میزان آلودگی محیطی (مثل میزان سرب در هوا و...) همچنین اختلالات عصبی و مواد شیمیایی مغز با جرایم و رفتارهای پرخاشگرانه، توسط زیست‌شناسان جنایی تحت بررسی و کشف است. (حسینی ۱۳۹۶، ۱۶۸)

بین اختلالات عصبی و وقوع جرایمی مثل جرایم خشونت‌آمیز، ارتباط معنی داری ملاحظه گردیده

است. (حسینی ۱۳۹۶، ۱۷۹). در خصوص عوامل فیزیولوژیکی، در بحث پیشگیری رشدمدار نیز اشاره ای به ژن جنگاور شده است.

از عوامل اقتصادی، فقر- به عنوان برجسته ترین عوامل ارتکاب بزه‌کاری- و ثروت و زیاده طلبی را می‌توان برشمرد. (رجبی پور ۱۳۹۱، ۵۷)

عوامل روانی و عاطفی، مشتمل بر مصادیقی چون: فقر عاطفی ناشی از فوت اولیا یا یکی از والدین نوجوان، عدم تربیت صحیح، تبعیض، خلیقات بد پدر و مادر، نبود پدر و مادر درخانه، عدم رسیدگی به نوجوانان، ظلم و ستم ناپدری یا نامادری و..... همچنین احساس شکست که او را به ارتکاب بزه سوق می‌دهد، تجربه‌های دوران کودکی (مثلاً لذت از سرقت از دیگران)، احساس ناامنی (ناشی از درگیری دائمی بین پدر و مادر)، خودنمایی و محبوب شدن میان گروه همسالان و صرف عواید ناشی از خلاف برای دیگران جهت محبوب ماندن که ممکن است موجب ارتکاب سرقت، ضرب و جرح و حتی جرائم سنگین گردد. (رجبی پور ۱۳۹۱، ۵۷) در یک پژوهش نیز، مصادیق دیگر از جمله: بی انضباطی، نبود کنترل و نظارت بر رفتارهای جوانان، سابقه محکومیت الگوهای ارتباطی ناهمگون در خانواده، رابطه غیر عاطفی با پدر و ... (مکوندی و دیگران ۱۳۷۷، ۴۹) مشاهده گردید.

در پژوهش دیگری با مطالعه میدانی، رابطه‌ی معناداری بین اعمال خشونت درون خانواده نسبت به کودکان و بزهکاری آنها همچنین تأثیر فقر، اعتیاد، سطح پایین سواد والدین و... ملاحظه گردید. (محمی آبادی و دیگران ۱۳۹۵، ۴۶) که می‌توان موارد مذکور را در زمره عوامل تربیتی و اجتماعی قرار داد.

عوامل عاطفی و مذهبی در قوت وابستگی نوجوان به خانواده و باورهای مذهبی، به‌عنوان عوامل بازدارنده جرم و نیز، نگرش منفی نسبت به قانون و مجریان آن و هنجارهای اجتماعی، همچنین، ارتباط صمیمی و مستمر با بزهکاران، باعث تقویت بزهکاری نوجوانان (مشکانی و دیگران ۱۳۸۱، ۳) و تأثیر پیوندهای عاطفی بین نوجوان و والدین، توجه آنان به فرزند، توجه و تشویق والدین، آرامش محیط خانواده، از دیگر نتایج این تحقیق است. (مشکانی ۱۳۸۱، ۲۰)



جرایم علیه اموال و اشخاص و امنیت، توسط اطفال و نوجوانان قابل تصور می‌باشد. بعد از رانندگی بدون پروانه، ضرب و جرح عمدی، سرقت مستوجب تعزیر، ایراد صدمات بدنی غیرعمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی و توهین، به‌عنوان پرشمارترین جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان، شرب خمر، تخریب، روابط نامشروع، تهدید، ورود و اقامت غیرمجاز، حمل مشروبات الکلی و مواد مخدر، جعل اسکناس، جعل پلاک خودرو، کلاهبرداری و سرقت در فضای مجازی و دستبرد به حساب بانکی شهروندان، فروش ارز دیجیتال و حتی تروریسم - که در سال‌های اخیر، با ظهور گروهک تکفیری داعش، ورود اطفال را در چنین جنایاتی متداول نمودند- از جمله جرایمی است که توسط این گروه سنی ارتکاب می‌یابد.

"تحریک دیگران" را می‌توان یکی دیگر از عوامل بزهکاری برشمرد. از جمله تحریک کودکان به ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر یا استفاده از ایشان در جرایم مزبور که طبق کنوانسیون حقوق کودک و جرم است. (عباسی کلیمانی ۱۳۹۵، ۱۳۰)

بزه‌دیدگی و پورنوگرافی کودکان، از دیگر عوامل بزهکاری است که در جرایم سایبری و پورنوگرافی با تمرکز بر کودکان و سوء استفاده از شبکه جهانی مشاهده می‌شود. درواقع امکان بزه‌دیده شدن مکرر کودکان و نیز امکان تغییر الگوی رفتاری کودک بزه‌دیده به صورت بزه‌دیده - مجرم بیشتر می‌شود. (عباسی کلیمانی ۱۳۹۵، ۱۳۵)

۳- جلوه‌های بزهکاری اطفال و نوجوانان

به جز جرایم خاص گروه‌های خاص، از جمله کارکنان دولت یا نیروهای مسلح، ارتکاب سایر





بزهکاران» تغییر کرد. شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل طی قطعنامه ۱۹۹۲/۱ تشکیل کمیسیون را به جای آن کمیته با موضوعات: بزهکاری ملی و فراملی - پیشگیری از جرم - بزهکاری اطفال و نوجوانان به ویژه نوع خشونت‌آمیز آن تصویب کرد. (طه ۱۳۹۰، ۱۵) و اعضای بخش‌های قضایی و کانون وکلا نیز جزو مدعوین شدند. قطعنامه‌های کنگره‌ها، در خصوص پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ و ۱۹۹۵، توصیه‌هایی در خصوص ابعاد گوناگون از جمله مراکز اصلاح و نقش وکلا و نیز راهبردهای پیشگیری از جرم، خصوصا مربوط به نوجوان و بزهکاری خشونت‌آمیز از جمله موضوع بزه‌دیدگان، به تصویب رسید. (طه ۱۳۹۰، ۹۱) در کنگره هفتم، بر کاهش ضرورت توسل به مداخلات قانونی و قضازدایی و بسیج همگانی کلیه منابع ممکن از جمله خانواده، گروه‌های جامعه، مدارس و سایر مؤسسات اجتماعی، تأکید شده است. (طه ۱۳۹۰، ۱۸۰)

راهنمای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوان (راهنمای ریاض) و اعلان مجمع عمومی طی قطعنامه مورخ ۱۹۹۵، با تأکید بر پیشگیری از بزهکاری نوجوان، آموزش قانون و حقوق و مسؤلیت‌های جوان و خانواده‌شان و حمایت مالی و غیرمالی از جوان پیشگیری از بزهکاری و عدالت نوجوان با مشارکت حقوقدانان، کارشناسان و

تصمیم‌گیرندگان، تنظیم و تصویب شد.

در نظام حقوقی ایران، نهاد وقف و نذر و هیئت‌های مذهبی در ایران، از قدیمی‌ترین نهادهای مردمی و مشارکتی است. با تصویب قانون شهرداری‌ها و انجمن شهر در ۱۲۸۶، تأسیس توانوی‌های روستایی، انجمن‌های ده و خانه‌های انصاف در دهه ۱۳۴۰، تا حدی طبیعی مشارکت‌های مردمی نمایان گشت.

اصول ۳ و ۶ و ۷ و ۸ و ۲۶ و ۲۹ و ۵۶ و ۵۹ و ۱۰۴ قانون اساسی، مستقیم و غیر مستقیم، حق حاکمیت و نیز مشارکت مردم در اداره‌ی امور اجتماعی و سیاسی را در قالب‌های گوناگون، اعم از رأی‌گیری، آزادی عضویت در احزاب، فعالیت‌شوراها و نهادهای اجتماعی و صنفی و کانون‌ها و مجامع فرهنگی، علمی و هنری، به رسمیت شناخته است.



۴- مشارکت تشکل‌های مردم‌نهاد در

پیشگیری از وقوع جرایم در آینده اسناد

بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی

بعد از اولین کنگره‌ی بین‌المللی در مورد پیشگیری و سرکوب جرم در سال ۱۸۷۲ در لندن، کمیته‌ی مشورتی کارشناسان در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران در سال ۱۹۶۵ و پس از آن، کمیته پیشگیری و مهار جرم در سال ۱۹۷۱ تشکیل و جایگزین گردید. (طه ۱۳۹۰، ۱۲) در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۱۳۵۱ مجلس ایران) تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال را مورد تأکید قرار داد.

از سال ۱۹۵۰ کنگره‌های «پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران» آغاز و هر پنج سال یکبار در کشورهای مختلف تشکیل شد که در سال ۲۰۰۵ عنوان کنگره‌ها به «پیشگیری از جرم و رفتار با



حاکمیت، اجازه‌ی جانبداری و دادخواهی به نفع افراد و گروه هدف تشکل داد. لذا تشکل‌ها می‌توانند به عنوان شاکی یا اعلام‌کننده‌ی جرم، همیاران دادگاه، مشاور قربانی و مددکار مجرمان اقدام نمایند. (چکنی و دیگران به نقل از کوشکی ۱۳۹۸، ۳۴۹) در سال ۹۴، ماده ۶۶ اصلاح و حق اعتراض و شرکت در جلسات دادرسی برای تشکل‌های مردم‌نهاد، از آنان سلب گردید. این تغییر، جای بحث و بررسی دارد اما از حوصله این مقاله خارج است.

دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، در تاریخ ۹۸/۱۲/۵ در راستای تحقق قوانین برنامه پنج‌ساله‌ی ششم توسعه، پیشگیری از وقوع جرم، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مبارزه با قاچاق انسان، مدنی، آئین دادرسی کیفری، حمایت از آبران به معروف و ناهیان از منکر و مجازات اسلامی، توسط رئیس قوه قضائیه تصویب گردید.

اهداف دستورالعمل، حسب مواد ۲ و ۳، تقویت رویکرد مشارکت و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، ارتقای توانمندی و تقویت و بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی، با رعایت مواردی از جمله پیشگیری از وقوع جرم، مسؤلیت‌پذیری، همبستگی و انسجام اجتماعی، حمایت از محرومان و اقشار آسیب‌پذیر عنوان گردیده است. در ماده ۴، یکی از موضوعات نهادهای مردمی، معاضدت حقوقی و روانشناختی اطفال و نوجوانان و حمایت از خانواده محکومان برشمرده شده است. تکالیف مسؤلان اداری قوه، استفاده از ظرفیت‌های آموزشی و مشارکت در سیاست‌گذاری با نهادهای مردمی از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی و تجربی و علمی و اجرایی نهادهای شناسایی افراد در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی جهت پیشگیری از تکرار جرم با تأکید بر کودکان و نوجوانان و ...، همچنین اجازه به قضات جهت ایجاد امکان شرکت نمایندگان نهادهای مردمی در فرآیند رسیدگی، تجویز ارائه دلایل اعتراض به رأی برات به دادستان، اشاره به ظرفیت و کالت معاضدتی و مشاوره‌های نهادهای کانون و کلا و ... کاملاً مبسوط و مفصل، تعیین شده است.

شایان ذکر است که قوه قضائیه به منظور

بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را جزو وظایف قوه قضائیه برشمرده است. هرچند که مشارکت تمامی عناصر جامعه مدنی، مابینتی با آن قانون ندارد. (بابایی و دیگران ۱۳۹۳، ۹۰)

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران مصوب ۱۳۷۹، کاهش تصدی و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم نمودن زمینه توسعه مشارکت مردم را مقرر نمود. قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، حول محور پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، تمهیداتی برای گسترش نهادهای مدنی مطرح نموده است. (بابایی ۱۳۹۳، ۹۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم مصوب ۱۳۸۹، نیز اشاره‌ای به استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد و به‌کارگیری و کلا از طریق کانون‌های مربوطه نموده است. قانون برنامه پنج ساله ششم مصوب ۱۳۹۵، قوه قضائیه را مکلف نموده که با بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و ... برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی را تدوین نماید.

قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، منصرف از بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که پیشگیری را از وظایف قوه قضائیه دانسته، بین قوای سه‌گانه تقسیم کار نموده، با تشکیل شورای عالی پیشگیری، تمامی دستگاه‌ها را به میدان آورده، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی را نیز مقرر داشته است.

ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای نخستین بار حضور جدی و فعال تشکل‌های مردم‌نهاد را در حمایت از بزه‌دیدگان اعتبار بخشید و به اشخاص حقوقی و خارج از

همکاری داوطلبانه مستمر یا

استخدامی یک وکیل علاقه‌مند یا

مغرب به موضوع و اهداف تشکل،

موجب آگاهی‌های دقیق وی و

نیاز - در موارد ضروری - دسترسی

بزنگاه به او را فراهم می‌سازد.



برگزاری کلاس‌های آموزشی در پیشگیری از ارتکاب جرم، ارائه گردیده است. (شاه‌بهرامی و دیگران ۱۳۸۸، ۵۱۴) همچنین سایر پژوهش‌ها: (افضلی و دیگران ۱۳۹۷، ۵۷۹) ۲- اقدامات حمایتی، رفاهی و وکالتی: حمایت‌های اقتصادی در تمامی زمینه‌های اوراق، تحصیلی، کارایی و نیز خدمات حقوقی مشتمل بر آموزشی و وکالتی که در چند پژوهش نیز بررسی و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم، ملاحظه شده است. (شاه‌بهرامی و دیگران ۱۳۸۹، ۵۱۳)

۳- جمع‌آوری و ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه: شناسایی نیازها و راستی‌آزمایی، جلب حامی از دیگر کارکردهای تشکلی‌ها می‌باشد که نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی نقش کاهنده‌ی آسیب اجتماعی این کارکرد، در تشکلی‌ها است. (افضلی و دیگران ۵۷۹)

۴- تبلیغات و کارکرد روانی و مدیریت مطالبات: جلب نظر آحاد جامعه و گاه دولت است. در نتایج یک پژوهش در خصوص جذب مشارکت شهروندان در شهر تهران، عملکرد مناسب و فعال در اطلاع‌رسانی یک تشکلی، جذب اساتید خوب و اعتمادسازی و رضایت‌مندی مخاطبین تشکلی، از عوامل تقویت مشارکت اجتماعی، مشاهده گردید. (حسین‌پور و فتحی ۱۳۹۵، ۱۷۵).

۵- ارائه‌ی راهکار به دولت و تشریح مساعی: کسب اطلاعات دقیق و کارشناسی، و پردازش و تدوین طرح و برنامه و پیشنهاد به دولت و همچنین رایزنی با مقامات تصمیم‌گیرنده و... جهت رفع نابسامانیهای اجتماعی.

۶- مشارکت و همگرایی: آگاهی و اطلاع‌رسانی به مردم، موجب افزایش احساس مسؤلیت در افراد و همگرایی بین پلیس و مردم می‌شود. نتایج یک پژوهش و بررسی نقش سمنها مؤید این موضوع است. (حق نظری ۱۳۹۵، ۴۷) کمک متقابل مردم به دولت، موجب کوچک سازی دولت نیز می‌گردد. (بابایی کنگ لو ۱۳۸۹، ۳۵)

کارکردهای مزبور، از جمله عناوین مشترک

اجرای دستورالعمل مذکور، دبیرخانه‌ای تشکیل داده، تمهیدات لازم جهت عضویت تشکلی‌های مردم‌نهاد را فراهم نموده است. همچنین مسؤلین معاونت‌های مشارکت‌های مردمی و اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، در مقاطع مختلف به نقش تشکلی‌های اجتماعی و لزوم بهره‌مندی از اطلاعات حقوقی در این راستا، تأکیدات مکرر داشته‌اند. (سایت اداره کل مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی قوه قضائیه)

۵- کارکرد تشکلی‌ها در جهت پیشگیری

از وقوع جرم

دسته‌بندی‌های متعددی با توجه به جهت‌گیری فعالیت (توسعه‌ای، رفاهی و...)، یا سطح عملیات (محلی، ملی، بین‌المللی) تشکلی‌ها ارائه شده است. (سعیدی ۱۳۹۴، ۳۹) که به دلیل اختصار به همین اندک بسنده می‌شود.

هر تشکلی با هرهدفی، قطعا با افراد هدف خود، تعامل دوسویه در جهت یاری‌رسانی حرفه‌ای به افراد هدف و اخذ نظر و طرح و برنامه از ایشان، به طور مستقیم و مستمر دارد که علاوه بر افزایش اعتماد عمومی بین جامعه و نهاد‌های رسمی، موجب وفاق و همدلی بین مردم و مانع کم‌کاری یا انحراف نیز می‌گردد. (بابایی ۱۳۹۳، ۸۷)

علاوه بر کارکردهای متعدد تشکلی‌ها، متداول‌ترین و عمده‌ترین آنها عبارت است از:

۵-۱- آموزش و پژوهش: یکی از اقدامات پرشمار و برجسته‌ی تشکلی‌ها، آموزش و جبران خلأهای علمی، حرفه‌ای، تخصصی، اجتماعی، فرهنگی و... به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، جهت افزایش آگاهی و توانمندی‌های روحی و مادی و مالی افراد هدف- اعم از والدین یا اطفال و نوجوانان- است. پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام و نتایج توسعه‌بخشی و پیشگیرنده از جرم آنها، ارائه گردیده است. (حسین‌پور و فتحی ۱۳۹۵، ۱۷۴) در پژوهشی در خصوص تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم زنان انجام شده، به وضوح تأثیر





هندوستان، انگلستان، آرژانتین و ... نظارت در امور قضایی با مشارکت در روند دادرسی یا بهره‌مندی از شفافیت قضایی - بدون دخالت در کار یا استقلال قضات - و نیز به واسطه کمک و حمایت از زندانیان، پیشنهاد لوابج، آموزش قضایی شهروندان، تعاملات علمی با قضات و... انجام می‌شود. (درخشان، ۱۴۰۱، ۹۰۲)

۶- تشکل‌های مردمی و بایسته‌های

حضور وکیل جهت پیشگیری از جرائم

اطفال و نوجوانان

تشکل‌ها با کارکردهایی که قبلا از نظر گذشت،

در عموم تشکل‌های مردم‌نهاد در دنیا تلقی می‌گردد. ولی در برخی از کشورها، رویکردی با عبارت «نهاد دوست دادگاه» تعریف شده است که سمن‌ها، از برجسته‌ترین آنها تلقی شده، با توجه به نقش بی‌طرفی که دارند، یاور دادگاه‌ها در تشخیص و تحلیل و حتی آموزش و پژوهش می‌باشند. البته کلینیک‌های حقوقی (در دانشکده‌های حقوق)، آمبودزمان (نهادهای غیرقضایی جهت رسیدگی به شکایات مردم از ادارات)، اندیشکده‌ها و نهاد وکالت نیز در زمره نهادهای دوست دادگاه برشمرده شده است. (پاک نژاد، ۱۴۰۰، ۵۵) از جمله کارکردهای تشکل‌ها در برخی کشورها از جمله: لهستان، صربستان،



هر اجتماعی، بالضروره با حقوق
عجین است و هر مسئله ای مرتبط
به هر تشکل و گروهی، نیازمند
حقوقدان است. لذا، حضور وکیل
دادگستری، در آن حلقه، می‌تواند
نقش موثری در حمایت از
بزه‌دیدگان و محکومان، در قالب
«پیشگیری ثالث»، ایفا نماید.

در تمامی سطوح و روش‌های پیشگیری از جرم که ذکر شد، قادر به ایفای نقش و اثربخشی نسبت به اطفال و نوجوانان ناکرده بزه و بزه‌کار می‌باشند. سیر تحول رویکرد قانون‌گذار نسبت به اهمیت مشارکت مردمی در امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، علاوه بر تجلی اندیشه‌های بلند مدنی در نگاه وی، طلبه‌ای دیگر از یک گام پیش‌رو نیز قابل استنتاج است و آن هم، ضرورت دخالت متخصصین از جمله حقوق‌دانان در حل معضلات اجتماعی است. چنان که در جزء ۲ از بند ط ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور، مصوب ۱۳۸۹، در راستای توسعه دسترسی جامعه به عدالت قضائی، قوه‌ی قضائیه را مکلف به «تسهیل تمهید ساز و کار مناسب برای استفاده افراد نیازمند از وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری از طریق کانون‌های مربوطه، علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های وکالت تسخیری، و با استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد» نموده است. به نظر نگارنده، این یک گام قانون‌گذار در جهت به کارگیری ظرفیت تخصصی تشکل‌ها با تکیه بر قابلیت خاص وکلا می‌باشد.

در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ (و اصلاحی ۹۴) اختیار یک اقدام حقوقی در دفاع از حقوق اشخاص مورد نظر قانون‌گذار به سازمان‌های مردم‌نهاد اعطا شده است. این ابداع (پذیرش نهادهایی خارج از حاکمیت، به عنوان یکی از بازوان اجرایی)، موجب غریبال و پالایش موضوع، قبل از طرح در مرجع قضایی، توسط افرادی متخصص و باتجربه، می‌گردد. پذیرش این شیوه، می‌تواند زمینه‌ساز ضرورت وساطت متخصصین امور حقوقی و طرح شکایت و دعوا، یعنی حقوق‌دانان و وکلا گشته، الگوی چنان تحولی در آینده شود. از سوی دیگر، ماده ۶۶ در مقام اجرا و عمل، از بدو تا ختم، مستلزم تمهیدات و مقدماتی است که بدون مشورت با حقوقدان، امکان‌پذیر نیست. علی‌الخصوص اگر موضوع، دارای اندک پیچیدگی‌ای باشد که نظارت یک متخصص در امر تعقیب حقوقی - وکیل دادگستری - می‌تواند روندی دیگر بر موضوع رقم بزند.

در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب



روش‌های پیشگیری از وقوع جرم با مشارکت تشکل‌های مردم‌نهاد برای انجام آن مهم، طراحی می‌گشت و البته، به نظر نگارنده، هر اجتماعی، بالضروره با حقوق عجین است و هر مسئله‌ای مرتبط به هر تشکل و گروهی، نیازمند حقوقدان است. لذا، حضور وکیل دادگستری، در آن حلقه، می‌تواند نقش مؤثری در حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان، در قالب «پیشگیری ثالث»، ایفا نماید. دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۹۸، یکی از شفاف‌ترین و صریح‌ترین مقررات مبتنی بر دو تأسیس «مشارکت نهادهای مردمی» با سیستم قضایی و «پیشگیری از وقوع جرم» می‌باشد که در خلال موازین مقرر، راه‌کارهایی مطرح نموده که می‌توان گفت، ضرورت حضور و دخالت یک عنصر متخصص در رشته‌ی حقوق، از تصریح تصویب‌کنندگان، جا مانده است.

هر اجتماعی، به محض تشکیل، مستلزم جری قواعد حقوقی است و هر سازمان و ساختاری، معمولاً مستقیم یا غیرمستقیم، خود را به واحد حقوقی یا همراهی مشاور حقوقی، مجهز می‌نماید. (دوایر حقوقی و نماینده‌ی قضایی، نمونه عملی اجرای این ضرورت در ادارات دولتی است). با این مقدمه، ذیلاً مواردی از دستورالعمل مذکور خواهد آمد که به نظر نگارنده مقتضی حضور یک حقوقدان در این حلقه‌ی اجرایی است که فراتر از دانش حقوقی، به بازخورد عملی بسیاری از تصمیمات و تصورات و تئوری‌ها، مسلط باشد. به عبارت صریح‌تر، «وکیل دادگستری»، حلقه‌ی گمشده‌ی آن تمهیدات است که حضورش، متضمن افزایش ضریب موفقیت راهکارها می‌گردد. در مواد ۳ الی ۸ دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۹۸، عبارات «حفظ و احیای حقوق عامه»، «پیشگیری از وقوع جرم»، «تنسست‌های توجیهی» و «آموزشی» عنوان گردیده است که قاعدتاً واجد رویکرد حقوقی یا قضایی و مستلزم حضور نماینده‌ی متخصص و مرتبط - حقوقدان - است.

تشکیل کارگروه موضوع ماده ۱۱ دستورالعمل، قطعاً با حضور صاحبان مناصب مرتبط می‌باشد.

۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دایره‌ی وسیعی از مقامات مسؤل در امر پیشگیری از وقوع جرم تعیین شده که دلالت بر وسعت معضل و متقابلاً وسعت دید قانون‌گذار در تجمیع افراد مرتبط دارد. از سویی، حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان مطرح است که با عنایت به تنوع و تکثر نگاه در دستورالعمل نحوه مشارکت و تعیین جایگاه برای نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۹۸، جا دارد که یکی از



عملی‌تر را متصور می‌نماید که، در قالب حضور بالفعل وکیل دادگستری باید آن را اجرایی دانست. در ماده ۴۲ و ۴۵، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مجاز به بهره‌مندی از معاضدت حقوقی و تحقیقات و پژوهش‌های جرم‌شناسی و نیز آماده‌سازی خروج زندانی، توسط نهادهای مردمی شده است. در کنار دانش و تجربه‌ی اساتید حقوق و قضات بازنشسته، تبحر و کلای دادگستری، هم‌تراز با نیاز مطروحه در مواد مذکور می‌باشد.

۷- نقش وکلای دادگستری در

تشکل‌های مردم‌نهاد و پیشگیری از

وقوع جرم

در مقدمه‌ی این مبحث، اشاره‌ای مجدد به ضرورت پیشگیری از وقوع جرم اطفال و نوجوانان، به لحاظ حساسیت گروه سنی آنان و نیز نتایج منفی دراز مدت برای جامعه، اقتضای کند که به فرصتی که ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری ایجاد کرده، نگاهی دوراندیشانه داشته باشیم. از سوی دیگر، نقش آگاهی بخشی تخصصی وکیل دادگستری در پیشگیری از وقوع جرم در سطح اولیه و ثانویه و رشدمدار غیر قابل انکار است. همراهی وکلای دادگستری با تشکل‌ها، به دو شکل متصور می‌باشد: نخست؛ عضویت وکیل دادگستری در تشکل مردم‌نهاد مطرح می‌شود. ساختار تشکل‌های مردم‌نهاد، معمولاً یا متشکل از هیئت‌امنا و اعضای هیئت‌مدیره و عده‌ای حامی می‌باشد و یا با عضوگیری نامحدود، مجمع عمومی از اعضا، تشکیل و هیئت‌مدیره با انتخاب مجمع، تعیین می‌گردد. عضویت وکیل دادگستری در ارکان یک تشکل مردم‌نهاد، اعم از هیئت‌امنا یا هیئت‌مدیره، یا حضور مستمر در تشکل در قالب مشاور حقوقی، موجب نزدیکی وی به معضلات افراد گروه هدف - و در مورد موضوع ما؛ اطفال و نوجوانان - شده، موجب رصد دائمی و مستمر و بزنگاه به مسائل مبتلا به افراد گروه هدف می‌شود.

دوم؛ همکاری داوطلبانه مستمر یا استخدام یک وکیل علاقمند یا مجرب به موضوع و اهداف تشکل، موجب آگاهی‌های دقیق وی و نیز- در

اصلح است که نماینده‌ی نهاد مردمی در آن کارگروه دارای تخصص و تبحر حرفه‌ای باشد. ماده ۱۳ نیز، واحدهای قضایی، زندان‌ها و شوراهای حل اختلاف را موظف به دسترسی به افراد نیازمند خدمات نموده است که قاعدتاً با نیازهای حقوقی و چاره‌جویی قانونی ملازمه خواهد داشت.

در ماده ۱۷، توسعه‌ی آموزش حقوق و تکالیف به مردم مطرح گردیده است. هرچند که داشتن علم حقوق، ملازمه با داشتن پروانه و کالت ندارد، اما با تأسی از اساتید علم حقوق که پروانه و کالت نیز اخذ کرده‌اند، باید عنوان داشت که انجام آن تکلیف، با داشتن تبحر و کارآمدگی در امر وکالت، نتایج کاربردی تری تحصیل خواهد نمود.

ماده ۲۱ و ۲۰ دستورالعمل، خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به منظور طرح و تعقیب شکایت و دعوا در مراجع قضایی و قانونی و تمهیدات خاص جهت حفظ حقوق بزه‌دیده مشتمل بر شناسایی و جمع آوری ادله در خصوص عموم بزه‌دیدگان و کودکان و نوجوانان و زنان است که هر کدام از آن اقدامات، مستلزم حضور فردی متخصص و آشنا با ساز و کار امر تعقیب و تحقیق می‌باشد.

فرآیند میانجی‌گری توسط تشکل‌های مردم‌نهاد، در مواد ۲۳ الی ۲۷ دستورالعمل، یک اقدام شبهه‌قضایی بدون تشریفات قضایی، با رویکرد صلح و سازش است. تنظیم یک رابطه حقوقی فصل‌کننده‌ی اختلاف، بدون تسلط بر مبانی حقوقی و آئین دادرسی، اقدامی ثمربخش به نظر نمی‌رسد.

اجرای ماده ۳۰ دستورالعمل، به عنوان یک فرصت خاص و تخصصی به تشکل‌های مردم‌نهاد جهت اعلام و تعقیب جرم در مرجع قضایی، مستلزم فرآیندی خاص منطبق با آئین دادرسی کیفری و آشنایی با فرآیندهای قانون، اعم از مواعد، صلاحیت‌ها، اعتراض به آراء، عناصر جرم و... می‌باشد.

در ماده ۳۳، پس از ذکر ظرفیت کانون وکلا جهت استفاده مقام قضایی و ارجاع برای افراد بی‌رضاعت، ظرفیت‌های مشاوره‌ای و حقوقی نهادهای مردمی را جهت امر مزبور، به رسمیت شناخته است. با توجه به وجود واحد ارشاد قضایی در قوه ی قضاییه، این ظرفیت، قاعدتاً باید امکانی، بیش از آن ارشاد قضایی رایگان بوده، نقشی



حضور وکیل در کنار یا در**ساختار تشکل مردم‌نهاد، به****منظور ارائه آگاهی و خدمات****حقوقی، اقدامی تجربه شده****است.**

موارد ضروری- دسترسی بزنگاه به او را فراهم می‌سازد.

حضور وکیل در کنار یا در ساختار تشکل مردم‌نهاد، به منظور ارائه آگاهی و خدمات حقوقی، اقدامی تجربه شده است. ضمن اشاره به انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم و ضرورت آگاهی حقوقی و قانونی، همچنین، اشاره به آثار فقر اقتصادی که گاهی از حواشی، فقر فرهنگی یا اجتماعی است، زمینه‌های حقوقی مؤثر و نقش گره‌گشای وکیل دادگستری را در چند نمونه، مرور خواهیم کرد.

به عنوان مثال در جرم ترک انفاق، عدم پرداخت نفقه از سوی سرپرست خانواده، کودکان را در معرض آسیب‌های گوناگون قرار داده، آنها را به سمت ارتکاب جرائم مالی مثل سرقت و یا فروش مواد مخدر و در مواردی به پرخشگری و ضرب و جرح سوق می‌دهد. گاهی سرپرست خانواده، به دلیل اعتیاد یا بی‌مسئولیتی، علاوه بر ترک وظیفه، کسب درآمد به هر طریق را برای طفل یا نوجوان خود، وظیفه دانسته است. گاهی، ازدواج‌های غیررسمی یا احتمالاً موقت یا حتی روابط خارج از ازدواج، منتهی به تولد فرزند یا فرزندی شده است که پس از جدایی زوجین، مادر، اجباراً سرپرست خانواده شده است. در چنین مواردی، اثبات زوجیت، اثبات نسب، اخذ شناسنامه، مطالبه‌ی نفقه، از جمله عناوین حقوقی‌ای است که مستلزم شناسایی مشکل و پیگیری و اقدام مقتضی قانونی و احتمالاً قضایی است.

از سوی دیگر خانواده‌های محروم، از اختلال روانی پدر یا مادر، رنج و آسیب مضاعف متحمل می‌شوند. فقر فرهنگی، کوچک بودن محل سکونت، ناهنجاری‌های محیطی، زمینه‌ی پرخشگری و حتی ضرب و جرح و اقدام به قتل را از سوی والدین، نسبت به خانواده، تشدید می‌کند. مدیریت حقوقی چنین موقعیتی، طرح شکایت یا اعلام مجبوریت پدر به مقام قضایی یا اعزام والد بیمار به آسایشگاه، ضروری و پیشگیرنده از ایجاد موقعیت بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

عدم رعایت مصلحت فرزند نیز موضوع دیگری است که ضرورت حضور وکیل را می‌طلبد. فروش فرزند به باندهای فروش مواد مخدر یا قاچاق انسان،



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اهمیت پیشگیری قبل از ابتلاء، عدم توانایی دولت‌ها در حل تمامی معضلات جامعه و ضرورت به کارگیری توانمندی‌های مردم، مورد توجه و اقبال نهادهای بین‌المللی و نیز حاکمیت داخلی کشورمان قرار گرفته، با تصویب کنوانسیون‌ها و قوانین مرتبط، راه مشارکت مردمی را در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد (داوطلبانه، غیرسیاسی و غیر انتفاعی)، باز کرده، معاضدت‌های قضایی و حقوقی نیز در همین راستا، بر قابلیت‌های مورد نظر ایشان، افزوده شده است. اطفال و نوجوانان، که تحت کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی متعدد و نیز قوانین داخلی، مورد حمایت قرار گرفته‌اند، یکی از گروه‌های هدف برای سازمان‌های مزبور و نیز، موضوعی برای پیشگیری از وقوع جرم، به لحاظ حساسیت سنی آنان و بازخورد درازمدت این امر، می‌باشند. با شناخت عوامل و دلایل بزهکاری ایشان که مشتمل بر عوامل فیزیولوژیکی، زیستی، ژنتیکی، عصب‌شناختی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و عاطفی، بزه‌دگی و نیز تحریک دیگران، مبتنی بر پژوهش‌های علمی، مورد بحث قرار گرفت و انواع جرائم اطفال و نوجوانان شامل: راندگی بدون پروانه، ضرب و جرح عمدی، سرقت، ایراد صدمات بدنی ناشی از بی احتیاطی در راندگی، توهین، تخریب، شرب خمر، روابط نامشروع، تهدید، ورود و اقامت غیرمجاز، حمل مشروبات الکلی، جعل اسکناس، جعل پلاک خودرو، کلاهبرداری و سرقت در بستر فضای مجازی، مبتنی بر اخبار و مستندات، معرفی گردید.

تشکل‌های مردم‌نهاد، در سایه توصیه‌های مندرج در اسناد بین‌المللی، با رویکرد ترغیب به آموزش، نقش و کلا، گسترش پلیس و مؤسسات اجرای قانون، مشارکت حقوقدانان و کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان و مشارکت جامعه و اهمیت ارتقا آگاهی عمومی و تقویت برنامه‌های آموزشی مطرح گردید.

نظام حقوقی ایران، در قانون اساسی، قوانین مدنی، برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ایران، قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴مجمع تشخیص مصلحت نظام، با عنایت به ضرورت پیشگیری

اجازه ازدواج زودهنگام و بعضا اجباری دختران در قبال دریافت وجه، یکی از ناهنجاری‌های رایج در خانواده‌های نیازمند است که مستقیم و غیر مستقیم، موجبات ورود آسیب جدی به اطفال و نوجوانان را فراهم آورده، یا به بزهکاری سوق می‌دهد یا با بزه‌دیدگی، مستعد بزهکاری می‌نماید. پایش اینگونه خانواده‌ها و دسترسی فرزندان به فردی مطلع و قانون‌شناس، همچنین رصد یک حقوقدان، می‌تواند در بزنگاه‌ها، قبل از وقوع فاجعه، پیشگیری نماید. همچنین عدم رعایت مصلحت طفل یا نوجوان توسط پدر یا مادر یا پادری و یا نامادری و سوءاستفاده از طفل و حتی نوجوان جهت اشتغال وی به تکدی‌گری، سرقت، قاچاق، فحشاء و..... که تعامل با تشکل مردم‌نهاد و پایش چنین وضعی توسط وکیل دادگستری، علاوه بر آگاهی‌رسانی به موقع و مفید، اقدامات قضایی متناسب با خطر، قبل از وقوع، می‌تواند بازدارنده و پیش‌گیرنده باشد. در نهایت آن که حسب آمار، حدود ۸۰ درصد کاربران اینترنت نوجوانان و جوانان بوده، در همین حدود نیز مرتکب جرم سایبری شده‌اند (کوره‌پز و دیگران ۱۳۹۳، ۱۱۷) هرزه‌نگاری اطفال، که منفور جامعه جهانی نیز هست، موجب بزه‌دیدگی کودکان شده، زمینه بزهکاری ایشان را تسهیل می‌نماید. تسریع در ورود مقامات قضایی، نیازمند پایش به موقع اطفال و نوجوانان و ارجاع امر به نهادهای قانونی با فاعلیت متخصص در اقدامات حقوقی است.

تشکل‌های مردم‌نهاد، با جذب

وکیل دادگستری در کنار خود،

چه در هیئت امنا، چه در هیئت

مدیره، چه به صورت مشاوره‌ای و

یا استفاده، می‌توانند از قابلیت

وی برای آموزش و پژوهش،

اقدامات حمایتی و وکالتی و نیز، در

اجرای انواع روش‌های پیشگیری

از وقوع جرم- اولیه، ثانویه، ثالث

و رشدمدار- بهره ببرند.





از وقوع جرم، معاضدت حقوقی، اطفال و نوجوانان، مشارکت مردم، نخبگان و نهادهای مردمی در سیاست‌گذاری پیشگیری از وقوع جرم، اصلاح قوانین و تدوین لوایح، ترویج گفت‌وگوهای قضایی، مشورت‌های حقوقی، ارائه خدمات آموزشی، مشاوره ای و حمایتی، حمایت و مساعدت به زه‌دیده در جمع آوری دلایل یا مطالبه ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول، همراهی زه‌دیده، حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر زه‌دیدگی، شناسایی عوامل استثماری و بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان و جمع‌آوری ادله‌ی جرم در جرائم مربوط به کودکان و نوجوانان (خرید و فروش یا قاچاق آنان)، حمایت از زه‌دیده محجور یا فاقد ولی یا قیم را پیش‌بینی نموده است. همچنین به قضات اجازه‌ی دعوت از نهادهای مزبور جهت میانجی‌گری و نیز، اطلاع نهادهای از جریان پرونده را داده است. علاوه بر تأکید بر ظرفیت‌های مشاوره‌ای و حقوقی نهادهای مردمی برای ارائه خدمات به افراد بی بضاعت و نیز استفاده از تخصص و توان حرفه‌ای نهادهای مردمی برای تشکیل پرونده‌ی شخصیت اطفال و نوجوانان بزهکار، توانمندی‌های این نهادها، برای خدمات مشاوره‌ای، مددکاری، آموزشی، ارتقای مهارت و... به اطفال و نوجوانان بزهکار جهت بازپروری، از نکات مورد توجه در دستورالعمل می‌باشد.

از وقوع جرم، تدابیر لازم برای مشارکت جدی مردم جهت رفع اختلافات در امور غیر قضایی، اقداماتی حمایتی برای بخشی از جامعه، پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه‌های درسی و ارتقای مهارت‌های زندگی، خدمات رسانی به افراد در معرض آسیب با مشارکت سازمان‌های غیر دولتی و استفاده از امکانات و توانمندی ملی و مردم برای پیشگیری و مبارزه با اعتیاد، استفاده از توانمندی و کلا و ظرفیت‌های وکالت تسخیری، مکلف نمودن قوه قضاییه به استفاده از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد جهت تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی، اصول و مقرراتی تصویب نموده است.

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴، برای اولین بار به نحو منسجم و مستقیم، به تشکیل‌های مردم‌نهادی که موضوع اساسنامه‌ی آنها حمایت از اطفال و نوجوانان باشد، تحت شرایطی، در موارد لزوم، اجازه اعلام جرم و ارائه دلایل به مرجع قضایی را بدون حق شرکت در جلسات داده است.

دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸، در اجرای قوانین مرتبط با تشکیل‌های مردمی، مراتب پیشگیری از



تشکل‌های مردم‌نهاد، با جذب و کیل دادگستری در کنار خود، چه در هیئت‌اندا، چه در هیئت‌مدیره، چه به صورت مشاوره‌ای و یا استخدام، می‌توانند از قابلیت وی برای آموزش و پژوهش، اقدامات حمایتی و وکالتی و نیز، در اجرای انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم- اولیه، ثانویه، ثالث و رشدمدار- بهره‌برند.

ارائه‌ی آموزش‌های حقوقی به صورت هدفمند، همچنین دسترسی سریع و دریافت پاسخ‌سوالات خاص (که گاهی کودکان بزه‌دیده، به دلیل ترس یا خجالت، از اولیا خود نمی‌پرسند) از یک متخصص پاسخگو و موظف و در عین حال داوطلب، اقدامات تخصصی در دفاع از حقوق اطفال و نوجوانان در مراجع قانونی، زمینه استفاده مفید از وقت، هزینه، ارفاق‌ها، معافیت‌ها، جمع‌آوری ادله، شهود و... می‌تواند بزرگ‌ترین و کارآمدترین ابزار پیشگیری از بزهکاری یا تکرار بزه اطفال و نوجوانان باشد.

لذا پیشنهاد می‌گردد:

آئین‌نامه‌ی تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۹۶ و دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۹۸، با الحاق یک ماده، ضرورت عضویت دائمی - در هیئت‌مدیره یا هیئت‌اندا - و یا دوره‌ای یا قراردادی یک وکیل دادگستری در تشکل‌های مردم‌نهاد را با هدف آموزش و ارائه خدمات سریع و در دسترس و مستمر حقوقی به افراد هدف تشکل‌ها، مقرر و تصویب نمایند. البته، کارآمدی این تحول ملازمه دارد با الزام حضور مستمر و مفید وکیل دادگستری در متن

تشکل‌ها، خصوصاً، هنگام بازدیدها و در مجموع، ارتباط مستقیم مددجوها - اطفال و نوجوانان - با وی، تسهیل گردد.

همچنین نهادهای دولتی ذی‌ربط از جمله آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی و ...، در راستای ضرورت حضور وکیل در کنار اطفال و نوجوانان، تمهیدات لازم را در این خصوص، با تصویب بودجه و تدارک ساز و کار مناسب، بیندیشند. این تدابیر می‌تواند به صورت مستمر، با تأسیس واحد حقوقی در ادارات زیرمجموعه خود، عقد قرارداد با وکلای دادگستری جهت مشاوره‌ی حقوقی به اطفال و نوجوانان و نیز آموزش مستمر قوانین مرتبط به آنان، در مدارس، به اطفال و نوجوانان و نیز به اولیاء آنان، صورت گیرد و عندالاقضاء، نسبت به دفاع از حقوق ایشان در راستای جرم‌زدایی، اقدام گردد.

در نهایت آن که نهادهای عمومی غیر دولتی از جمله شهرداری‌ها، با استفاده از امکانات منطقه‌ای و محلی همچون خانه‌ی محله، فرهنگسراها و...، از حضور و کلا جهت آموزش حقوق و تکالیف مرتبط با اطفال و نوجوانان، به آنان و خانواده‌ها، بهره‌برده، با تخصیص بودجه، سهم خود را در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان در شهر، ادا نماید. معهذ، علاوه بر ترویج فرهنگ تعامل مستمر با وکیل دادگستری، ارتباط مزبور، حضور به موقع او را در بزنگاه‌های نیاز، تسهیل می‌نماید.

مخلص کلام، به امید روزی که یک کودک ۸ساله نیز بتواند حتی به اولیاء خود بگوید: من باید از وکیل خودم سؤال کنم.

منابع و مأخذ:

- ابراهیمی شهرام (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری. تهران: نشر میزان. چاپ چهارم.
- افضلی رسول، احمد ایربخاه و حسن مومنی (۱۳۹۷). بررسی نقش سمن‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مورد مطالعه: شهر تهران. فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۱۱. (http://www.gahr.ir/article_168813.html)
- بابایی جابر، حامد صفائی آنگشگاه (۱۳۹۳). جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه مقالات پیشگیری از جرم (علمی- ترویجی) سال ۱۰، شماره ۳۳.
- (http://eps.jri.police.ir/article_12439.html)
- بابایی کنگ لو جابر (۱۳۸۹). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرائم نوجوانان در حقوق ایران و اسناد الزام‌آور سازمان ملل متحد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه.



حق بر صلح



محسن مقیمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر

نموده‌اند؟ و چه مفهومی از صلح مندرج در بند ۱ ماده ۱ منشور به عنوان هدف غایی سازمان ملل، مورد نظر شورای امنیت بوده است. بدیهی است که هرگونه پاسخی به این سؤال به نوعی نشانگر میزان گستره‌ی عملکرد شورا، برای ایفای مسئولیتش به موجب ماده ۲۴ و حدود و ثغور احتمالی آن می‌باشد. در این مقاله ابتدا سعی شده است معنا و مفهومی از صلح ارائه گردد و نیز به بررسی ارکانی از سازمان ملل پرداخته شود که نقش مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفاء می‌کنند. با توجه به تلاش‌های فعالان بین‌المللی حقوق زنان، به نقش زنان در تأمین صلح به صورت موردی در افغانستان تیرا اشاره می‌شود.

نجات نسل‌های بعدی از بلای جنگ از جمله اولین کلمات در مقدمه منشور سازمان ملل متحد است و این عبارات انگیزه اصلی ایجاد سازمان ملل متحد بود که بنیانگذاران آن ویرانی دو جنگ جهانی را پشت‌سر گذاشته بودند. روشن است تحقق صلح و امنیت بین‌المللی نیازمند بسترسازی مناسب است که در بندهای ۲ الی ۴ منشور به آن اشاره شده است، که همانا تحقق حقوق بنیادین بشر است. از سوی دیگر تحقق حقوق بشر نیز به نوبه خود نیازمند بستری از جنس صلح و آرامش است.

سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد متولی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و شورای امنیت به عنوان رکن اجرای آن از سال ۱۹۴۵ تاکنون برای تحقق این مهم چه روندی را اتخاذ



مقدمه

آرامشی که در پرتو صلح، به دست می‌آید؛ پیشرفت بشر را به همراه دارد. آموزش مستمر به نسل‌های متمادی، عاملی است که به تدریج، فهم فلسفه صلح را آسان می‌کند. رجوع به عقاید و اندیشه‌های ارزشمند فیلسوفی مانند کانت که مستلزم برخورداری از تعلیم و تربیت است؛ باعث پدید آمدن فلاسفه دیگری مانند فیخته، هگل و شوپنهاور شده است که ماحصل آن عنصر گران‌مایه، قدیمی‌ترین نیاز بشر، یعنی صلح است. با تشکیل حکومت‌ها و اختیاراتی که به عنوان صلاحیت انحصاری مقرر گردید، ضرورت تقویت نقش ملت‌ها ناشی از مبارزات مردمی به طور فزاینده‌ای در طول تاریخ، مشاهده می‌شود. با توجه به حکومت‌هایی که در سرتاسر گیتی، اعمال می‌شد، حقوق‌دانان را وادار نمود که در خصوص میانی شکل‌گیری حکومت، اقدام کنند؛ اصل ملیت، یکی از دستاوردهای آن است. موارد هولناک نقض حقوق بشر، زمینه تحولات مفهوم حاکمیت را موجب شد. مفهوم قدیمی حاکمیت، امروز دگرگون شده است. تدوین کنوانسیون‌های مهم حقوق بشر که مجموع آنها به منشور حقوق بشر، شهرت یافته؛ اثر عمیقی در این رابطه، به جا گذاشته است. در خلال چند دهه گذشته، تحولات بزرگی در روابط بین دولت‌ها، رخ داده که جنبه بنیادی دارند. برای تعریف این دگرگونی؛ تنها یک نام، کافی نیست. در حالی که واژه «همبستگی» نیز بر آن، مصداق دارد؛ «جامعه بین‌المللی» نیز مناسب است. نقطه عطف نظام ملت دولت، هم زمان با انعقاد معاهدات صلح وستفاليا در اروپاست. در این دوره، حاکمیت، جنبه انحصاری داشت و ناشی از قدرت بیکران دولت بود که میراث گذشته بود. عملاً پادشاهان، حاکمیت را به میل خود، اعمال می‌کردند و البته به نام ملت، مشروعیت پیدا می‌کرد. بنابراین با قانونی بودن جنگ مشروع، به فرمان شاهان، ملت‌ها بدون این که دلیل و منفعتی برایشان، وجود داشته باشد؛ با یکدیگر به ستیز

می‌پرداختند. اگر فتحی بود از آن شاهان، نامیده می‌شد و اگر شکستی عارض می‌شد، مصیبت و بلا یای آن، متوجه همان ملت‌هایی بود که با یکدیگر هیچ خصوصیت مستقیمی نداشتند. رقابت‌های استعماری، علاوه بر این که سرزمین‌ها را فرا گرفته بود، به دریاها نیز تسری یافته بود. انگلستان با توجه به مالکیت، بیشترین مستعمرات و قوی‌ترین نیروی دریایی، ادعای مالکیت دریاها را با نظریه سلطه دریایی، اعمال می‌کرد. روشن است که ایجاد یک صلح پایدار (Lasting peace) در کره زمین، شرط اولیه برای حفظ تمدن و ابقاء بشر می‌باشد و حفظ زندگی مسالمت‌آمیز وظیفه‌ی مقدس (Sacred Right) هر دولتی است و همه‌ی مردم سیاره‌ی زمین یک حق مقدس (Sacred Obligation) به صلح دارند و هر دولتی تعهد اساسی بر صلح و ارتقای اجرای آن دارد. بدیهی است که تضمین اعمال حق مردم بر صلح مستلزم این است که سیاست‌های دولت‌ها، باید به سمت ازاله هرگونه تهدیدی علیه صلح، به خصوص سلاح‌های کشتار جمعی و هرگونه استفاده از زور در روابط بین‌الملل، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بر اساس منشور ملل متحد، مهم‌تر از همه تأکید بر تحقق، حقوق و آزادی‌های اساسی همه افراد بشر مصرحه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر باشد.

درحالی که شورای امنیت درصدد تحقق اشتغال اولیه اش برای تضمین صلح بین‌المللی است. مجمع عمومی، شورای اقتصادی، اجتماعی، شورای حقوق بشر و کلیه‌ی ارگان‌های فرعی نیز تعهد برای تحقق صلح دارند. بدین خاطر که صلح هدف آرمانی ملل متحد است و کلیه‌ی فعالیت‌های سازمان می‌بایست در جهت تحقق این هدف غایی بکار روند. آشکار است که صلح فقط منع کاربرد زور نیست. صلح هم چنین متضمن ارتقای شرایط عدالت اجتماعی، تحقق حق بر توسعه، دستیابی به ضرورت‌های زندگی، از جمله آب سالم، محیط زیست سالم می‌باشد. صلح شرط



از مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

۲- آگاهی‌رسانی و آموزش مهارت‌های لازم جهت بهبود، شکل‌گیری و ایجاد صلح ذهنی که وظیفه و نقشی مشترک میان دولت و نهادهای خصوصی می‌باشد از جمله گسترش فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز آموزشی و نیز آموزش‌های لازم از رسانه‌های جمعی و ملی برای آحاد مردم.

۳- وظیفه شخصی و فردی هر یک از آحاد جامعه برای رشد شخصیتی و بهبود تفکر، و آگاه شدن به حقوق و تکالیف خویش در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

حق بر صلح در منشور ملل متحد

ماده ۱ منشور ملل متحد اختصاص به اهداف سازمان ملل دارد. در ماده ۱، از ۴ مورد به عنوان اهداف سازمان ملل یاد شده است:

- ۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
- ۲- توسعه روابط دوستانه میان ملل براساس خودمختاری مدل و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها
- ۳- تحکیم همکاری بین‌المللی در کلیه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، بشردوستانه و ...
- ۴- بودن مرکزی برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های ملل متحد

اما به نظر می‌رسد در میان این اهداف، مهم‌ترین و به عبارت دیگر، هدف غایی سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند و سایر اهداف به عنوان پله‌های صعود برای رسیدن به هدف اول در نظر گرفته می‌شوند. با نگاهی اجمالی به منشور ملل متحد، ملاحظه می‌شد که صلح کلیدی‌ترین واژه منشور می‌باشد، تا آنجا که همان‌طور که اشاره شد، هدف اولیه سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است. با مردم ملل متحد به منظور جلوگیری از دو جنگ خون‌بار. «در مقدمه منشور می‌خوانیم اما این... جهانی و با عزم راسخ برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردهم آمده‌ایم.

بهرمندی کامل از فرهنگ و هویت است و با اندکی اغماض شاید بتوان گفت که صلح و کرامت بشری دو روی یک سکه‌اند.

تعریف صلح

صلح واژه‌ای است که عموماً به فقدان تجاوز، خشونت یا مخاصمه اشاره دارد. ولی همچنین متضمن مفهوم وسیع‌تری است که در بردارنده‌ی سلامتی، روابط بین‌فردی یا بین‌المللی جدید به‌یاد گرفته، امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی یا اقتصادی، به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی و در موضوعات جهانی است. زمان صلح یک وضعیت فاقد جنگ یا تعارض می‌باشد. به بیان دیگر درک ماهیت صلح در زمان فقدان یا از دست دادنش روشن می‌گردد. اما به هر روی ناامنی، بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌عدالتی اقتصادی، بنیادگرایی سیاسی، مذهبی و ملی‌گرایی افراطی همه می‌توانند به نوعی منجر به نقض صلح شوند. با آن که در ادبیات و فرهنگ‌های ملل مختلف و همچنین در ادیان مختلف واژه‌های متفاوتی برای صلح به کار رفته اما نگاه به محتوا و غایت این متون کتبی و شفاهی نشانگر آن است که درک همگان از موضوع صلح واحدی اگر چه با زبان‌های متفاوتی بوده است. حتی برخی پیش‌تر رفته‌اند و علاوه بر صلح عینی، مفهوم نوینی از صلح را مورد توجه قرار داده‌اند و آن صلح ذهنی (Subjective peace) است؛ به معنی وضعیتی که فرد از نظر روحی و ذهنی در صلح باشد یعنی به دور از هرگونه استرس و نگرانی. صلح ذهنی همچنین به طور کلی متضمن سعادت و خوشی است.^۱

در باب رسیدن به صلح ذهنی چند نکته را باید متضمن شد:

- ۱- شرایط ایجاد صلح مادی و خارجی که همان صلح در شئون مختلف روابط اجتماعی و اقتصادی در سطح کلان است که وظیفه دولت‌ها می‌باشد، مانند تنظیم و تصویب و تبیین قانون و مقررات مناسب بر هر یک



یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهند.»
مقدمه‌ی میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۴ نیز اشعار می‌دارد: «با توجه به این که بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل کنترل کلیه اعضای خانواده بشری مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است.»
سایر اسناد حقوق بشری نیز به نوعی به مفهوم صلح و حق مردم بر صلح اشاره داشته‌اند که به جهت جلوگیری از اطلاعاتی مطلب از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

حق بر صلح در آغاز و انجام حقوق بشر

صلح در آغاز حقوق بشری است، زیرا از زمانی می‌توان از تحقق حقوق بشر سخن

کلیدی‌ترین واژه‌ی منشور متضمن چه معنایی است؟ بی‌شک، اولین مفهومی که از صلح مورد نظر مؤسسين سازمان ملل بوده است، دلالت به نوعی اما آیا تمام آن صلحی که «فقدان جنگ و تعارض» صلح منفی یا صلح انفعالی دارد، یعنی استقرار، «صلح مثبت» منشور در پی تحقق آن است، همین است یا خیر،^۲ آیا اینکه نوعی عدالت به منظور جلوگیری از اینکه تنش‌های سیاسی به درگیری‌های نظامی منتهی شود نیز مورد توجه بوده است. این سؤالی است که در فصل دوم - بحث در خصوص عملکرد سازمان ملل - به آن خواهیم پرداخت.

حق بر صلح در اسناد حقوق بشری

نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشر نشانگر آن است که همه‌ی آنها به مفهوم صلح به نوعی اشاره داشته‌اند به طوری که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۳ اشعار می‌دارد:
«از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق



دوستانه میان ملل و احترام به خودمختاری ملل جهت تعیین سرنوشت ملت‌ها اشاره دارد. به هر روی به نظر می‌رسد همان گونه که کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل اظهار می‌دارد: «در محیطی که فقر وجود دارد، شاهد تروریسم هستیم.» و بدین ترتیب تجربه نشان داده است که در هر کجای جهان که شاهد نقض مصادیق اولیه‌ی حقوق بشر هستیم، در فاز بعد شاهد نقض صلح خواهیم بود.^۵

حفظ صلح در ارکان سازمان ملل

شورای امنیت

در طول دهه‌ها، سازمان ملل ارگانی است که برای پایان دادن به درگیری‌های متعدد، اغلب از طریق اقدامات شورای امنیت - بر اساس منشور سازمان ملل - مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، کمک کرده است. شورا زمانی که شکایتی در مورد تهدیدی علیه صلح دریافت می‌کند، ابتدا به طرفین توصیه می‌کند که به دنبال توافقی از راه‌های مسالمت‌آمیز باشند. در برخی موارد خود شورا بررسی و میانجی‌گری می‌کند. ممکن است نمایندگان ویژه‌ای منصوب کند یا از دبیرکل بخواهد که این کار را انجام دهد یا از موقعیت‌های خوب خود استفاده کند. ممکن است اصولی را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بیان کند. هنگامی که یک اختلاف منجر به درگیری می‌شود اولین نگرانی شورا پایان دادن به آن در اسرع وقت است. در بسیاری از موارد، شورا دستورات آتش‌بس صادر کرده است که به جلوگیری از خصومت‌های بزرگ کمک کرده است. همچنین عملیات‌های حفظ صلح^۶، سازمان ملل را برای کاهش تنش‌ها در مناطق آشفته، جدا نگه داشتن نیروهای مخالف و ایجاد شرایط برای صلح پایدار پس از دستیابی به شهرک‌سازی، توانمندسازی می‌کند. شورا ممکن است در مورد اقدامات اجرایی، تحریم‌های اقتصادی (مانند تحریم‌های تجاری)^۷ یا اقدام نظامی جمعی تصمیم‌گیری کند و اقداماتی را انجام دهد. اگرچه شورا از آزادی زیادی در تصمیم‌گیری در خصوص اقداماتی که به موجب فصل هفتم



گفت که قبلاً بستر آن فراهم شده باشد، تحقق حقوق آزادی‌ها، حقوق برابری و حقوق برادری هنگامی میسر است که جهان عاری از خشونت، تنش، فقر، استبداد، بی‌عدالتی و خشونت باشد و همه و همه‌ی اینها یعنی صلح از سوی دیگر چگونه می‌توان از تحقق حق بر صلح سخن گفت در حالی که هنوز هیچ یک از حقوق و آزادی‌های بشری محقق نشده‌اند، بدون شک، زمانی که حقوق و آزادی‌های اولیه‌ی افراد هم چون حق حیات، حق امنیت، حق کار، حق انتخاب، آزادی عقیده، آزادی بیان و غیره افراد محقق نشده‌اند، صلحی اصولاً به وجود نیامده است؛ و اگر هم به وجود آمد اساساً صلحی گذرا و تصنعی و عوام‌فریبانه است و صلح پایدار زمانی پدید خواهد آمد که این حقوق به معنای واقعی و راستین خود محقق شده باشند و بی‌جهت نیست که منشور ملل متحد اولین هدف سازمان ملل را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند، اما در بندهای دوم و سوم خود به پله‌های لازم جهت نیل بدان مقصد یعنی توسعه‌ی روابط



آشکارا با برخی قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، از جمله اصل عدم تبعیض مغایر است و فقط به خاطر حفظ منافع یکی از دولت‌های عضو دائم شورای امنیت یعنی ایالات متحده آمریکا بوده و نمی‌تواند به سادگی قابل توجیه باشد. فلذا استدلال موافقین قطعنامه ۱۴۲۲ از منظر قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل قابل پذیرش نیست. ضمن آن که به نظر می‌رسد این نحوه استدلال تهی کردن واژه صلح از معنا و رنگ نمودن آن به فراخور اوضاع و احوال و بنابر اراده سیاسی اعضای دائم شورا باشد.

مجمع عمومی

بر اساس منشور^{۱۱}، مجمع عمومی می‌تواند در مورد اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله خلع سلاح و برای حل و فصل مسالمت آمیز هر وضعیتی که ممکن است به روابط دوستانه بین ملت‌ها آسیب برساند، توصیه‌هایی ارائه کند. مجمع عمومی همچنین می‌تواند درباره هر موضوعی که به صلح و امنیت بین‌المللی مربوط می‌شود

نقض صلح تهدید علیه صلح یا تجاوز باید اتخاذ شوند، برخوردار است. اما مافوق حقوق نیست. شورا در ایفای وظایفش صراحتاً به وسیله محدودیت‌های مندرج در بند ۱ ماده ۱ و ماده ۲۴ منشور، یعنی وظیفه به عمل برطبق اهداف و اصول سازمان^{۱۲} متعهد می‌شود. ولی جای سؤال است که آیا شورا وقتی که قطعنامه ۱۴۲۲/۲-۹ (۲۰۰۲) را تصویب کرد. در واقع از چنین اختیاراتی تجاوز کرده است. برخی دولت‌ها این نظر را در جلسه علنی شورا که در ۱۰ جولای ۲۰۰۲ برگزار شد، اعلام داشته‌اند. نماینده لبنان بیان داشت که «شورا در جهت عمل کردن خارج از اختیارات پیش می‌رود - یعنی ماوراء اختیارش به موجب منشور» وقتی که پیش نویس قطعنامه در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی به موجب فصل هفتم منشور^{۱۳} را ملاحظه کرد. به علاوه، نماینده دائم کانادا در همان جلسه تأکید کرد که «تصویب قطعنامه‌هایی از این دست می‌تواند کانادا را، و ما انتظار داریم سایرین را در موضع بی‌سابقه‌ای در خصوص بررسی مشروعیت قطعنامه‌های شورای امنیت قرار دهند.»^{۱۴}

اظهار شده است توجیه ادعای خارج از اختیارات در شرایط حقوقی مشکل است. تفسیر گسترده شورا از ماده ۳۹ منشور به سختی می‌تواند برای اثبات این که قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت براساس منشور نیست کافی باشد. در حالی که استناد کردن به فصل هفتم در وضعیتی که در آن تهدید به صلح مقدمتاً ناشی از قصد اعلام شده یک عضو شورا در حمایت نکردن از عملیات حفظ صلح آتی سازمان ملل می‌باشد، قطعی است. تعیین یک وضعیت معین به عنوان تهدید به صلح اساساً یک تصمیم سیاسی باقی می‌ماند که در قلب صلاحیت شورا قرار می‌گیرد و نباید تابع بازنگری دول عضو به تنهایی باشد. به‌هرروی مسلم است که این عملکرد شورا، یعنی اعلام معافیت موقتی نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیر عضو اساسنامه،



برای تامین صلح پایدار،

مشارکت و نقش زنان یک

اصل است. روی همین اصل

و تلاش‌های فعالان بین‌المللی

حقوق زنان، شورای امنیت

سازمان ملل متحد در سال

۱۳۷۹ ه.ش، قطعنامه ۱۳۲۵ را

درباره‌ی زنان، صلح و امنیت به

تصویب رساند.

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند، به شورای امنیت برساند.^{۱۴} یکی از حیاتی‌ترین نقش‌هایی که دبیرکل ایفا می‌کند، استفاده از «دفتر خوب»^{۱۵} اوست - اقداماتی که به صورت علنی و خصوصی انجام می‌شود که بر اساس استقلال، بی‌طرفی و صداقت او برای جلوگیری از بروز، تشدید یا گسترش اختلافات بین‌المللی است.^{۱۶}

حافظان صلح

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد^{۱۷} ابزاری حیاتی است که توسط جامعه بین‌المللی برای پیشبرد صلح و امنیت به کار گرفته می‌شود. اولین مأموریت حافظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ زمانی که شورای امنیت مجوز استقرار سازمان نظارت بر آتش بس سازمان ملل متحد (UNTSO)^{۱۸} را برای نظارت بر توافقنامه آتش بس بین اسرائیل و همسایگان عرب خود در خاورمیانه صادر کرد، تأسیس شد. از آن زمان تاکنون، بیش از ۷۰ عملیات حافظ صلح سازمان ملل در سراسر جهان انجام شده است. در طول ۷۲ سال، حفظ صلح سازمان ملل متحد برای پاسخگویی به خواسته‌های درگیری‌های مختلف و یک چشم‌انداز سیاسی در حال تغییر تکامل یافته است. در زمانی که رقابت‌های جنگ سرد اغلب شورای امنیت را فلج می‌کرد، اهداف صلح‌بانی سازمان ملل در درجه اول به حفظ آتش بس و تثبیت

و نیز شورای امنیت هنوز درباره این موضوع بحث نمی‌کند، بحث و توصیه‌هایی ارائه کند. بر اساس قطعنامه «اتحاد برای صلح» در نوامبر ۱۹۵۰ (قطعنامه ۳۷۷ (V))^{۱۲}، مجمع عمومی همچنین می‌تواند در صورتی که شورای امنیت به دلیل رأی منفی یک عضو دائمی اقدام نکند، در مواردی که به نظر می‌رسد تهدیدی یا نقض صلح یا اقدامی تجاوزکارانه باشد. مجمع می‌تواند فوراً موضوع را بررسی کند تا به اعضا توصیه‌هایی برای اقدامات جمعی برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی بدهد.^{۱۳}

دبیر کل

منشور به دبیرکل این اختیار را می‌دهد که «هر موضوعی را که به نظر او ممکن است



است. حافظ صلح سازمان ملل که در اصل به عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل نزاعات بین دولتی توسعه یافته بود، در طول زمان به طور فزاینده‌ای برای درگیری‌های بین دولتی و جنگ‌های داخلی به کار گرفته شده است. اگرچه ارتش ستون فقرات اکثر عملیات‌های حافظ صلح است، نیروهای حافظ صلح امروزی وظایف پیچیده مختلفی را انجام می‌دهند، از کمک به ایجاد نهادهای حکومتداری پایدار، از طریق نظارت بر حقوق بشر و اصلاحات در بخش امنیتی، تا خلع سلاح و مین‌زدایی.

نقش زنان در تأمین صلح: (بررسی

موردی افغانستان)

برای تأمین صلح پایدار، مشارکت و نقش زنان یک اصل است. روی همین اصل و تلاش‌های فعالان بین‌المللی حقوق زنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹ م.ش، قطعنامه ۱۳۲۵ را درباره زنان، صلح و امنیت به تصویب رساند. این قطعنامه اولین سند بین‌المللی درباره صلح و امنیت است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای در امر مشارکت زنان در پرونده‌های صلح و امنیت برخوردار است. این قطعنامه دارای ۱۸ ماده بوده که در سطح بین‌المللی از سال ۲۰۰۰ م به این طرف به عنوان یک سند حقوقی الزام‌آور شناخته می‌شود. دولت افغانستان به منظور تطبیق مؤثر این قطعنامه، «پلان عمل ملی» را با چهار رکن اساسی (مشارکت، محافظت، جلوگیری، رفاه و بهبود) هدف و ۳۹ شاخص، ترتیب و به تاریخ ۹ سرطان ۱۳۹۴ توسط محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری سابق در مقر وزارت خارجه رونمایی کرده است با این حال، در کشور افغانستان نقش زنان بر اساس بیانیة سیاسی منتشرشده زنان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، با چالش‌هایی

موقعیت‌ها در زمین محدود می‌شود، به طوری که می‌توان تلاش‌هایی در سطح سیاسی برای حل مناقشه با توسل به ابزارهای صلح‌آمیز انجام داد.

حافظ صلح سازمان ملل در دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت، زیرا پایان جنگ سرد فرصت‌های جدیدی برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی از طریق حل‌وفصل صلح با مذاکره ایجاد کرد. بسیاری از درگیری‌ها یا از طریق میانجی‌گری مستقیم سازمان ملل متحد یا از طریق تلاش‌های دیگران که با حمایت سازمان ملل عمل می‌کردند، پایان یافت. کشورهای مورد کمک شامل السالوادور، گواتمالا، نامیبیا، کامبوج، موزامبیک، تاجیکستان و بوروندی بودند. در اواخر دهه نود، ادامه بحران‌ها منجر به عملیات‌های جدیدی در جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، تیمور لسته، سیرالئون و کوزوو شد. در هزاره جدید، نیروهای حافظ صلح در لیبیا، ساحل عاج، سودان، جنوبی، هائیتی و مالی مستقر شده‌اند. درگیری‌های امروزی کم‌تر اما ریشه‌دار هستند. برای مثال، جمهوری دموکراتیک کنگو، دارفور و سودان جنوبی امروز در موج دوم یا سوم درگیری قرار دارند. بسیاری از آنها با ابعاد منطقه‌ای که کلید راه حل آنها است، پیچیده شده‌اند. در واقع، حدود دو سوم پرسنل حافظ صلح امروز در بحبوحه درگیری‌های جاری، جایی که توافق‌نامه‌های صلح متزلزل یا غایب هستند، مستقر شده‌اند. درگیری‌های امروزی نیز به طور فزاینده‌ای شدت می‌یابد که شامل گروه‌های مسلح مصمم با دسترسی به تسلیحات و تکنیک‌های پیشرفته می‌شود. ماهیت درگیری نیز در طول سال‌ها تغییر کرده

نقش زنان در تربیت کودکان، بر

مبانی عشق و محبت است که این

احساس عشق و محبت از مبانی صلح

است. از سوی دیگر، حضور زنان در

جامعه، آنها را دچار تنوع می‌کند و آنها

با خود نگرش‌ها و مهارت‌های جدیدی

به همراه می‌آورند.



ترویج فرهنگ صلح در اجتماع شکل می‌گیرد. تا زمانی که در اجتماع، اجماع نظر در بین زنان به میان نیاید، زنان نمی‌توانند به درستی در فضای سیاسی و گفت‌وگویی صلح نقش ایفا کنند؛ بنابراین، در گفتارهای جداگانه ابعاد این جمع‌بندی را روشن می‌سازیم.^{۱۰}

لازم به ذکر است آنچه در میان نقش زنان و حضور آنها در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم ولی کمتر بیان شده است، مسئله نوع پوشش و حجاب می‌باشد، چرا که نوع پوشش ارتباط بسیار نزدیک با بهره‌مندی از آزادی و حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زنان و حفظ صلح در جامعه دارد چرا که اگر پوشش رسمی و مورد تأیید حکومت از جانب زنان مورد قبول و تمکین قرار نگیرد بیم آن می‌رود که از حقوق اولیه اجتماعی خود در زمینه‌هایی که به آن اشاره شد محروم می‌مانند. لذا با توجه به اتفاقات اخیر در کشور ایران در مسئله اعتراضات اجتماعی برسر موضوع حجاب خود می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که رعایت و عدم رعایت پوشش ظاهری برای زنان ارتباط نزدیک با مسئله تأمین صلح در درجه نخست برای

همچون برخورد سیاسی و دوگانه، موجودیت تبعیض جنسیتی، مشارکت ضعیف، اختلاف نظر در تصمیم و موضع‌گیری‌ها روبرو بوده است. با عبور از این چالش‌ها، زنان افغانستان به عنوان متضرر اصلی جنگ باید خودشان در مورد آینده و جایگاهشان تصمیم بگیرند و به هیچ کس اجازه استفاده از سهم آنان در هیچ عرصه‌ای را به شمول مصالحه ندهند. به بیان دیگر، خودشان در تأمین صلح نقش داشته باشند. پس زنان برای صلح چه می‌توانند یا چه نقشی دارند؟ سوالی که دریافت پاسخ آن به معنای روشن ساختن نقش اساسی و بنیادین زنان در تأمین صلح است؛ بنابراین، مقاله حاضر، دریافت نقش زنان در تأمین صلح را روی موضوعات زیر متمرکز ساخته است.^{۱۱}

۱- نقش اجتماعی زنان در ایجاد صلح (بررسی افغانستان تا قبل از تسلط طالبان در سال ۲۰۲۲م)

همان‌گونه که می‌دانیم، اکثریت افغان‌ها دور از شهرها و در روستا زندگی می‌کنند و هنوز هم در این مناطق زنان تحت تأثیر جو سنتی جامعه قرار دارند؛ هر چند این فضا با روند حکومت‌داری جدید در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ تغییر کرده و دوران سیاهی را که زنان سپری کرده بودند و آنان را از فعالیت‌های اجتماعی باز داشته بود، در حال تمام شدن است و زنان افغان در ساختار نهادهای مدنی و تجاری مشغول فعالیت شده‌اند. مهم‌تر این که زنان در نهادهای مدنی و نهادهای مدافع حقوق زنان مشغول فعالیت شده و عمده‌ترین فعالیت‌های آنها دفاع از حقوق زنان می‌باشد. همان طوری که این نهادها می‌توانند در راستای مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی زنان دادخواهی و از حقوق شان دفاع نمایند، به همان گونه موضوع صلح را نیز می‌توانند پرورش داده و نهادینه سازند. تهدیدات نقش زنان در تأمین صلح از اجتماع سرچشمه می‌گیرد. سرچشمه این نقش با پرورش اطفال و تربیت آنان آغاز می‌شود و تا تحویل دهی آنان به عنوان یک نسل روشن که برای پایان دادن به منازعات تلاش می‌کنند، ادامه می‌یابد. در یک جمع‌بندی از این نقش می‌توانیم بگوییم بستر



نهادی می‌داند. این فرهنگ به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی منجر می‌شود که مردم هر کشور، به تناسب ساختارهای ویژه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خود به آن عمل می‌کنند. تأکید بر تبدیل رفتارهای خشونت آمیز به همکاری بر پایه ارزش و اهداف مشترک در تداوم ترویج این فرهنگ شکل می‌گیرد. ایجاد این فرهنگ با اقدامات جامع آموزشی، اجتماعی و مدنی شکل می‌گیرد. احترام و صیانت از حقوق بشر برای اجرای این سیاست ضروری تلقی می‌شود. جامعه مدنی، رسانه‌ها و افراد نخبه و برگزیده و تأثیرگذار بر مردم در مسیر ترویج این فرهنگ بسیار مؤثر است. دانستیم که فرهنگ صلح نقش کاربردی در برقراری صلح و پایان دادن به مخاصمات دارد. در جهت ترویج و تعلیم فرهنگ صلح، توانمندسازی زنان برای مشارکت دموکراتیک ضروری است.^{۱۱}

صلح‌سازی

در سازمان ملل متحد، صلح‌سازی به تلاش‌هایی برای کمک به کشورها و مناطق در گذار از جنگ به صلح و کاهش خطر سقوط یا بازگشت مجدد یک کشور به درگیری از طریق تقویت ظرفیت‌های ملی برای مدیریت منازعه، و پی‌ریزی پایه‌های صلح و توسعه پایدار اشاره دارد. ایجاد صلح پایدار در جوامع جنگ‌زده چالشی دلهره‌آور برای صلح و امنیت جهانی است. ایجاد صلح مستلزم حمایت پایدار بین‌المللی برای تلاش‌های ملی در گسترده‌ترین طیف فعالیت‌ها است. به عنوان مثال، سازندگان صلح بر آتش‌بس نظارت می‌کنند، جنگ‌جویان را منهدم می‌کنند، به بازگشت پناهندگان و افراد آواره کمک می‌کنند، به سازماندهی و نظارت بر انتخابات دولت جدید کمک می‌کنند، از اصلاحات بخش عدالت و امنیت حمایت می‌کنند، حمایت‌های حقوق بشر را تقویت می‌کنند و آشتی را پس از جنایات گذشته تقویت می‌کنند. ایجاد صلح شامل اقدامات گسترده‌ای از سازمان‌های سازمان ملل متحد، از جمله بانک جهانی، کمیسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های شهروندان محلی است. صلح‌سازی نقش برجسته‌ای در عملیات سازمان ملل در بوسنی و

زنان و سپس برای آحاد مردم و جامعه نیز دارد چرا که زنان بخش مهم و تأثیرگذار در هر جامعه هستند و نیز به جهت انسجام اجتماعی موجود در هر جامعه تهدید و به خطر افتادن هر یک از گروه‌های اجتماعی نیز می‌تواند زمینه‌ساز بحران برای دیگر گروه‌های موجود در جامعه گردد.

۲- نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح (نقش فرهنگی)

سازمان ملل متحد که وظیفه اصلی آن حفظ و تقویت صلح و پیش‌گیری از وقوع جنگ و درگیریهایی مسلحانه است، فرهنگ صلح را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و روش‌های زندگی که خشونت را نفی و از منازعه پیش‌گیری می‌کنند و می‌کوشند ریشه‌های درگیری را شناسایی کنند و از طریق گفت‌وگو و گفت‌وگو بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها آنها را حل کنند، تعریف کرده است صلح و راه رسیدن به صلح، یونسکو به عنوان سازمان علمی- فرهنگی ملل متحد، فرهنگ صلح را فرایند دگرگونی فردی، جمعی و



ایده فرهنگ صلح در پی تحقق بخشیدن به امور امحای فقر و نابرابری تبعیض آمیز در بین ملت‌ها و ترویج توسعه پایدار انسانی، مبتنی بر مشارکت اجتماعی است.

هرزگوین، کامبوج، السالوادور، گواتمالا، کوزوو، لیبیا و موزامبیک و همچنین اخیرا در افغانستان، بوروندی، عراق، سیرالئون و تیمورلسته داشته است. نمونه‌ای از صلح سازی بین ایالتی، مأموریت سازمان ملل در اتیوپی و اریتره بوده است.

با اذعان به اینکه سازمان ملل باید چالش‌های ایجاد صلح را بهتر پیش‌بینی و به آنها پاسخ دهد، اجلاس جهانی ۲۰۰۵ ایجاد یک کمیسیون جدید صلح را تصویب کرد. در قطعنامه‌های تأسیس کمیسیون صلح، قطعنامه ۱۸۰/۶۰ و قطعنامه ۱۶۴۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن را موظف کردند که همه بازیگران مربوطه را گرد هم آورد تا در مورد راهبردهای یکپارچه پیشنهادی برای ایجاد صلح و بازیابی پس از جنگ مشاوره دهند. به منظور تأمین منابع مالی و کمک به اطمینان از تأمین مالی قابل پیش‌بینی برای این فعالیت‌ها؛ و برای توسعه بهترین شیوه‌ها با همکاری بازیگران سیاسی، امنیتی، بشردوستانه و توسعه. این قطعنامه‌ها همچنین نیاز کمیسیون را برای تمدید دوره توجه بین‌المللی به کشورهای پس از مناقشه مشخص می‌کند و در صورت لزوم، هرگونه شکافی را که تهدیدی برای تضعیف ساختن صلح است، برجسته می‌کند.

نقش زنان در فرآیند صلح سازی

نقش زنان در تربیت کودکان، بر مبنای عشق و محبت است که این احساس عشق و محبت از مبنای صلح است. از سوی دیگر، حضور زنان در جامعه تنوع ایجاد می‌کند و آنها با خود نگرش‌ها و مهارت‌های جدیدی به همراه می‌آورند. زنان هم در تغییر نگرش مؤثر هستند، هم دانش لازم را از زاویه دید خودشان در اختیار می‌گیرند. علاوه بر این، حضور زنان به همزیستی مسالمت‌آمیز و

درک متقابل کمک می‌کند که اینها هم از مبنای صلح است. صلح توسط زنان به دلیل نقش ماهیتی و هویتی آنان پایدار خواهد بود. چون درک و احترام متقابل دوستی، محبت، تسامح، مدارا و تعادل را به همراه دارد. اخلاق، تعالی و تقویت سجایای اخلاقی از دیگر نتایج حضور مؤثر زنان است؛ زیرا آنها هارمونی اجتماعی را شکل می‌دهند و نقشی راهبردی ایفا می‌کنند. نقش زنان در تربیت نسل جدید هم بسیار تأثیرگذار است. در حال حاضر، نمی‌توان توقع داشت مدارس به آموزش و صلح بپردازند. مگر این که نگرش صحیحی نسبت به صلح به وجود بیاید و کتب درسی و برنامه‌های آموزشی از خشونت، تبعیض و بیانات نفرت‌زا دور باشد. زنان اگر در اداره مدارس تهیه و تدوین کتب درسی وارد شوند، می‌توانند در رفع خشونت و تبعیض نقش مؤثری داشته باشند زیرا زنان از دیرباز در اعمال نفوذ و سازماندهی صلح و خلع سلاح فعال بوده‌اند. گروه‌های زنان متشکل از عامه مردم، جبهه‌های چندحزبی و قومی تشکیل داده‌اند، صلح را ترویج می‌کنند و اقدامات آشتی‌جویانه انجام می‌دهند. آنان حذف تسلیحات کشتار جمعی را درخواست کرده‌اند، علیه سلاح‌های کوچک مبارزات تبلیغاتی انجام داده‌اند، در برنامه‌های جمع آوری سلاح‌ها شرکت کرده‌اند و اطلاعاتی درباره مین‌های زمینی منتشر کرده‌اند. مادران گرد هم آمده‌اند تا از سرنوشت فرزندان «مفقودالتر» خود مطلع شوند یا از اعزام اجباری فرزندان خود به خدمت یا اعزام آنان به جنگ جلوگیری کنند. جنبش‌های صلح زنان اغلب بر تجارب مشترک متمرکز هستند و در سرتاسر جبهه‌های مختلف همبستگی ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود توصیف دشمن، به عنوان «دیگری» مشکل باشد. نگرانی‌های این گروه‌ها در خصوص فرزندان و سایر اعضای خانواده به آنان مشروعیت اجتماعی می‌بخشد و با زنان طرف مورد مناقشه ارتباط به وجود می‌آورد. در نتیجه، زنان گاهی از مردان در ابراز نگرانی در خصوص مناقشه مشکلات کمتری دارند. گروه‌ها و شبکه‌های زنان در سطوح منطقه ای و زیر منطقه ای کارشان را آغاز کرده‌اند. برای مثال، کمیته زنان آفریقا در خصوص صلح و توسعه





ایمنی جاده‌ها به کودکان است که طی آن از طریق آموزش می‌توان تصورات دانش‌آموزان را از صلح ارزیابی کرد. مورابیت از فعالان صلح‌بان زن عنوان می‌دارد: «زنان قاره آفریقا کماکان با موارد متعدد نقض حقوق بشر روبه‌رو هستند و قوانینی که برای دفاع از حقوق آنها موجود است، اغلب به اجرا در نمی‌آیند». بنا به گفته وی، از هر ۳ زن آفریقایی یک زن در طول عمر خود به نوعی خشونت را تجربه می‌کند؛ و او به ختنه میلیون‌ها دختر در سراسر جهان و ازدواج اجباری روزانه ۲۰ هزار زن زیر ۱۸ سال که نوزاد هم متولد می‌کند، اشاره می‌کند که هنوز از جمله موارد عمده نقض حقوق زنان

که در سال ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد، بر ترویج حل و فصل مناقشات در تعدادی از کشورهای آفریقایی متمرکز است. شبکه صلح زنان رودخانه مانو، زنان اهل گینه، لیبیا و سیرالئون را گرد هم می‌آورد. مشاوره با گروه‌ها و شبکه‌های زنان می‌تواند در خصوص مناقشات، شناخت لازم ارائه دهد. درک هنجارها و رسوم جنسیتی در یک جامعه می‌تواند اطلاعات مهم برای نخستین هشدارها تأمین کند، ولی سازمان‌های بین‌المللی همواره دانش، تجربه و دخالت غیررسمی در فرآیندهای صلح را به رسمیت نشناخته و مورد استفاده قرار ندادند. هیئت‌های ارزیابی تقریباً فقط بر احزاب سیاسی و سایر فعالان سیاسی رسمی متمرکز هستند. فعالیت‌های غیررسمی زنان برای صلح به ندرت در فرآیندهای رسمی صلح منعکس می‌شوند. زنان اغلب از فرآیندهای رسمی صلح کنار گذاشته می‌شوند چون تصمیم گیرنده، بهران نظامی یا جنگجو نیستند یا گاهی به این دلیل که فرض می‌شود از مهارت لازم برخوردار نیستند. فرآیندهای صلح ابعاد جنسیتی را در نظر نمی‌گیرند نگرانی‌های اصلی زنان همیشه به میز مذاکره راه نمی‌یابند. سازمان‌های محلی صلح ممکن است در برابر مشارکت و دخالت زنان از خود مقاومت نشان دهند. هریک از گروه‌ها که به فعالیت‌های صلح آمیز می‌پردازند، می‌توانند در خصوص نقش‌های مناسب زنان در جامعه فرضیاتی را مجدداً ایجاد کنند. هرگاه از زنان دعوت شود به گروهی ملحق شوند، ممکن است از تصمیم‌گیری کنار گذاشته و به انجام وظایف «خانه‌داری» تنزل درجه داده شوند.^{۳۳}

نقش آموزشی و فرهنگی صلح بانان زن

صلح‌بانان زن اتحادیه آفریقا فرهنگ‌ها و تجربه‌های گوناگونی را با خود به مناطق درگیر، همانند سودان جنوبی، آموزش می‌دهند و از این طریق تأثیر بیشتری بر زندگی آنان می‌گذارند. لیبی یکی از سه کشوری است که بیشترین پرسنل یونیفرم پوش را در اختیار مأموریت حفظ صلح سازمان ملل قرار داده است. یکی دیگر از فعالیت‌های زنان صلح‌بان، مربوط به توسعه آموزش‌های بهداشتی و

می‌توان فرهنگ صلح را به عنوان یک رهیافت اخلاقی نسبت به حیات انسانی، مبتنی بر ارزش‌های جهانی، همچون: آزادی، عدالت، همبستگی، مدارا، حقوق بشر و برابری زن و مرد، اصول دموکراسی، تفاهم بین دولت‌ها، کشورها و بین گروه‌های مذهبی، نژادی، فرهنگی و اجتماعی دانست.



در مقابل خشونت به یکی از عملیات‌های متعدد نیروهای حافظ صلح سازمان ملل تبدیل شده است (مالمبو، ۲۰۱۰). همچنین، در قالب فمینیسم صلح‌طلب، پیش‌شرط‌هایی برای برابری زنان با مردان وجود دارد و از جمله آن به کارگیری قوانین جدی علیه خشونت خانگی است که می‌تواند از طریق آموزش ارائه شود. هم چنین صلح‌بانان زن می‌توانند اقدام به ایجاد پناهگاه‌های دولتی برای قربانیان خشونت خانگی، مراقبت از کودکان و زنان آسیب‌دیده، ساماندهی برنامه غذاخوری، آموزش حقوق کودکان در مدارس به آنان ارائه و آنها را در ساخت صنایع دستی، بازی‌ها و ورزش‌های فیزیکی آموزش دهند. به گفته یکی از فرماندهان صلح‌بان زن، تعامل با دانش‌آموزان در راستای تشویق آنها به شهروندان خوب و همچنین امید دادن به آنها است. او خاطرنشان کرد که نیروهای زن، دختران مدارس را با دانش پایه‌ای از دروس و روش‌های بهداشتی خوب مانند شست‌وشوی دست آشنا می‌کنند. وی گفت که صلح‌بانان همچنین آموزش‌هایی در مورد چگونگی کاهش مصرف خانگی با استفاده از مواد بازیافتی برای تولید محصولات صنایع دستی و ارائه هدایای دستی به شرکت کنندگان و

در سراسر جهان محسوب می‌شوند. با این وجود، تأثیرگذاری صلح‌بانان زن در مشارکت، از مرزهای این قاره فراتر رفته و این باتوان نقش مهمی در فرهنگ‌سازی ایفا می‌کنند. هم چنین تلاش آنان برای ارتقای فعالیت زنان آفریقایی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در ابعاد بین‌المللی کاملاً مشخص است. مورابیت معتقد است زنان طرفدار صلح اشتراکات محلی را شناسایی کرده و بستری را برای تقویت صدای خود ایجاد می‌کنند. موضوع حائز اهمیت دیگر، بحث دین است. صلح‌بانان زن به شدت بر دین تمرکز دارند. متأسفانه در جامعه بین‌المللی و غربی، این عقیده وجود دارد که صحبت در مورد حقوق بشر، نمی‌تواند با صحبت در مورد دین و ایمان همراه باشد. در اینجا، یک احساس وجود دارد و آن این که شما باید ایمان را به حداقل برسانید و افراد مؤمن، نادان یا عقب‌مانده هستند؛ بنابراین رویکرد صلح‌بانان کاملاً برعکس است و در حال گفت‌وگو برای تغییر این رویکرد هستند. افسران پلیس زن همراه با مأموریت سازمان ملل و اتحادیه آفریقا در دارفور (UNAMID) در یک اردوگاه پناهندگان، برگزاری کلاس‌های زبان انگلیسی برای زنان و کودکان را تسهیل می‌کنند. محافظت از غیرنظامیان



نسبت به حیات انسانی با فراهم آوردن احترام به یکدیگر و انصاف بر روابط اجتماعی حاکم، به دنبال تبدیل ریشه‌های فرهنگی جنگ و خشونت به فرهنگ گفتگو است. بر این اساس، می‌توان گفت ایده فرهنگ صلح در پی تحقق بخشیدن به امور زیر است:

- دگرگونی و جایگزینی ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای موجود با گرایش‌ها و رفتارهای مروج صلح و نفی خشونت؛

- توانمندسازی مردم در همه سطوح با مهارت‌های گفتگو، میانجی‌گری، مدارا و همدلی؛
- از میان برداشتن ساختارهای سلطه‌جو و استثمارگر از طریق مشارکت دموکراتیک و توانمندسازی مردم برای ایفای نقش فعال در فرآیند توسعه؛

- امحای فقر و نابرابری تبعیض آمیز در بین ملت‌ها و ترویج توسعه پایدار انسانی، مبتنی بر مشارکت اجتماعی؛

- توانمندسازی اقتصادی و سیاسی زنان و فراهم کردن فرصت‌ها و زمینه‌های حضور برابر با مردان در همه سطوح تصمیم‌گیری؛

- حمایت از جریان آزاد اطلاع‌رسانی و گسترش پاسخگویی و شفافیت در حاکمیت و تصمیم‌گیری اجتماعی و اقتصادی؛

- پیشبرد تفاهم؛ دگرپذیری و همبستگی در بین همه ملت‌ها و احترام به تنوع فرهنگی جوامع.

بر این اساس، می‌توان فرهنگ صلح را به عنوان یک رهیافت اخلاقی نسبت به حیات انسانی، مبتنی بر ارزش‌های جهانی، همچون: آزادی، عدالت، همبستگی، مدارا، حقوق بشر و برابری زن و مرد، اصول دموکراسی، تفاهم بین دولت‌ها، کشورها و بین گروه‌های مذهبی، نژادی، فرهنگی و اجتماعی دانست. نام‌گذاری سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان سال بین‌المللی فرهنگ صلح از سوی سازمان ملل متحد تلاشی در جهت دستیابی به این اهداف در نظام بین‌الملل بود. البته باید توجه داشت از آنجایی که نظام بین‌الملل و نظم حاکم بر آن بر اساس اصول رفتاری و اخلاقی ناشی از فرهنگ صلح شکل یافته است، ایده فرهنگ صلح منحصر به دولت‌ها و بر اساس اصل حاکمیتشان نخواهد

دانش‌آموزان برگزار کردند. وی گفت: گردان تیم زنان، ساختمان مدارس را بازسازی و از کودکان برای یادگیری در محیط راحت حمایت کردند. صلح‌بانان وسایلی هوشمند را که شامل فنون ریاضیات، جغرافیای پایه و درس‌های زبان انگلیسی به مدرسه بودند، اهدا کردند. صلح‌بانان زن طرح خواندن درس و به‌طور گسترده‌تر، مهارت‌های دفاع از خود در لیبی را آموزش می‌دهند، کلاس‌های خشونت جنسی و ایدز و به‌طور کلی خدمات پزشکی را ارائه دادند. برخی در یتیم خانه و مدرسه محلی مشغول به فعالیت هستند. هاجر شریف، یکی از فعالان صلح پایدار معتقد است: «صلح‌بانان زن، زنان را ترغیب می‌کنند که در برابر خشونت در لیبی بایستند». شریف می‌گوید: «به مناسبت برنامه روز جهانی زن ما برای ارتقای نقش زنان و دختران جوان در امر صلح با IMC صحبت کردیم». وی عنوان داشت: خانم‌های جوان غالباً ناراضی‌های مختلفی را که باید در سطح عاطفی برطرف شوند، می‌شناسند. یکی از پروژه‌های این سازمان "Super Nswaen" است، این پروژه یک کمپین ارتباطی است که از داستان‌های نوع طنز استفاده می‌کند تا زنان را ترغیب کند در مقابل خشونت، چه از نظر سیاسی، چه از نظر جنسیتی، ایستادگی کنند.^{۳۳}

فرهنگ صلح در روابط بین‌الملل

مفهوم «صلح»، به عنوان رهایی از وضعیت تراجم، درگیری و بهره‌برداری از وضعیت ثابت، وحدت، آرامش و همدلی ناشی از هماهنگی، تفاهم و سازگاری مردم با یکدیگر، و نه از رهگذر زور، بلکه از طریق توافق و تفاهم واقعی، همان حالت حقیقی، عادلانه و واقعی^{۳۴} باعث شکل‌گیری ایده فرهنگ صلح، برای اولین بار در برنامه‌های یونسکو در کنفرانس بین‌المللی صلح در اذهان انسان‌ها در سال ۱۹۸۹، در ساحل عاج گردید. ایده «فرهنگ صلح» (Culture of Peace) به عنوان رهیافتی



بشری به شمار می‌رود. به هر روی شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد و نیز به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ تاکنون رویکردهای متفاوتی در ایفای مسئولیت خود داشته است. رویکرد اول آن که سنتی‌ترین رویکرد آن نیز می‌باشد مقابله با تجاوز مسلحانه و کاربرد زور عینی است. اما سال‌ها بعد ما شاهد ظهور عملکردی دیگر از شورای امنیت هستیم که نقش سنتی شورا را به طور کلی متحول می‌نماید. در این مقوله شورا، وضعیت‌هایی خاص را تهدید علیه صلح یا نقض صلح می‌داند و این همان آزادی تفسیر بی حد و حصری است که نویسندگان منشور در سال ۱۹۴۵ با تعریف نکردن کلمه کلیدی صلح در منشور، آن را عامدانه در انحصار اعضای دائم شورای امنیت قرار دادند. در این مقطع، شورا علاوه بر توجه به مفهوم سنتی صلح، به تحقق پیش‌شرط‌های آن نیز به عنوان بشر لازم جهت تحقق صلح پایدار توجه می‌نماید و بدین جهت پای خود را از دایره تنگ مقابله با تجاوز مسلحانه خارج ساخته و در عرصه بی حد و مرز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در معنای عام قرار می‌دهد. در این مقوله شورا خود را با مفاهیمی چون دموکراسی به عنوان پیش شرط بنیادین جهت تحقق صلح پایدار، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، حق زیستن در محیطی امن و آرام و ... آشنا می‌سازد، اما نکته‌ی مهم‌تر آن است که برای تحقق آن هدف بنیادین، شورا دست به اقداماتی می‌زند که در شاید دایره اقدامات سنتی مندرج در مواد ۴۱ و ۴۲ منشور یعنی تحریم اقتصادی، تسلیحاتی و ... اقدامات قهری مسلحانه نباشد. اقداماتی هم چون نظارت بر انتخابات داخلی کشورها، تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی، الزام به الحاق به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی پای گذاشتن در این عرصه، شاید به نوعی مطابق با رویکرد واقع بینانه یعنی در جهت تحقق مسئولیت اولیه‌ی شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد، اما از سوی دیگر می‌تواند به نوعی منجر به گسترش بی حد و مرز صلاحیت شورا برای حفظ صلح بین‌المللی تا جایی که به تقابل با اصلی‌ترین مفهوم حقوق بین‌الملل یعنی حاکمیت کشورها منجر شود. نگرانی آنجا بیشتر می‌شود که واضعان

بود، بلکه فراتر از روابط بین‌الملل را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. بنابراین، دستیابی به چنین نظام بین‌المللی جز با دخالت دادن هنجارهای حقوق مشترک مبتنی بر «اخلاق» و «کرامت» بشر در نزد تمامی انسان‌ها تحقق نخواهد پذیرفت. در این بین «گفتگوی تمدن‌ها» می‌تواند به عنوان نقطه عزیمت از یک سو بر پایه گستره فهم مشترک از مسائل جوامع ملی (به رغم تنوع قومی، نژادی، دینی، فرهنگی و ...) و از سوی دیگر، با تکیه بر نهادهای غیردولتی ملی فعال در سطح بین‌المللی تأثیرگذار در حوزه های فرا ملی، در شکل‌گیری چنین نظام بین‌المللی در مطالعات صلح مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

حق بر صلح به عنوان جامع‌ترین و مانع‌ترین حق بشری، متضمن تجلیات گوناگونی است. اولیه‌ترین تجلی حق بر صلح مانع جنگ و خشونت است، پرهیز از کشتار و خونریزی این بارزترین تجلی حق بر صلح است. همان چیزی است که ملل متحد را در واپسین روزهای جنگ جهانی دوم به تأسیس سازمان عریض و طویل ملل متحد واداشت. اما مطمئناً این بارزترین تجلی، تمام تجلی حق بر صلح نیست. حق بر صلح همان گونه که گفته شد جامع‌ترین حق بشری است چرا که برای تحقق آن می‌بایست پیش‌شرط‌های گوناگونی فراهم شود، همچون حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی-اجتماعی، حقوق برابری و ... بدیهی است تا زمانی که کلیه این پیش‌شرط‌ها که به نوعی در بندهای دوم و سوم ماده اول منشور به آن اشاره شده است، محقق نشود، صلح ایجاد نخواهد شد و اگر هم ایجاد شود صلحی گذرا و ناپایدار است. از سوی دیگر حق بر صلح خود پیش شرط بسیاری دیگر از حقوق بشری است، بدین لحاظ که تحقق موارد بسیاری از مصادیق حقوق بشر نیازمند بستری از جنس صلح و آرامش است و زندگی بدون جنگ، پیش شرط بین‌المللی اولیه برای رفاه مادی و توسعه و پیشرفت کشورها و اجرای کامل حقوق و آزادی‌های اساسی اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد و سایر اسناد حقوق





زنان صلح، برای رسیدن به یک مأموریت موفق‌تر، ضروری است و نه به عنوان یک هدف که باید به آن توجه نمود. از سوی دیگر بررسی نویسنده نشان می‌دهد: تاریخ جمهوری اسلامی ایران، به ویژه بعد از وقوع انقلاب بزرگ اسلامی مملو از حضور زنان مهمی را در جهت پررنگ نمودن نقش زنان چه در عرصه ملی و چه بین‌المللی برداشته‌اند و بسیاری از آنچه در تعریف صلح در قالب موسع بیان می‌شود را در راستای امنیت و عدالت فراهم نموده‌اند که از جمله آنها می‌توان به خانم مرضیه حدیدچی اشاره کرد.

پانویس‌ها

1- UN Charter, Article 2(4). <http://www.encyclopedia>

۲- پطروس غالی دبیر کل وقت سازمان در گزارش خود به شورا در این خصوص می‌نویسد: تلاش‌های ملل متحد در جهت استقرار صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی باید موضوعاتی فراتر از «به اندازه صلح سیاسی و استراتژیک»، «صلح اجتماعی» به نظر او، تهدیدات نظامی را در برگیرد. اهمیت دارد.

3- <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>

4- International Covenant on Civil and Political Rights

۵- «کاملاً آشکار است که اهداف سازمان به صورت باز و موسع تعیین شده است. سیاستمداران در دول غربی اغلب بیش از حد آمادگی دارند که فرض نمایند هدف اصلی یا تنها هدف سازمان ملل، حفظ امنیت بین‌المللی است ولی دول آسیایی و آفریقایی اهمیت همسگه اگر نگویم بیشتری، به «حل مسایل اقتصادی بین‌المللی» و نیز به تأمین احترام به اصول ستادی حقوق ملتها و حق آنها در تعیین آزادانه سرنوشت

منشور این صلاحیت را در وهله‌ی اول فقط به شورای امنیت اعطا کردند و شورا در اتخاذ اقدامات قهری از هیچ ارگان دیگری دستور نمی‌گیرد، ضمن آن که مجبور به پاسخ‌گویی به هیچ ارگان دیگری هم نیست در ضمن نسبی بودن سیستم امنیت جمعی سازمان ملل را نیز باید به آن اضافه نمود و همه‌ی اینها می‌توانند نشانگر تالکوها و پرتوهای گوناگون حق بر صلح باشند که می‌توانند در محیط‌های مختلف و در شرایط گوناگون و بسته به اراده سیاسی پنج عضو دائم شورای امنیت داشته باشد و این همان چیزی است که باید با تأمل بدان نگریم.

ایده‌ی اقدامات حفظ صلح ملل متحد ابزارهای حیاتی هستند که توسط جامعه بین‌المللی به کار گرفته می‌شوند تا صلح و امنیت را بهبود بخشند. زنان از جمله بازیگران اصلی در صلح‌سازی محسوب می‌شوند. با توجه به آنچه بیان شد نویسنده این پژوهش به‌طور کلی افزایش تعداد زنان را در عملیات حفظ صلح پیشنهاد می‌دهد چراکه معتقد به نقش مثبت زنان صلح‌بان سازمان ملل است و بیان می‌دارد که حضور بیشتر زنان موجب کارایی عملیات حفظ صلح می‌شود و مأموریت‌ها را بهبود می‌بخشد. لذا به کارگیری تعداد بیشتری از



2. A state which is not a Member of the United Nations may bring to the attention of the Security Council or of the General Assembly any dispute to which it is a Party if it accepts in advance, for the purposes of the dispute, the obligations of pacific settlement provided in the present Charter.

15. The proceedings of the General Assembly in respect of matters brought to its attention under this Article will be subject to the provisions of Articles 11 and 12.²¹

16- <https://peacemaker.un.org>

17- <https://legal.un.org>

18- <https://peacekeeping.un.org>

۱۹- همان

۲۰- ابراهیمی، یعقوب (۱۳۹۷)، «الگوهای حل منازعه در افغانستان: سناریوی پایان بخشیدن به منازعه از طریق مذاکره، کابل: انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان»، ص ۱۳۴

۲۱- احمدی، حمید (۱۳۷۷)، «طالبان: ریشه‌ها، علل ظهور و عوامل رشد»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲، ص ۷۵

۲۲- سعیدی، گلناز، «نقش زنان صلح پایدار در جهان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، IPSC»

۲۳- مالمبو دورین، ۲۰۱۲، «نقش افسران زن به عنوان حافظان صلح دسترسی در آدرس: www.un.org»

۲۴- اسی بیس، کلی کیت (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی»، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، صص ۶۹-۱۰۶

خود» می‌دهند. به نقل از مایکل آگوست، حقوق بین‌الملل نوین، مترجم مهرداد سیدی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی، سال ۱۹۷۳، چاپ اول، ص ۱۲۹.

6- <https://www.un.org/securitycouncil/>

7- <https://peacekeeping.un.org/en>

8- <https://www.un.org/securitycouncil/sanctions/information>

۹- قطعنامه ۱۴۲۲ مصوب ۲۰۰۲ یکی از بحث برانگیزترین قطعنامه‌های شورای امنیت بوده است. اعضای شورای امنیت برای این که تهدید ایالات متحده را در جلوگیری از عملیات صلح سازمان ملل خنثی کنند قطعنامه‌ای تصویب کردند که طبق آن از دیوان کثیری بین‌المللی خواسته شد محاکمه احتمالی آن دسته از نیروهای حافظ صلح که متعلق به کشورهای غیرعضو اساسنامه رم هستند را برای مدت ۱۲ ماه به تعویق اندازد. آنچه در پاسخ عملی شورای امنیت قابل توجه است آن است که این شورا با تصویب قطعنامه مذکور نه فقط با توسل به نقش اساسنامه رم بلکه با توسل به قدرت و نفوذ شورای امنیت اقدام به سازش حقوقی نمود.

۲-۹ نگاه کنید به بیانیه لبنان در سازمان ملل متحد در جلسه ۱۰ جولای ۲۰۰۲ در: <http://www.icc.now.org>

۱۰- نگاه کنید به بیانیه نماینده کانادا در سازمان ملل در جلسه ۱۰ جولای ۲۰۰۲ در: <http://www.icc.now.org>

11- Charter of the United Nations

12- On 3 November 1950, the General Assembly adopted resolution 377 A (V), which was given the title "Uniting for Peace"

13- <https://www.un.org/en/ga/sessions/emergency.shtml>

14- 1. Any Member of the United Nations may bring any dispute, or any situation of the nature referred to in Article 34, to the attention of the Security Council or of the General Assembly.

منابع و مأخذ:

فارسی:

مایکل آگوست، حقوق بین‌الملل نوین، مترجم مهرداد سیدی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی، سال ۱۹۷۳، چاپ اول
 مالمبو دورین، ۲۰۱۲، «نقش افسران زن به عنوان حافظان صلح دسترسی در آدرس: www.un.org»
 اسی بیس، کلی کیت (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی»، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳
 ابراهیمی، یعقوب (۱۳۹۷)، «الگوهای حل منازعه در افغانستان: سناریوی پایان بخشیدن به منازعه از طریق مذاکره، کابل: انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان»
 احمدی، حمید (۱۳۷۷)، «طالبان: ریشه‌ها، علل ظهور و عوامل رشد»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲

لاتین:

UN Charter. Article 2(4). <http://www.encyclopedia>
<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>
 International Covenant on Civil and Political Rights
<https://www.un.org/securitycouncil/>
<https://peacekeeping.un.org/en>
<https://www.un.org/securitycouncil/sanctions/information>
<http://www.icc.now.org>
 Charter of the United Nations
 On 3 November 1950, the General Assembly adopted resolution 377 A (V), which was given the title "Uniting for Peace"
<https://www.un.org/en/ga/sessions/emergency.shtml>
<https://peacemaker.un.org/peacemaking-mandate/secretary-general>
<https://legal.un.org/repository/art35.shtml>
<https://peacekeeping.un.org/en>
<https://peacekeeping.un.org/en/mission/unto>





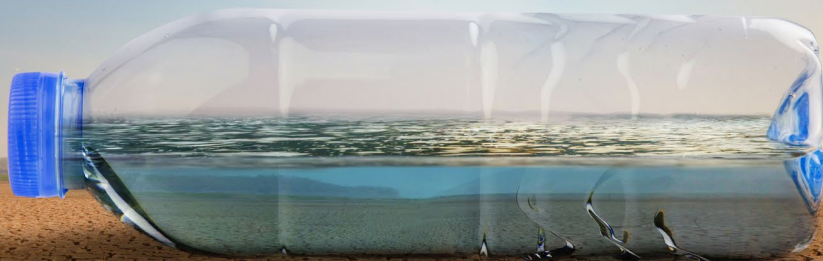
ملیحه فالاحپور
کارشناسی ارشد
محیط زیست

زنان و رویارویی با بحران آب

بحران آب در ایران

دچار این قبیله بحران‌ها گردیده، استان اصفهان است که علاوه بر خشک شدن زاینده رود و تالاب گاوخونی، به علت سوءمدیریت منابع آب، به ویژه پس از ساخت سدها و اجرای طرح‌های انتقال بین‌حوزه‌ای آب، اینک با بحران شدید فرونشست زمین و مهاجرت مواجه است؛ و یا دریاچه هامون واقع در جنوب شرقی کشور که بزرگ‌ترین منبع آب شیرین با ظرفیت صید ۱۲۰۰۰ تن ماهی بود، اکنون ناپدید شده و منجر به طوفان‌های شن و بادهای تند در آن منطقه گردیده و فرسایش خاک در بسیاری از روستاهای جنوب شرقی کشور را به دنبال داشته است.^۱

بر اساس اعلام سازمان یونسف^۱ هم اکنون چهار میلیارد نفر - تقریباً دو سوم جمعیت جهان - هر سال حداقل برای یک ماه با کمبود شدید آب مواجه هستند. نیمی از جمعیت جهان ممکن است در مناطقی زندگی کنند که تا سال ۲۰۲۵ با کمبود آب روبرو باشند. ایران در وضعیت «بحران شدید» آب قرار داشته و با توجه به ثابت بودن منابع آبی، افزایش جمعیت و عدم توجه کافی به مدیریت منابع آب - در صورت اتخاذ نشدن سیاست‌های مناسب و به هنگام مدیریت منابع آب در هر دو بعد عرضه و تقاضا، شرایط نامطلوب منابع آبی کشور تشدید شده، وقوع بحران‌های متعدد محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی دور از انتظار نخواهد بود. از جمله مناطقی که در حال حاضر



نقش زنان در رابطه با بحران آب

در کشورهای در حال توسعه و ایران

نقش زنان در رابطه با بحران آب از سه زاویه قابل بررسی است. زنان به عنوان مصرف کنندگان آب و مدیران خانواده، زنان در نقش‌های مدیریت آب در سطوح محلی تا ملی و زنان به عنوان کشاورزان و دامداران.

۱- زنان به عنوان مصرف کنندگان آب و مدیران خانواده، نقش مهمی در مصرف بهینه و صرفه‌جویی در آب دارند. زنان می‌توانند با رفتارهای مدیریتی مناسب مانند استفاده از تجهیزات صرفه‌جویی در مصرف آب، کاشت درختان و محافظت از منابع آبی به حفظ منابع آب کمک کنند. همچنین زنان می‌توانند در افزایش آگاهی و آموزش جامعه در زمینه مدیریت منابع آبی نقش به‌سزایی داشته باشند و بخصوص به دلیل نقش مادریشان می‌توانند نسلی را پرورش دهند که دغدغه آب داشته باشد.

نقش زنان در رابطه با بحران آب

از سه زاویه قابل بررسی است:

زنان به عنوان مصرف کنندگان

آب و مدیران خانواده، زنان در

نقش‌های مدیریت آب در سطوح

محلی تا ملی و زنان به عنوان

کشاورزان و دامداران.

۲- مطالعات موردی از کشورهای در حال توسعه مانند مالاوی، مراکش، نیجریه و السالوادور شواهد قابل توجهی ارائه می‌دهند که زنان در نقش‌های مدیریت آب می‌توانند نتایج مؤثرتر و پایدارتری را ارائه دهند. یک مثال عالی از تأثیری که زنان در نقش‌های مدیریت آب می‌توانند در سطح ملی داشته باشند، ماریا موتاگامبا است. وی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به عنوان وزیر



به عنوان یک راه حل مؤثر برای جمع آوری آب باران و شارژ آب زیرزمینی در مناطق خشک و کم آب توسط زنان استفاده می‌شود.^۱

• در پاکستان که با مشکلات شدید مربوط به آب شامل کمبود آب، آلودگی آب و نبود زیرساخت‌های کافی برای دسترسی به آب شرب و بهداشتی مواجه است با آموزش‌هایی که به زنان داده شده، آب باران جمع‌آوری شده و در زمین‌های کشاورزی و باغات استفاده می‌شود. در این آموزش‌ها از فناوری‌های سنتی و محلی در مدیریت منابع آبی استفاده شده و در نتیجه شرایط زنان در مناطق روستایی پاکستان را بهبود بخشیده است.^۲

• در برخی کشورهای آفریقایی زنان از «مورینگا اولیفر» به عنوان یک راه‌حل در مدیریت آب استفاده می‌کنند. از برگ‌های مورینگا برای تصفیه آب و از بذرهاي آن برای پاکسازی آب استفاده می‌شود.^۱

• در ایران، در بسیاری از روستاها و شهرهای ایران، زنان از طریق کشاورزی و دامداری به مدیریت و بهیرورداری از آب و خاک می‌پردازند. همچنین به عنوان کارشناس و مدیر در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی در حوزه‌های مختلفی از جمله مدیریت منابع آبی، فناوری‌های کشاورزی و برنامه‌ریزی شهری فعالیت می‌کنند. در دهه‌های اخیر، برخی طرح‌های آموزشی و آگاهی‌دهی در رابطه با مدیریت آب و مقابله با بحران آب به منظور توانمندسازی زنان و ترویج نقش آنها در مدیریت منابع آب اجرا شده‌اند که طرح ملی آموزشی بانوی آب در سال ۹۸ در استان یزد که توسط شرکت آبیای استان یزد^۱

محیط زیست و گردشگری اوگاندا منسوب شد و به دلیل فعالیت‌هایی که در مدیریت و حفاظت از منابع آبی داشت عنوان وزیر آب به وی نسبت داده شد. او با استراتژی‌های جنسیتی خاص خود برای بخش آب منجر به افزایش ۱۰ درصدی دسترسی به آب سالم تنها در دو سال شد. علاوه بر این، در نتیجه این استراتژی‌ها، زنان بیشتری در این بخش به کار گرفته شدند^۲

۳- زنان به عنوان کشاورزان و دامداران نیز نقش مهمی در مدیریت منابع آب دارند. در بسیاری از مناطق جهان، زنان به عنوان کشاورزانی که در باغها، مزارع و گلخانه‌ها کار می‌کنند، از آب استفاده می‌کنند. زنان می‌توانند با استفاده از روش‌های نوین کشاورزی که با منابع آبی منطقه سازگاری داشته باشد و یا استفاده از روش‌های سنتی در مدیریت منابع آبی به بهبود مدیریت این منابع کمک کنند. طبق آمار، بیشترین میزان مصرف آب در همه کشورها مربوط به بخش کشاورزی است. در ایران بیش از ۹۰ درصد آب استحصالی در بخش کشاورزی مصرف می‌شود.^۳ با توجه به اهمیت این بخش، چند نمونه از این دست فعالیت‌ها در کشورهای در حال توسعه ذکر می‌گردد که شامل موارد زیر است:

• راجستان ایالتی در هند است که به دلیل بارندگی کم و برداشت بیش از حد از آب‌های زیرزمینی با کمبود حاد آب مواجه است. زنان در مناطق روستایی مصرف‌کنندگان و مدیران اصلی آب و مسئول تأمین آب خانگی، دامداری و کشاورزی هستند. «برنامه زنان برای آب» نشان داده است که مشارکت زنان در مدیریت آب برای مدیریت پایدار منابع آب بسیار مهم است. این برنامه با توانمندسازی زنان برای مدیریت مؤثر منابع آب و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، معیشت جوامع روستایی راجستان را بهبود بخشیده است. این برنامه همچنین به عنوان الگویی برای سایر مناطقی که با چالش‌های آبی مشابه روبرو هستند عمل می‌کند و نیاز به سیاست‌ها و برنامه‌هایی شامل جنسیت در مدیریت آب را برجسته می‌کند.^۴ همچنین لازم به ذکر است در مناطق روستایی در هند زنان از یک روش سنتی به نام «خادین» بهره می‌برند. خادین یکی از صنایع دستی معروف در هند است که

زنان می‌توانند با استفاده از

روش‌های نوین کشاورزی که با

منابع آبی منطقه سازگاری داشته

باشد و یا استفاده از روش‌های

سنتی در مدیریت منابع آبی به

بهبود مدیریت این منابع کمک

کنند. طبق آمار، بیشترین میزان

مصرف آب در همه کشورها

مربوط به بخش کشاورزی است.



توجه به مشارکت زنان به منزله نیمی از منابع انسانی، از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر کشور به شمار می‌رود. از این‌رو، از شاخص‌های درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقش زنان در آن کشور است.

تلاش‌ها برای کاهش مصرف ناچیز است زیرا در این راستا، تهیه برنامه‌های ویژه مستلزم تأمین منابع و سرمایه‌گذاری سنگین است که دولت به‌تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید. بنابراین مدیریت آب کشور ناگزیر از توسعه‌ی مشارکت اجتماعی در بخش‌های مختلف این حوزه و به دنبال آن، توسعه مشارکت زنان در این زمینه است. توجه به مشارکت زنان به منزله نیمی از منابع انسانی، از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر کشور به شمار می‌رود. از این‌رو، از شاخص‌های درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقش زنان در آن کشور است. مشارکت زنان به معنی دخالت همه‌جانبه آنان اعم

و پوشش حامیان آب ویژه مادران و دختران که در سال ۱۴۰۱ توسط شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان انجام شد از جمله این طرح‌ها هستند.^{۱۲} با این حال باید گفت که این طرح‌ها کافی نبوده و به دلیل محدودیت‌های مالی و سازمانی، به تعداد کافی و به صورت پایدار اجرا نشده‌اند. همچنین برخی از این طرح‌ها با مشکلاتی مانند عدم تعامل مؤثر با جامعه محلی و عدم توجه به نیازهای ویژه زنان مواجه شده‌اند و نیاز است توسعه و بهبود یابند.

لزوم مشارکت همه‌جانبه زنان

با وجود اتلاف زیاد آب در کشور در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، سرمایه‌گذاری و

منابع:

- 1-UNICEF.org:
<https://www.unicef.org/wash/water-scarcity>
- ۲- محمدجانی و یزدانیا، ۱۳۹۳، تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن. نشریه روند پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۲۱، شماره ۶۵-۶۶، ص ۱۱۷-۱۳۴
- 3-Khatibi & Arjumend, 2019. "Water Crisis in Making in Iran", Grassroots Journal of Natural Resources, DOI: 10.33002/mr2581.6853.02034
- 4-UNDP.org
- 5- TheWaterTrust.org
- 6-Rezaei, A., Salmani, M., Razaghi, F. and Keshavarz, M. (2017). An empirical analysis of effective factors on farmer's adaptation behavior in water scarcity conditions in rural communities. International Soil and Water Conservation Research, 5(4): 265-272.
- 7-<https://jalbhagirathi.org/>
- 8-Prasad, R. (2004). Khadin Cultivation: A traditional runoff farming system in Indian Desert needs sustainable management. Journal of Arid Environments 58(1):87-96. DOI:10.1016/S0140-1963(03)00105-8
- 9-<https://www.sewa.org.pk/water-resources-management/>
- 10-Kwabena Agyei, F., Gyamerah, E. O., & Danquah, M. K. (2012). Exploitation of Moringa oleifera seeds for water purification in rural communities of Ghana. International Journal of Agricultural Policy and Research, 1(5), 129-136.
- ۱۱-خیرگزاری تسنیم
- ۱۲-شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان
- ۱۳-اکبری و کریمجان، ۱۴۰۱، طراحی الگوی ترویجی بهبود مدیریت آبیاری برای مقابله با بحران کم آبی در استان آذربایجان شرقی، مجله آب و توسعه پایدار، سال نهم، شماره ۱، ص ۹۵ تا ۱۰۴
- 14-theWorldbank, 2021. "Promoting Women's Participation in Water Resource Management in Central Asia"

در مواقع بحرانی کمبود آب،

زنان به‌عنوان افرادی که

معمولاً در تولید غذا و تأمین

نیازهای خانواده نقش مهمی

دارند، بیشترین ضرر را

متحمل می‌شوند. در این شرایط

افزایش دسترسی زنان به منابع

آبی و توانمندسازی آنها برای

مدیریت بهتر منابع آب، می‌تواند

موجب کاهش آسیب‌های

اجتماعی و اقتصادی مربوط به

کمبود آب شود.

از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در امور اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی است که به آنان امکان می‌دهد در فرایند مدیریت جامعه مشارکت فعالی داشته باشند^{۱۳}.

از طرفی، گاهی زنان متأسفانه از ارزش بالقوه خود آگاه نیستند و در انجمن‌های مربوطه، نهادهای عمومی مدیریت آب و کمیته‌های آب مشارکت نمی‌کنند و این مانعی در به ثمر رسیدن تلاش برای مدیریت منابع آب است^{۱۴}.

همچنین در مواقع بحرانی کمبود آب، زنان به عنوان افرادی که معمولاً در تولید غذا و تأمین نیازهای خانواده نقش مهمی دارند، بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند. در این شرایط افزایش دسترسی زنان به منابع آبی و توانمندسازی آنها برای مدیریت بهتر منابع آب، می‌تواند موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی مربوط به کمبود آب شود.

سخن پایانی

برای مقابله با کمبود آب و حفظ منابع آبی، باید به زنان به عنوان مدیران منابع آبی، توجه بیشتری شود. این امر شامل توانمندسازی زنان در زمینه مدیریت منابع آبی، افزایش دسترسی زنان به منابع آبی، حمایت از تحصیلات و اشتغال زنان در زمینه‌های مرتبط با مدیریت منابع آبی، ارتقای آگاهی جامعه درباره نقش زنان در مدیریت این منابع و افزایش مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مربوط به مدیریت آب است.



تعبیری از رویاها...

الهه فابریکی اورنگ

روزگاری از زندگی که در کشمکش میان منطق و درست زندگی کردن بود، شروع به بیشتر آموختن کرد. خواند و خواند... تا با کمک دنیای گشوده شده‌ی مقابلش، بیشتر از قبل به باور توانستن رسید. درک کرد که می‌توان قوانین نانوشته را طور دیگری خواند. مگر می‌شود که به دنیا آمد و رسالت تولد خود را نیافت! اصلاً چرا باید اینطور باشد که انسان‌ها هنوز در غالب موقعیت‌ها، در گذران جریان زندگی به باور خود نرسیده‌اند و درک نکرده‌اند که هدف و آموزه‌ی خلقتشان در این جهان چیست؟!

من عاشق دختران سرزمین هستم، اما، هم برایشان خوشحال و هم ناراحتم. خوشحالم که بهتر از مادران و نسل‌های ماقبل خود، به خود ارزش می‌گذارند. اما ناراحتم از اینکه، هنوز درنیافته‌اند که زیبایی و ظرافت و توانایی‌های خود را در مسیری روشن‌تر سرمایه‌گذاری کنند. به دخترانی که در آینده‌ی نزدیک شگفتی‌آور ترین بانوان سرزمین‌مان خواهند بود...

چه خوب می‌شود هر زنی، برای رسیدن به نگاه و حرکت در مسیری بهتر از هر جایی که احساس ضعف در درون خود دارد و یا اینکه مسیر اشتباهی را دنبال می‌کند و اغلب نمی‌داند درست و غلط چیست؟، بر روی یک کاغذ، موقعیت امروز و ۵ سال و ۱۰ سال آینده خود را یادداشت کند. (هر چه را که در ذهن داشته و دوست داشت که به آن برسد و... در میانه‌ی مسیر اشتباهاتش را هم یادداشت کند) و هر آنچه را که می‌تواند بر افزایش توانایی‌هایش کمک کند را انتخاب و در مسیر عبوری خود قرار دهد، از دوستان و ارتباطات خوب کمک بگیرد، رویاهای زندگی اجتماعی و شخصی خود را در یک چارچوب مشخص نیز بر کاغذ بیاورد و خود را در

دست خسته‌اش را روی کلید تنها چراغ روشن خانه کشید، آخرین فرد بیدار خانه در دل شب بود. ساعت زنگ‌دار را مثل همیشه زودتر از دیگران برای بیداری در دل صبح بر روی بامدادی‌ترین ساعت بیداری‌اش صبح تنظیم کرد، قراری که به طور خودکار میان او و زندگی‌اش گذاشته شده بود. خیلی آرام دراز کشید، بر روی دست‌هایش به جبران سختی حاصل از کار مرطوب کننده‌های مالید و ... متوجه نشده بود چه زمانی چشم‌هایش به روی هم بسته شده بودند، هر چند که صدای زنگ ساعت و همزمانی بیدار شدنش معلوم نمی‌کرد که کدام یکی، دیگری را بیدار کرده و اینجا نقطه آغاز روز بیداری‌هایش بود. برای رفع انبوه خستگی روز قبل، نوازش‌وار برشانه‌هایش دست می‌کشید و همزمان، تراکنش‌های ذهنی‌اش را مرور می‌کرد. حجم کارهایش، ذره‌ای از توجه و عمق افکار او کم نمی‌کردند. به آینه نگاه کرد، دوست داشت مثل تمامی روزهای رویاپردازانه کودکی‌اش، در خیال واقعی زندگی پری وار دور خود می‌چرخید و از تمام عشق و ظرافتی که در خود می‌دید، فریاد شوق و شغف برمی‌آورد...

دختر، زن، بانو، مادر و ... تمام رویاهایش در فراسوی جهان پیش رویش رنگی دیگر داشت. او اکنون بزرگ‌تر شده بود و چشم‌هایش باز و بازتر. تا پیش از دوسال پیش که خود را محصور جهانی دیده بود که قوانین نانوشته‌ای برای نوشته بودند. همان چیزهایی که برای شکوفایی او و تمام زیبایی‌ها و توانایی‌های ذاتی‌اش، مسیری صعب‌العبور را ترسیم می‌کردند. تا اینکه پس از مرور

به آشیانه خویش وفادار می‌ماند و در این خانه بی در دیوار زندگی، حصار می‌سازد و عشق می‌ورزد. در خانه طفلش را ناز می‌کند و زنانگی‌هایش را خرج عشق زندگی‌اش می‌کند و در بازار زیباترین معجزه‌های از رنگ و نقش می‌آفریند.

زنی که همسر یک خانواده دو همسری است که در آن زن و مرد دو شریک برابر و متشابه و حامی هم هستند و هر دو در بیرون کار می‌کنند و ...

زنی که در گذشته‌های نه‌چندان دور وقتی دختر بود، در جامعه کوچک خود رشد کرد، در برخوردها تجربه اندوخت و همه چیز را دید و همه تیپ‌ها را شناخت. به سازه‌ها، صلاح‌ها، راه‌ها، بدی‌ها، خوبی‌ها، خیانت‌ها، خدمت‌ها و بالاخره همه رنگ‌ها و طرح‌ها و معماهای زندگی و اجتماع و همه چیز محیط خویش را دیده است، درس خواندن، تفریح کردن، تاثیر ورزش و پرورش و آشنایی با کتاب و قلم و هنر و اندیشه، آموختن تخصص، رسیدن به استقلال اجتماعی و درآمد مستقل اقتصادی و سپس انتخاب رفیق و شریک زندگی...

باهم هم‌قدم شویم تا چهره‌های از جامعه زن در دنیای امروز را با عینکی متفاوت‌تر تماشا کنیم، زنی که قائل به توانمندی‌های خود و رای نگاه‌ابزاری بوده و ارزش وجودی خود را در شکوفایی استعدادهای خود در هنر، علم، حقوق، سیاست، سلامت، ورزش و... و هر کدام از ابعادی که می‌تواند در جهت اعتلا و فرهیختگی یک انسان مطرح باشد، می‌داند... خود را تداعی‌کننده انرژی‌های مثبت هستی بدانید.

بی‌نوشت:

۱. کتاب زن

۱۰ سال آینده در جایگاهی بسیار بالاتر از امروزش ببیند. برای رسیدن به قله (نوک ۱۰ سال آینده)، از هیچ راه درستی برای عبور در این مسیر دریغ نکند و باور داشته باشد که یک انسان با ابعاد مختلفی از شخصیت درونی و بیرونی خلق شده، پس قادر به انجام ابعاد مختلف فعالیت‌هایش می‌باشد.

باور به توانمند بودن، مهم‌ترین باور در زندگی هر انسان و بالاخص زنان است.

به قول دکتر علی شریعتی، زن توانمند ایران ماه همسر، مادر، هنرمند، خانه‌دار و هم پرستاری است که به آزادی نهال‌های باغ‌شان می‌روید و به پاکی قمریان صحراشان عشق می‌ورزد و عاشقانه همچون آهوان، مادری می‌کند و همچون کبوتران،



ستاره‌های دیروز | کارول لمبارد



روقیاتیرگری
کارشناس‌تئاتر

پیشرو و جسور با استعدادی درخشان

با چهره‌ای همیشه خندان، موهای بلوند و شوخ طبعی‌های پداهه‌پردازانه‌اش الگوی بسیاری از کمدین‌های امروزی است. او اولین زنی بود که با چنین جسارتی بر پرده نقره‌ای سینما ظاهر شد. پایه‌پای کمدین‌های مرد به شوخی و بذله‌گویی پرداخت تا نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران کمدی برای همیشه در تاریخ سینما ثبت کند. او همسر کلارک گیبل سلطان هالیوود بود و تنها زنی که گیبل از صمیم قلب دوستش داشت. علیرغم توانایی‌های کم‌نظیرش تنها یک بار نامزد جایزه اسکار شد. او همواره معتقد بود که اسکار هیچ وقت به بازیگران فیلم‌های کمدی تعلق نمی‌گیرد. مرگ او بسیار نابهنگام بود. وی در سی و سه سالگی در اثر سانحه هوایی در نوادا درگذشت.

کارول لمبارد با نام اصلی جین آلیس پیترز متولد ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ در فورد واین ایندیانا سومین فرزند و تنها دختر فردریک کریستین پیترز آلمانی و الیزابت جین پیترز انگلیسی بود. دو برادر بزرگتر از خود داشت فردریک چارلز و جان استوارت. والدین او هر دو از خانواده‌های ثروتمند بودند. جین و برادرانش در رفاه کامل زندگی می‌کردند تا این که پدر و مادر تصمیم گرفتند جدا از هم زندگی کنند. در اکتبر ۱۹۱۴ مادر با فرزندانش به لوس آنجلس نقل مکان کردند. زن و شوهر طلاق نگرفتند اما جدایی آنها دایمی بود. ادامه حمایت مالی پدر به خانواده اجازه داد تا از همان رفاه مالی سابق بهره‌مند باشند.

در ۱۲ سالگی در حالی که با دوستانش بیس‌بال بازی می‌کند مورد توجه «آلن دوان» کارگردان قرار



**از ستاره‌های پیشرو دوران
استودیو بود که توانست
استقلال بیشتری در انتخاب
نقش‌ها و تصمیم‌گیری‌های
استودیو داشته باشد.**



می‌گیرد. یک پسر بچه کوچک زیبا به نظر می‌رسید. آنجا بچه‌های دیگری هم بودند اما بیس‌بال او از همه بهتر بود. آن نقش کوچکی در «یک جنایت کامل» (۱۹۲۱) به او می‌دهد. تجربه شیرینی بود و کارول مشتاق بازیگری شد. در دومین فیلمش به وسیله مری پیک فورد اخراج می‌شود. چارلی چاپلین او را استخدام می‌کند برای فیلمی که هرگز ساخته نمی‌شود. دومین فیلمش را عاقبت در ۱۹۲۵ بازی می‌کند، یک وسترن باک جونز (قلب‌ها و مهمیزها) کمپانی فاکس با او قرارداد می‌بندد. در سال ۱۹۲۷ مورد توجه مک سنت پادشاه کمدی و کاشف استعدادها درخشان قرار می‌گیرد. مک سنت با او قرارداد می‌بندد. در همین سال در یک حادثه تصادف اتوموبیل صورت لمبارد آسیب می‌بیند. گونه چپ، بینی تا زیر چشم دچار بریدگی می‌شود. لمبارد تحت عمل جراحی ترمیمی قرار گرفت و با یک دوره بهبودی طولانی روبرو شد. لمبارد نگران آن بود که بیش از هر چیز این حادثه زندگی حرفه‌ای او را پایان دهد. اما مک سنت متعهد شد که به او کمک کند تا دوباره روی پای خود بایستد. او در ۱۸ فیلم کمدی کوتاه بین سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۹ ظاهر شد و از همکاری با مک سنت لذت برد. این اولین تجربه‌های کمدی برای لمبارد بود و آموزش‌های ارزشمندی دریافت کرد تا در آینده سبک خود را ارائه دهد. او سال‌های همکاری با مک سنت را نقطه عطف بازیگری خود می‌داند. بازی‌های او به کارگردانی مک سنت آغازی بود برای حضور در فیلم‌های بلند سینمایی. در فیلم «تمایش افراد» و «دختر تد مک کوب» (۱۹۲۸) مورد توجه بسیار قرار گرفت. حضور او در فیلم‌ها تضمینی بود برای فروش بالا. همچنین فیلم‌های «رائول والش» و «گانگستر» (۱۹۲۸) مقابل چون کولابر و دن تری یک موفقیت بزرگ هنری برای لمبارد و تجاری برای سازندگان فیلم بود. نشریه فیلم روزانه نوشت: «کارول لمبارد یک شگفتی واقعی را اثبات می‌کند و بهترین کار خود را تا به امروز ارائه داده است. در واقع این



اولین فرصتی است که او داشته تا ثابت کند که چه چیزهایی برای ارائه دارد.»
لمبارد برای بازی در وسترن «بچه آریزونا» (۱۹۳۰) به فاکس بازگشت. این یک پیروزی بزرگ برای فیلم بود چرا که یک بازیگر محبوب در آن ایفای نقش می‌کرد. به دنبال موفقیت فیلم، پارامونت پیکچرز لمبارد را به خدمت گرفت و هفته‌ای ۳۵۰ دلار با او قرارداد بست. به تدریج تا سال ۱۹۳۶ به ۲۵۰۰ دلار در هفته افزایش یافت. پارامونت به اشتباه در تیتراژ فیلم بازیگر فیلم را «کارول لمبارد» معرفی کرد. او تصمیم گرفت این اسم را دوست داشته باشد و از آن پس نام او کارول لمبارد شد. البته پیش از این به یاد یکی از دوستان دوران مدرسه نام کوچک خود را به کارول تغییر داده بود.

لمبارد در پنج فیلم اکران شده در سال ۱۹۳۱ حضور داشت که دو فیلم آخر آن «این هزینه برای تبلیغات است» و «مرد، جهان و خانومها» در مقابل ویلیام پاور برترین ستاره مرد پارامونت بود. لمبارد قبل از ملاقات یکی از طرفداران این بازیگر بود. آنها مجذوب هم شدند. روزنامه‌ها نوشتند کارول ۲۲ ساله، بی خیال و مشهور به بددهنی است در حالی که پاول ۳۸ ساله، روشنفکر و پیشرفته است. لمبارد علیرغم شخصیت متفاوتشان در ۶ ژوئن ۱۹۳۱ در خانه‌اش در بورلی هیلز با پاول ازدواج می‌کند. او به رسانه‌ها گفت مزایای عشق بین دو نفر که از نظر شخصیت با هم متفاوت هستند این است که رابطه آنها اجازه یک عشق عالی را می‌دهد.

ازدواج با پاول باعث افزایش شهرت لمبارد شد. پس از بازی در مقابل گری کوپر چندین منتقد پیش‌بینی کردند که لمبارد قرار است به یک ستاره بزرگ تبدیل شود. در فیلم «مرد سخت» همبازی مقابل او کلارک گیبل بود که به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از ستاره‌های برتر هالیوود بود. این فیلم از نظر هنری و تجاری بسیار موفق بود اما لمبارد و گیبل از حضور در این فیلم راضی نبودند.

گیبل برای بازی در نقش عاشق بسیار متکبر به نظر می‌رسید و کارول او را یک ساده لوح و بی ادب

**استعداد فوق العاده او در عرصه
کمدی وصف‌ناپذیر است و از
بازی در این سبک هیچ ابایی
نداشت.**



عجیب و غریب تصویر کرد و گیبِل از نحوه سخن گفتن و بکار بردن کلماتی که خاص کارول بود بیزار بود. در اگوست ۱۹۳۳ لمبارد و پاول پس از ۲۶ ماه زندگی مشترک طلاق گرفتند و پس از آن تا پایان زندگی لمبارد دوستان خوبی بودند.

در سال ۱۹۳۶ لمبارد در ۵ فیلم بازی کرد که یکی از آنها «عقاب و شاهین» بود. یک فیلم جنگی با حضور فردریک مارچ و کری گرانت، منتقدان آن را ستودند و از بازی لمبارد لذت بردند.

در فیلم «قرن بیستم» به کارگردانی هاوارد هاگس نقش بازیگری به او سپرده شد که مربی سابقش او را تعقیب می‌کند. هاگس از بازی اغراق‌آمیز او خوشش نیامد و از کارول خواست خودش باشد و طبق غرایزش عمل کند. لمبارد همان طوری که هاگس خواسته بود بازی کرد. لس‌آنجلس تایمز نوشت لمباردی که تاکنون ندیده‌اید، او با زندگی و اشتیاقی مرتعش می‌شود.

در فیلم «دست‌های آن طرف میز» (۱۹۳۵) او در مقابل فردریک موری نقش یک مانیکور را بازی می‌کند که در جستجوی یک شوهر ثروتمند است. منتقدان فیلم را ستودند و به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های به یادگار مانده از او یاد می‌شود.

فیلم «مرد من گادفری» نامزدی جایزه اسکار را برای او به ارمغان آورد. فیلم در نهمین دوره جوایز اسکار موفق به دریافت ۶ جایزه شد.

محبوب‌ترین و پر درآمدترین ستاره هالیوود

تا سال ۱۹۲۷ لمبارد یکی از محبوب‌ترین و پردرآمدترین ستارگان هالیوود بود. یک مذاکره میان پارامونت و میرون سلزینگ ۴۵۰ هزار دلار برای او به ارمغان آورد. بیش از ۵ برابر حقوق رییس‌جمهور ایالات متحده، از آنجایی که دستمزد وی به طور گسترده در مطبوعات گزارش می‌شد، لمبارد اظهار داشت که ۸۰ درصد درآمد وی مالیات است اما خوشحال است که می‌تواند به پیشرفت کشورش کمک کند. ابراز این نظرات باعث تبلیغات مثبت برای وی شد و رییس‌جمهور فرانکلین روزولت برای او نامه تشکر ارسال کرد. او یکی از اولین ستاره‌های دوران استودیو بود



لمبارد یکی از پنجاه بازیگر برتر جهان است که در صدر این فهرست کلارک گیبِل قرار دارد.



زوج افسانه‌ای هالیوود

در سال ۱۹۳۶ لویس مایر، کارول لمبارد را به عنوان میزبان مراسم توپ سفید سالانه انتخاب کرد که کلارک گیبل هم به آن مراسم دعوت شده بود. کارول لمبارد به عنوان میزبان لباسی سفیدرنگ به تن داشت - به همه توصیه شده بود لباس سفید رنگ بپوشند- که نورما شیرر ستاره معروف با یک لباس قرمز روشن در مرکز سالن ظاهر شد. کارول لمبارد بیخ زد و از لباسش سفیدتر شد. او انتظار چنین تحقیری را نداشت. تمام نگاه‌ها به کارول بی حرکت و نورما که با پیروزی لبخند می‌زد دوخته شده بود. کارول می‌خواست سالن را ترک کند اما کلارک گیبل با درک وضعیت قدم پیش گذاشت و مانع رفتن او شد. پیش‌داوری‌های ۴ سال پیش تمام شده بود و روابط تازه‌ای در آستانه شکل گرفتن بود. در سال ۱۹۳۹ مهم‌ترین نقش دوران فعالیت کلارک گیبل -رد باتلر در بر باد رفته- به او پیشنهاد می‌شود اما او نقش را نمی‌پذیرد.

گیبل همسری دارد که ۱۷ سال از خودش بزرگتر است و در آستانه طلاق هستند. ربا، نیم میلیون دلار در قبال طلاق می‌خواهد. استودیو هزینه طلاق را می‌پردازد و گیبل نقش را می‌پذیرد. سه هفته پس از طلاق با کارول لمبارد ازدواج می‌کند. ازدواج با لمبارد سعادت را برای گیبل به دنبال داشت. آن‌ها یکی از زیباترین و خوشحال‌ترین زوج‌های هالیوود بودند.

کلارک به او اعتراف کرد که بهترین همسر، بهترین شغل و بهترین خانه را دارد. او دیگر آرزویی ندارد. کارول در این مورد به شوخی گفت که داشتن دو دستگاه کود دیگر برای باغ آنها ضرری ندارد. آنها توافقی کردند که در امور حرفه‌ای و مالی یکدیگر دخالت نمی‌کنند. مسئولیت‌ها را بین خود تقسیم کردند. کارول از خانه، باغ گل و پرندگان مراقبت می‌کرد. کلارک مسئول حیات، باغ، علفزار و حیوانات بود. آنها همه کارها را خودشان به تنهایی انجام می‌دادند. کلارک مجذوب همسرش شد. در او بهترین ویژگی‌های زنان محبوب خود را دید. او مانند نامادریش مراقبت‌های مادانه داشت. از هوش و استعداد چشمگیر ژوزفین دلون -مدیر تئاتر و همسر اول- برخوردار بود و مانند ربا ظریف



که توانست استقلال بیشتری در انتخاب نقش‌ها و تصمیم‌گیری‌های استودیو داشته باشد. همچنین او اولین ستاره‌ای بود که پیشنهاد مشارکت در سود حاصل از فروش فیلم را مطرح کرد.

کارول لمبارد به عنوان یک ستاره پیشرو در دهه سی میلادی در مقاله‌ای با عنوان «کارول لمبارد می‌گوید» خطاب به خوانندگان خود می‌نویسد که او به دنیای مردها اعتقادی ندارد و زنان را به کار کردن ترغیب می‌کند و می‌افزاید همه زنان باید کاری ارزشمند داشته باشند و در آن کار کارایی به دست آورند خواه خانه‌داری باشد یا پرورش مرغ. زنان شاغل زنان جالبی هستند.



متحدہ اعلام کرد کہ کشتی آزادی بہ نام کارول لمبارڈ را راہاندازی خواهد شد. کلارک گیبل در مراسم راہاندازی شرکت کرد. اس اس کارول لمبارڈ این کشتی در نجات صدہا ہازماندہ از کشتی‌ہای غرق شدہ در اقیانوس آرام و ہازگرداندن آنها بہ محلی ایمن نقش داشت.

در سال ۱۹۹۹ موسسہ فیلم امریکا کارول لمبارڈ را در رتبہ ۲۳ خود قرار داد. بزرگ‌ترین افسانہ صحنہ نمایش از سینمای کلاسیک.

لمبارڈ یکی از پنجہ بازیگر برتر جہان است کہ در صدر این فہرست کلارک گیبل قرار دارد. استعداد فوق‌العادہ او در عرصہ کمدی وصفناپذیر است و از بازی در این سبک هیچ ابایی نداشت.

زندگی بسیار کوتاہ اما درخشانی را سپری کرد. زندگی او بہ طرز غم‌انگیزی در سی و سہ سالگی بہ پایان رسید. با مرگ ناہنگام او ستارہ اقبال کلارک گیبل ہم رو بہ افول گذشت. بہ گفتہ یکی از دوستان کلارک گیبل، کلارک ہیچگاہ پس از مرگ کارول لمبارڈ احساس خوشبختی نکرد. او ۵ بار ازدواج کرد اما عاشقانہ‌ترین ازدواج را با کارول لمبارڈ داشت.

با فیلم «ماجرا» (۱۹۴۵) بہ سینما بازگشت. این فیلم مانند بیشتر فیلم‌ہای پس از جنگ او با شکست روبرو شد. در سال ۱۹۵۴ قراردادش با متروگلدین مایر بہ پایان رسید و کمپانی نیز تمایلی بہ تجدید آن نداشت. بر اثر حملہ قلبی در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۰ در ۵۹ سالگی درگذشت. ہرگز نتوانست تنہا فرزندش جان کلارک را ببیند کہ اندکی پس از مرگش بہ دنیا آمد. کی ویلیامز ہمسر گیبل او را در کنار کارول لمبارڈ بہ خاک سپرد کہ ہرگز عشق او را فراموش نکرد. پس از مرگ گیبل، نیویورک تایمز نوشت: «سلطان ہالیوود مرد. او ہمتایی نداشت و نخواہد داشت. لقب سلطان ہالیوود نیز ہمراہ او دفن شد...»

کلارک گیبل با ایفای نقش «د باتلر» در فیلم بر باد رفته بہ اوج رسید و پس از آن بہ‌عنوان ستارہای ہموارہ روشن در آسمان سینمای ہالیوود باقی ماند. حتی تا سال‌ہا پس از مرگش هیچ بازیگری نتوانست خلاء حضور او را جبران کند. در فہرست بہترین‌ہا بہ عنوان برترین بازیگر مرد تاریخ سینما انتخاب شد و از او بہ عنوان مردی افتخار آمیز یاد می‌کنند.

زندگی بسیار کوتاه اما درخشانی

را سپری کرد. زندگی او بہ طرز

غم‌انگیزی در سی و سہ سالگی

بہ پایان رسید.

و عملگرا بود و سخاوت بی حد و حصر و طنز فوق‌العادہ او را از دیگران متمایز می‌کرد.

کارول پس از یک سال زندگی مشترک از تلاش‌ہای ناموفق برای ہاردارشدن نگران شد. در مورد فرزندخواندہ با کلارک صحبت کرد و کلارک بہ او اطمینان داد کہ آنها مطمئنا فرزندان خود را خواہند داشت.

پرواز بی بازگشت

در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ پس از بمباران پل ہاربر توسط ژاپن ایالات متحدہ وارد جنگ جہانی دوم شد. در طول جنگ کارول لمبارڈ برای فروش اوراق قرضہ بہ ایالات مختلف سفر می‌کرد. در سال ۱۹۴۲ بنا بہ درخواست دولت امریکا، کارول لمبارڈ بہ ایندیانا پولیس رفت تا مردم را ترغیب کند کہ اوراق قرضہ خریداری کنند. صد ہا نفر برای دیدن او آمدہ بودند. سخنرانی‌ہای الہام بخش و پرشور او تأثیر شگرفی بر مردم گذاشت. تنہا در یک روز اوراق قرضہ بہ ارزشی بیش از دو میلیون دلار بہ فروش رفت.

ہوایمای حامل کارول لمبارڈ در پرواز بازگشت از مراسم ہمبستگی ملی در جنگ دچار سانحہ شد و کلیہ سرنشینانش کشتہ شدند. اندکی بعد گیبل داغدار بہ نیروی ہوایی پیوست و تا درجہ سرگردی ارتقاء مقام یافت و بخاطر ماموریت‌ہای پروازیش بر فراز آلمان دو مدال دریافت کرد.

آخرین فیلم لمبارڈ «بودن یا نبودن» بہ کارگردانی ارنست لوییچ ہجویہ‌ای بود در مورد نازیسم و جنگ جہانی دوم. در بخشی از فیلم شخصیت لمبارڈ می‌پرسد: «چہ اتفاقی می‌تواند در ہوایما بیفتد؟» ہنگامی کہ فیلم اکران شد بہ ویژه در مورد محتوای بحث برانگیز آن، نظرات متفاوتی ارائه شد.

در دسامبر ۱۹۴۳ کمیسیون دریانوردی ایالات



ستاره‌های امروز | دایان کروگر

از «تروا» تا «محوشدگی»



حقوق تان





داستان فیلم در اولین سال اشغال فرانسه توسط آلمان می‌گذرد. افسر متفقین ستوان آلدورین با بازی براد پیت تیمی از سربازان یهودی را گرد هم می‌آورد تا اقدامات تلافی جویانه علیه نازی‌ها انجام دهند. او و افرادش با بریجیت فون هومرز مارک بازیگر و مامور مخفی آلمانی متحد می‌شوند تا رهبران رایش سوم را سرنگون کنند. سرنوشت آنها با صاحب یک تئاتر که به دنبال انتقام از نازی‌ها بخاطر اعدام اعضای خانواده اش است همسو می‌شود. دایان کروگر از ایفای نقش به زیبایی برآمد و با قدرت در آن ظاهر شد. بازی در کنار بازیگرانی چون براد پیت، الی راث و کریستوفر والتز بر تجارب او افزود و شهرت و محبوبیت او را دوچندان کرد. او نامزد ۶۷مین دوره جوایز گلدن گلوب شد و در میان نامزدهای جوایز اسکرین بازیگر کارگردان‌های امریکایی به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل برای اجرای فوق‌العاده در فیلم کوینتین تارانتینو یعنی «حرامزاده‌های لعنتی» بود.

کروگر در فیلم «آقای نوبادی» ساخته جیکون دورمل در سال ۲۰۰۹ در نقش آنا بازی کرد. «تنفس» در سال ۲۰۱۰، «فرینچ»

در کودکی آموزش باله دید و در چند اجرا بر روی صحنه رفت اما پس از مصدومیت در یک سانحه مجبور شد باله را کنار بگذارد. در نوجوانی به پاریس رفت و کارش را به عنوان مدل عکاسی برای برندهایی چون ایوسن لورن، شانل، آرمانی و کریستین دیور آغاز کرد. پس از ۵ سال فعالیت در عرصه مد وارد مدرسه هنرپیشگی پاریس شد. اولین حضور سینمایی خود را در سال ۲۰۰۲ در فیلم «توازنده پیانو» تجربه کرد.

دایان کروگر بازیگر آلمانی ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۶ در شهر کوچکی واقع در آلمان غربی به دنیا آمد. پدر او دانشمند علوم کامپیوتر و مادرش کارمند بانک بود. شهرت جهانی دایان با فیلم تاریخی «تروا» آغاز شد. ولفانگ پترسون کارگردان آلمانی کروگر را از میان ۲۰۰۰ کاندیدا برای ایفای نقش هلن برگزید. در این فیلم که برگرفته از ایلیاد اثر حماسی شاعر یونانی هومر است. برادپیت و اورلاندو بلوم در کنار دایان کروگر ایفای نقش می‌کنند.

کروگر از مورد توجه‌ترین چهره‌های مراسم افتتاحیه و اختتامیه جشنواره فیلم کن ۲۰۰۷ بود و از اعضای هیئت داورى پنجاه و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین در سال ۲۰۰۸ بود. یکی دیگر از نقش‌آفرینی‌های موفق دایان کروگر در فیلم «حرامزاده‌های لعنتی» محصول سال ۲۰۰۹ به کارگردانی کوینتین تارانتینو است. این فیلم علاوه بر فروش ۳۰۰ میلیون دلاری در جشنواره کن نیز برنده جایزه شد.

کروگر به زبان‌های انگلیسی و

فرانسه تسلط کامل دارد و در

صدآگذاری فیلم‌ها از صدای

اصلی او استفاده می‌شود و برای

شنونده اصلا قابل تشخیص

نیست که زبان مادری او آلمانی

است. «محوشدگی» اولین ایفای

نقش کروگر به زبان آلمانی

است.



همه چیز کنار بیایند. من تا حد زیادی بچه اتحادیه اروپا هستم وقتی بزرگ می‌شدم همه مرزها باز شد و همه این فرصت‌ها و امکانات برای من پیش آمد.

اما همه ما در این دنیا زندگی می‌کنیم و به نظر می‌رسد بیشتر رو به عقب حرکت می‌کنیم تا رو به جلو. مقابله با تروریست‌ها تقریباً به یک کار روزانه تبدیل شده است. من مطمئناً خیلی از مردم - به صفحه تلویزیون خیره می‌شوم و به این فکر می‌کنم که چطور اینقدر به آنچه در دنیا روی می‌دهد بی‌حس شده‌ایم. همه چیز به اعداد خلاصه شده است. در تلویزیون می‌شنویم: «خبر فوری: دویست نفر جان باختند» و ما آن تصاویر وحشتناک را یک روز می‌بینیم و بعد به داستان بعدی می‌رویم. درست است؟

ما هیچ وقت از آدم‌هایی که پشت سر هستند چیزی نمی‌شنویم. قاتلان، تروریست‌ها به ستاره‌های فوری تبدیل می‌شوند. چون می‌خواهیم بدانیم آنها چگونه قاتل شدند. آنها می‌توانند جهادی باشند، می‌توانند نئونازی‌ها یا هر چیز دیگری باشند.

نکته‌ای که درباره این فیلم دوست دارم این است که ما چیزی در مورد این آدم‌ها نمی‌دانیم. چه اتفاقی می‌افتد و چطور می‌توانند زندگی کنند و ادامه دهند یا آیا می‌توانند بعد از این اتفاق وحشتناک ادامه دهند؟

من به لحاظ احساسی واقعا با این مسئله ارتباط داشتم. این چیزی است که مرا علاقه‌مند کرد. مطمئن هستم که فاتح انگیزه‌های دیگری برای نوشتن داشت اما برای من مهم این بود که «محوشدگی» یک فیلم ترحم‌آمیز نیست... من فکر می‌کنم پایان فیلم

شهرت جهانی دیان با فیلم

تاریخی «تروا» آغاز شد. ولفانگ

پترسون کارگردان آلمانی کروگر

را از میان ۲۰۰۰ کاندیدا برای

ایفای نقش هلن برگزید.

در سال ۲۰۱۷ در هفتادمین

جشنواره فیلم کن بخاطر نقش

آفرینی در فیلم «محوشدگی»

برنده جایزه بهترین بازیگر نقش

اول زن شد.

در سال ۲۰۱۰، «ناشناس» در سال ۲۰۱۱، «میزبان» در سال ۲۰۱۳ و «فرشته‌های نیکوتر» در سال ۲۰۱۴ و «مربلند» در سال ۲۰۱۵ از دیگر فیلم‌های وی است. کروگر در سال ۲۰۱۶ در چند فیلم بازی کرده است که مهم‌ترین آنها «نفوذی» ساخته بردفورمان است. این فیلم درام جنایی درباره یک مقام ایالات متحده است که افشا می‌کند طرح یک پولشویی بزرگ در پیش است و پابلو اسکوبار چهره بزرگ کلمبیایی در مواد مخدر در این کار دست دارد.

سرانجام در سال ۲۰۱۷ در هفتادمین جشنواره فیلم کن بخاطر نقش آفرینی در فیلم «محوشدگی» برنده جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن می‌شود.

«محوشدگی» یکی از فیلم‌های تحسین شده فاتح اکین کارگردان و فیلمنامه‌نویس آلمانی - ترکیه‌ای است. فیلم محصول کشور آلمان و به زبان آلمانی تهیه شده است. داستان فیلم در آلمان می‌گذرد و در میان جامعه ترک‌های ساکن هامبورگ در آلمان زنی می‌خواهد انتقام خانواده خود را بعد از انفجار بمب بگیرد. دیان کروگر نقش کاتیا یک زن آلمانی را ایفا می‌کند که همسر خارجی و پسر خود را در جریان بمب‌گذاری نئونازها از دست می‌دهد.

فیلم «محوشدگی» اولین ایفای نقش کروگر به زبان آلمانی است. «محوشدگی» دومین فیلم کروگر با موضوع نازیسم است. دیان در این باره می‌گوید:

دلیل این که من جذب «محوشدگی» شدم این بود که فیلم درباره نئونازی‌ها بود، اما مهم‌تر از آن این که فیلم درباره آدم‌هایی است که در پشت سر هستند و باید با از دست دادن



کروگر به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و در صداگذاری فیلم‌ها از صدای اصلی او استفاده می‌شود و برای شنونده اصلا قابل تشخیص نیست که زبان مادری او آلمانی است.

این بازیگر از سال ۲۰۰۲ که برای نخستین بار بر روی پرده سینما ظاهر شد تاکنون در ده‌ها فیلم سینمایی و تلویزیونی ایفای نقش کرده است و در کارنامه فعالیت‌های هنری‌اش چندین جایزه و نامزدی دریافت جایزه را ثبت کرده است. وی عضو هیئت داوران جشنواره کن سال ۲۰۱۲ و هم چنین عضو هیئت داوران جشنواره فیلم ونیز در سال ۲۰۱۵ بوده است.

یکی دیگر از نقش آفرینی‌های

موفق دیان کروگر در

فیلم «حرامزاده‌های لعنتی»

محصول سال ۲۰۰۹ به

کارگردانی کوییتین تارانتینو

است. این فیلم علاوه بر فروش

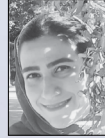
۳۰۰ میلیون دلاری در جشنواره

کن نیز برنده جایزه شد.

به نوعی شاعرانه است چون کاتیا می‌توانست به زندگی خود ادامه دهد و آن نئونازی‌ها هم همین‌طور. او یک قاتل نیست، «محو شدگی» عمق از دست دادن عزیزان، انتقام و ناتوانی از ادامه دادن را نشان می‌دهد.



تماته‌های آبدان



کالیاتوانگر
نویسنده

اسب سفید یال قشنگی آن سوی صیفی‌کاری‌های «آبدان»* در جست‌وخیز بود. دویدن در پی آن اسب و لمس یال‌هایش و سوسه‌ای در دلم به پا کرد. پدرم کنار لندرور داشت با کشاورزان صحبت می‌کرد. تلمبه‌ای نفس‌نفس‌زنان در انتهای صیفی‌کاری آب را با فشار بیرون می‌داد. قطره‌های آب زیر نور خورشید مثل دانه‌های الماس پرش می‌کردند. اسب به سمت تلمبه رهسپار شد، من هم یواشکی به آن سو روانه شدم.

دلم هوس آن قطرات آب را داشت، چون خورشید با اینکه بهار بود، داغ می‌تابید! اسب سفید یال قشنگ دهنه‌اش را به آبی که از تلمبه فواره می‌کرد، سپرد. من هم عکس خودم را در جوی آبی که همان نزدیکی روان شده بود، برانداز کردم. موهای صاف مشکی یک‌دستم از زیر روسری آبی بیرون‌زده بودند و در دست باد نوازش می‌شدند. تا بی‌نهایت روبرویم صیفی‌کاری سبز زمردین در زیر انوار طلایی خورشید می‌درخشید. بادی خنک در این گرما



به چشم‌هاش می‌افته، مهربون باشه.
 - چطوری نگاه کنم که مهربون باشه؟
 - تو مثل خوت* سیل* کن! اون خوش می‌فهمه که نکات مهربونه یا نه؟
 یال قشنگ چشم‌های میشی درشتی داشت. لحظه‌ای به صورتم خیره ماند. دست‌های خیسیم را جلو بردم. نجیبانه نگاهم می‌کرد و احتمالاً نگاه من را مهربان یافت که گذاشت راحت نوازشش کنم. خانه کوچک‌تر از من به نظر می‌رسید. نگاه کودکانه‌اش در پی سنجاقکی پریدن گرفت. دهانه اسب را گرفته بود و در امتداد بوته‌ها به سمت پدرم و کشاورزان برگشتیم.
 خانه اسب را به درختی بست و پدرم درحالی که داشت با یکی از کشاورزان - که بعداً متوجه شدم، پدر خانه است - صحبت می‌کرد؛ ناگهان رو به من بلند گفت: «جایی رو، برای ناهار خونه‌ی دوستم دعوتیم.»
 خانه گوشه‌ی پیراهن پدرش را کشید و پرسید: «بوآ...* خونه‌ی ما میان؟»
 - آره عزیزوم، با دوستت برین، خونه. دست و صورتتون رو بشویید. ما هم می‌اییم.
 خانه بسیار ساده‌ای بود. با چند تا حصیر و گلیم‌های کله‌اسبی که لبه‌شان روی هم قرار

غنیمت بود تا زنگوله‌های عرق همراه با قطرات آب را از صورتم پاک کند.
 تماشای* سرخ آبدان از لابه‌لای بوته‌ها به هر رهگذری سلام می‌کردند. من هم که گاهی فرصت می‌شده به همراه پدرم در سفرهای مأموریتی‌اش به این همه زیبایی سلام دهم. پدرم ارزیابی می‌کرد که کشاورزان چقدر کود و بذر نیازشان است؟ بین آن‌ها همه زیبایی فقط من بودم و یال قشنگ و خورشید!
 چند دانه‌ی عرق به داخل چشمم سر خوردند و کمی تار می‌دیدم. یک‌باره که به داخل آب نگاه کردم دیدم یک‌شکل دیگر شده‌ام!
 روسری‌ام آبی بود، اما پوست صورتم سبزه تند شده بود و موهایم فرفری!
 قلبم فروریخت؛ وقتی صدای دختری همسن و سال خودم را از پشت سرم شنیدم، تازه فهمیدم این عکس اوست. طرح لبخندش در آب می‌رقصید. او هم یک روسری آبی مثل من بود.
 یک سوت کشید و یال قشنگ سربلند کرد و به سمت دخترک آمد.
 به او گفتم: «می‌شه به یال‌هاش دست بکشم؟ لگدم نمی‌زنه؟ راستی اسمت چیه؟»
 - خانه. چرا نمی‌شه دست بزنی؟! باید نگات که



او و شوهرش خیلی آهسته با غضب چیزهایی می گفتند. آن قدر آهسته که فقط لب می زدند. دیگر یقین داشتیم که اتفاقی افتاده است.

مرد صاحبخانه با سینی چای به اتاق بازگشت. چای خوردن پدرم و صاحبخانه ساعتی طول کشید. شکمم به قاروقور افتاده بود.

تنها گرمای اجاقی از آشپزخانه بیرون می زد. بوی هامور که هیچ، اصلا بویی نبود.

صاحبخانه در گوش پدرم خیلی آرام پنج دقیقه ای صحبت کرد.

پدرم گفت: «خواهش می کنم... ما به شما زحمت دادیم... هر چه هست با هم می خوریم...»

سفره که پهن شد، نان محلی بود و خیار و تماته آبدان. کمی هم پنیر گذاشتند. زن از آشپزخانه بیرون آمد و به اتاق کناری رفت.

در این مسیر رو به من و پدرم هم سلامی گفت. اما سر سفره ننشست.

من ماهی هامور می خواستم. دست کم خرماپلو هم خوب بود.

می گرفت، فرش شده بود. دورتادور اتاق نشیمن پشتی هایی چیده بودند، در نقش ها و رنگ های مختلف.

حنانه به مادرش در آشپزخانه پیوست. از داخل اتاق نشیمن به آشپزخانه نیم نگاه می انداختم. من در جایی نشسته بودم که بی آنکه دیده شوم، می توانستم آشپزخانه را دید بزنم. دو قابلمه روی اجاق بخارشان بیرون می زد.

با خودم گفتم: «شاید لاخ لاخ پلو* باشه». از طعم «هامور»* خوشم می آمد.

حنانه دست خالی از آشپزخانه بیرون آمد. روبرویم کز کرد و نشست. در صورتش مظلومیت بود با چاشنی خجالت!

خیلی متعجب بودم. با خودم گفتم: «شاید زیاد هم راضی به آمدن ما نبودن.»

پدرم هم از راه رسید و به یکی از پشتی ها تکیه زد. مرد صاحبخانه وارد آشپزخانه شد تا چای بیاورد. مادر حنانه داشت گوشه ی لبش را می گزید و با پنجه هایش به صورتش می زد!

چند دانه ی عرق به داخل چشمم

سر خوردند و کمی تار می دیدم.

یک باره که به داخل آب نگاه کردم

دیدم یک شکل دیگر شده ام!



دست و پایم یخ کرد. برگشتم خانه را جستوجو کنم. از پنجره‌ی باز اتاق، خانه را دیدم که لابه‌لای سبزی‌های زمردین با یال قشنگ مشغول جست‌و‌خیز بود. سه تا تمانه از سفره قاپ رفتم، یکی برای خودم، یکی برای خانه و دیگری برای یال قشنگ.

توضیح:

ابن‌ان: شهری از توابع شهرستان دیر

تمانه: گوجه

خوست: به گویش بوشهری یعنی خودت

سیل کردن: به گویش بوشهری یعنی نگاه کردن

بوآ: به گویش بوشهری یعنی بابا

لاخ لاخ پلوه: غذایی که با ماهی «هامور» پخته می‌شد و حالتی شبیه دمیختک داشت.

شهرهای اطراف «مچوس» هم می‌گفتند.

هامور: یک نوع ماهی خلیج فارس

توی دلم گفتم: «چرا این چیزا رو توی سفره‌شون گذاشتن؟! مگه صبحانه‌س؟» پدرم که از مبهوتی‌ام چیزهایی فهمیده بود، محکم به پهلویم زد. گییج‌ووویج شده بودم. فقط متوجه شدم که باید زبان به کام بگیرم و سوآلی نپرسم. حنانه هم فرزند آمد و خودش را در اطراف سفره جا داد. پدرم گفت: «بسم‌ال...»

چند لقمه‌ای خوردیم و بلند شدیم. مرد، پدرم را به داخل آشپزخانه صدا زد. از قابلمه‌ها همچنان بخار بلند می‌شد.

یکی‌یکی در قابلمه‌ها را برداشت. آهسته به پدرم گفت: «الانه هیچ چیز توی دست و بالمون نیس، مهندس! منتظر فروش برداشتمون هسیم تا آخر هفته. زنوم پیش پای شما، دو تا قابلمه آب گذاشت، روی اجاق تا شما خیال کنین، غذا در منزل داریم؛ ولی من چون دیدوم شما از خومونید، اصل ماجرا را گوافتیم و با همان نان و پنیر که این چندروزه خومون سر کردیمه، از شما پذیرایی کردوم.»





الهه فابریکی اورنگ
نویسنده و پژوهشگر
اقتصادی

زنانی که خود را به خوبی باور کردند...

اگر به این باور برسید که

در زندگی خود ماموریتی

خاص برای انجام دادن

دارید، بدانید که موثرترین

و مهم‌ترین گام را در جهت

موفقیت و پیشرفت خود

برداشته‌اید.

است با بکارگیری آنها گام‌های مؤثری را در زندگی خود بردارد، مطرح می‌شود. هرچند که معتقدم شاید خیلی از شما نیز تاکنون به برخی از تشابهات و تناقض‌های مشابه آن دست یافته‌اید.

شریل ساندبرگ، یک سؤال را برای خود برای همیشه در ذهن نهفته دارد و آن اینک: «مردها همه چی دارند، چرا ما نداشته باشیم؟»

این پرسش یکی از اساسی‌ترین اهرم‌ها در گام‌های رو به جلوی او در دنیای تعامل و تجارت محسوب می‌شود. و مشهود آن، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که یک بانو و یک زن در تنگنای مشکلات به مراحل سخت روحی و فکری برخورد می‌کند.

شریل ساندبرگ، شخص دوم فیسبوک، مادر دو فرزند و نویسنده کتاب «همگی به پیش»، در این اثر نوشتاری خود، همگی بانوان را به دستیابی به موفقیت بدون احساس گناه با تأکید بر داشتن شغف و اشتیاق در عمل در مسیر انتخابی، تشویق می‌کند. وی معتقد است که می‌توان بدون آنکه یک آدم فضایی به نظر رسید نیز موفق شد، چرا که اکثر

سال گذشته بر روی یکی از کتاب‌هایی کار می‌کردم که در آن با محور قراردادن زندگی اپرا وینفری، اولین بانوی تاجر میلیاردر سیاهپوست آمریکایی، توصیه‌های کاربردی برای موفقیت در کارآفرینی بانوان را شرح داده بود. برایم جالب بود وقتی که با مطالعه صفحه به صفحه‌ی آن به شباهت بیش‌از‌حد آن دیدگاه‌ها به باورهای دست یافته خودم پی می‌بردم. اپرا وینفری، در کنار فعالیت‌های تجاری مؤثر در جامعه اقتصادی، یک مجری توانمند تلویزیونی نیز می‌باشد. وی معمولاً قبل از ضبط هر یک از برنامه‌هایش، بدون توجه به مهمان یا موضوع برنامه، در آسانسوری که او را به استودیوی ضبط می‌رساند حدود یک دقیقه، خود را حبس می‌کند و در این یک دقیقه تنهایی، همواره در حال این پرسش اساسی از خود است: «چگونه می‌توانم مفید باشم؟» در کنار اپرا، یکی از زنان معرفی شده در زیرمجموعه زنان موفق در عرصه تجارت جهان در همین کتاب، شریل ساندبرگ بود که علیرغم وجود مشکلات، توانسته است قسمت اعظمی از توانایی‌های بالقوه خود را به صورت بالفعل درآورد. ساندبرگ ۴۱ ساله، رییس اجرایی شرکت فیسبوک، فردی که همواره در مسیر موفقیت و پیشرفت قرارداد و نمونه‌ای از زنان الهام‌بخش در جهان تجارت و تکنولوژی محسوب می‌شود.

وی فردی است که تمایز او از جهت علاقه شدید به شبکه‌سازی بازاری در نوع خود کم‌نظیر است و بی‌شک، همین موضوع، موفقیت او را در رأس بزرگترین شبکه اجتماعی جهان پس از گوگل توضیح می‌دهد.

در ادامه برشی از دیدگاه‌های او را که توانسته





ما، از خود می‌پرسیم که یک موجود فضایی چه شکلی است؟ و بر همین پیش‌زمینه ذهنی دردنیای تفکر ملموس نیز، غالباً دستیابی به موفقیت‌های بزرگ را تقریباً نشدنی و یا امری خارق‌العاده که تنها مختص افراد خاصی در جهان است، می‌دانیم. این درحالیست که با نگاهی به زندگی بانوان موفق همچون شریل، می‌توان مشاهده کرد که هیچ موفقیتی، دست نیافتنی و فضایی نیست.

این بانوی تاجر با دارا بودن حقوق سالانه ۳۰ میلیون دلاری به همراه سهامداری سایر بخش‌های تجاری در سطح جهانی، امروزه به یکی از میلیاردرهای زن موفق در جهان تبدیل شده است و روزنامه تایم «TIME» از او به عنوان یکی از ۱۰۰ شخصیت برتر بانوان جهان نام برده است.

شریل ساندبرگ، در همان کتاب پرفروش خود با نام «همگی به پیش» کاملاً محکم و متقن اشاره می‌کند در مسیر زندگی و تجارت، با وجود داشتن دو فرزند، اما رسیدگی به امورات و تربیت آنها مسائل و مشکلات خاصی را برایش به وجود نیاورده است که حتی تا حدود زیادی همین حس مادرانه به او کمک کرده در بسیاری از روزها با صورتی خندان و بشاش سر کار حاضر شود و پر از حس توانستن پیش برود.

یکی از برجسته‌ترین چالش‌های او اثبات این نکته است که بله می‌توان موفق شد؛ بدون اینکه هیولا! بود.

شریل همواره تعریف می‌کند از روزگاری که او را رشد داد و بزرگ کرد و قضاوت‌های مردمی که او را نابجا کوبیدند آن هم تنها به جرم موفق شدن! او در جایی اشاره می‌کند: در برهه‌ای از زمان، حتی خواهر و برادرهایم رهبر بودن و پیشرو بودن را به سخره می‌گرفتند، در این میان نیز، حرف‌های خسونت‌آمیز زیادی از زبان مردم مختلفی علیه من زده می‌شد، بالاخص زمانی که تأکید می‌کردم که آینده هر انسانی در دستان خودش است و این حق همه انسانهاست که بخواهند به قله‌ها دست یابند. درست در این زمان بود که حمله‌ها بیشتر می‌شد! شریل تأکید دارد: «حقیقت این است که در دنیای امروز در یک شغل ثابت، مرد موفق برای

و یا نمونه دیگر؛ استعفاى آن ماری اسلایتر، مشاور هیولاری کلیتون زمانی مطرح شد که وی معتقد بود، بانوان امکان این را ندارند که همزمان هم به مانند «جایگاه آقایان در شرکت» کار کنند و در عین حال نیز «خودشان به عنوان یک بانو» زندگی کنند. تکیه بر همین دیدگاه بود که او را ملزم به استعفا نمود.

شریل با اشاره مثال‌های مشابه همواره تأکید می‌کند که در تلاش است تا بتواند باری از دوش بانوان جهان که از درون خود به باورهای بزرگی رسیده‌اند، بردارد.

به عنوان مثال ماریسا مایر، همکار قدیمی شریل در گوگل که در حال حاضر مدیر شرکت یاهو است، بانوی توانمندی است که درست بعد از دوهفته از زایمانش به سرکار برگشت. او نمونه‌ای از افرادی است که توانست و شد.

البته بیان این مثال، دلیلی بر آن نیست که به بانوان گفته شود که به مانند او عمل کنند، بلکه هدف بیان این نکته است که همه چیز امکان دارد و شدنی است. با تکیه بر قدرتی که در بانوان مشهود است، تمامی زنان، قدرت مدیر شدن را دارند، که برای موفقیت در مسیر دستیابی به آن، تنها باید دست از ترسیدن و قضاوت شدن برداشته و در این مسیر از اینکه مادر و یا بانوی بدی به نظر برسند (در نظر دیگران) و یا حتی از اینکه در همه چیز کاملاً موفق شوند یا نشوند، نیز واهمه‌ای نداشته باشند.

شریل بانویی است که خود نیز شرایط سختی را پشت سر گذاشته است؛ روزهایی که با گریه سر کار می‌رفته و مشکلات زیادی داشته، ولی او معتقد است همراهی همسرش در این مسیر زندگی کمک زیادی به او داشته است.

او در جایی اشاره می‌کند: پس از ماه‌ها چالش و مباحثه بالاخره با ایجاد نوعی تعادل در زندگی خود همراه با مبارزات سخت موفق شدم برای زندگی مشترکمان سهمی مساوی از وظایف با همسرم دیوید گلدبرگ (که او هم مدیر عمومی یک شرکت آمار است)، ایجاد کنم و همین موقعیت آغاز مساوات در زندگی زناشویی ما شد تا جایی که رسیدگی به تربیت فرزندان ۵ و ۷ ساله مان نیز در شرایط ۵۰ / ۵۰ صورت می‌گرفت.

به نظر همسر او، آنها قهرمانانی هستند که تا

همه عزیز است در حالی که یک بانو در همان جایگاه چنین شرایطی ندارد. بانوان ارتباط روشن و واضحی با قدرت ندارند.»

او تنهاترین آرزوی خود را کاستن فشاری که بر دوش تمام زنان دنیا وجود دارد، می‌داند و بر این باور است که به سهم خود خواهد توانست در تحقق آن سهم مؤثری داشته باشد.

چرا این همه تعصب نسبت به بانوان

موفق؟

پاسخ اینجاست که همیشه، ما زنان فکر می‌کنیم که نمی‌توانیم همه چیز را اعم از زندگی شاد، همسر خوب، شغل خوب و... کنار هم داشته باشیم ولی مردان می‌توانند همه آنها را داشته باشند. اینجاست که باید از خودمان بپرسیم، پس چرا ما نداشته باشیم؟ قطعاً در جستجوی «همه چیز داشتن» محدودیت‌هایی نیز وجود دارد، مانند آن بانویی که به عنوان مادر و در عین حال رئیس یک شرکت، برای جلوگیری از اتلاف زمان خود در روز کاری بعد، در زمان خواب فرزندان، لباس‌هایی که باید برای فردا می‌پوشیدند را بر تن آنها می‌کرد و آنها را می‌خواباند.



مارک زاکبرگر (مؤسس فیسبوک)، معتقد است: «اگر ما بخواهیم به همه لطف کنیم، هرگز پیشرفت نخواهیم کرد». در حالی که این نمود در جامعه ما زنان اینگونه معنی می‌شود که اغلب ما بانوان از قرار گرفتن در پست‌های بالاتر واهمه داریم، چرا که قادر به لطف کردن به همه نیستیم. در جوامع دنیا و ارتباطات میان انسان‌ها، به طور معمول قبل از هر چیزی از خانم‌ها انتظار می‌رود که مهربان باشند. مشکل این است که، وقتی او مهربان است، او را با استعداد نمی‌پندارند و وقتی او با استعداد است، یعنی مهربان نیست و این به معنای چوب دو سر باخت است!

شریل و سایر زنان موفق در سراسر جهان که خود مسیر سختی را در رسیدن به اهداف خود پیموده‌اند، به این باور رسیده‌اند که این تلاش‌ها و اثرهای نگاشته شده در حقوق زنان دنیا، می‌تواند کمک‌حال نگرش حال و آینده بانوان و نیز آقایان باشد. و هرچه زنان بیشتری در مقام ریاست باشند، بیشتر به این کار پی خواهیم برد که آنها هیولا نیستند. به طور مثال برای هر کلام از ما بارها پیش آمده که سرکار گریه کنیم، همواره از بچه‌ها خبر بگیریم، زود به خانه برمی‌گردیم، جلسات کاری دیر وقت برگزار نکنیم و... البته آقایان نیز از این موضوع استفاده می‌کنند! آنها نیز باید این آزادی را داشته باشند که کار خود را در مواقع لزوم روحی متوقف کنند.

این مسائل شاید به نوعی یک کشمکش سخت در زندگی همه ماست. گاهی برایمان پیش می‌آید کلافه می‌شویم و... ولی وقتی به هدف می‌اندیشیم که در آن آزادی و مساوات بیشتر، باعث می‌شود جهانی آرام‌تر برای همه وجود داشته باشد، شغف و اشتیاق حرکت بیشتری شود.

و در کلام آخر:

اگر از من بپرسند که «اگر نمی‌ترسیدید رئیس جمهور شوید، چه می‌کردید؟»
من کتابی خواهم نوشت که با افتخار به بانو بودنم، در آن جرأت خواهم کرد که به بانوان بگویم: «به پیش بروید! بگذارید روزنامه‌نگاران هر چه دوست دارند بگویند.»

پاسخ شما به این سؤال چه خواهد بود؟

حدود زیادی توانسته‌اند به خوبی از پس کارهای زندگی مشترک و اجتماعی خود برآیند.

تجربه زندگی زنان و مردان در سراسر تاریخ بشر ثابت کرده است که زوج‌های مساوات‌طلب در تمامی زمینه‌ها تفاهم بهتر و بیشتری دارند. شریل تأکید می‌کند، به عنوان مثال، مردی که طرف‌ها را می‌شوید، عاشق‌تر است و از این روست که یک فصل تمام از کتابش را به «انتخاب مردی که می‌خواهیم شریک زندگی‌مان باشد» اختصاص داده است.

اگر زنی در طلب موفقیت باشد، اولین گام، یافتن شریکیست که او نیز پیشرفت طرف مقابلش را بخواهد. پس وقتی می‌خواهید پدر آینده فرزندانتان را انتخاب کنید، سعی کنید مهربان‌ترین فردی را انتخاب کنید که در این مسیر یاری‌گر شما باشد! تا خانواده در صلح و آرامش زندگی کند.

تقریباً همه بانوان دوست دارند که عالی باشند و عالی به نظر برسند و این در حالیست که غالب جوامع جهان علیه آنان است. نمونه‌های مشهور آن، زنان کارمندی است که بیش از پیش کار می‌کنند. (۶۲ درصد بانوان آمریکایی بیش از ۵۰ ساعت در هفته کار می‌کنند و مادرانی که وقت زیادی را صرف بچه‌هایشان می‌کنند، عنوانی که جامعه‌شناسان از آن به «مادرهای پر طاقت» تعبیر می‌کنند)

ابتدائی‌ترین اصل اینست که بانوان می‌بایست با خود مهربان‌تر باشند. عدم اعتماد به نفس بانوان نسبت به خودشان آن چیزی است که شریل را بسیار خشمگین می‌کند. متأسفانه، در موارد زیادی مشاهده می‌شود که بانوان جرأت بر سر میز نشستن و مذاکره کردن را در خود نمی‌بینند، حتی در مواردی نیز قادر به درخواست افزایش حقوق خود نیز نیستند. چرا که آنها همواره احساس فریب‌خوردگی می‌کنند یا اینکه در موقعیت‌های زیادی موفقیت خود را وابسته دیگران می‌دانند، در حالی که مردان در چنین موقعیت‌هایی بسیار مغرور بوده و باور به نابغه بودن خود دارند. هرچند که این موضوع کمی کلیشه‌ای به نظر می‌رسد ولی در اکثر موارد عین حقیقت است و البته این یک مسئله‌ی تربیتی است و تمام دخترچه‌ها با این موضوع روبرو شده‌اند که «مهربان باش!» ولی اکثر بانوان در برابر این ایده که مهربان نباشند، از ترس به خود لرزیده‌اند.



لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب

هما مهری

لایحه «حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» به پیشنهاد قوه قضائیه در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۴۰۲ به دولت ارسال شد. دولت این لایحه را که دارای ۱۵ ماده و ۱۱ تبصره است در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ برای تصویب به مجلس تقدیم کرد. قوه قضائیه در نشست شورای عالی قضایی اعلام کرد که لایحه در ۹ ماده به دولت ارسال شده و دولت با توجه به اختیارات، آن را در ۱۵ ماده به مجلس تقدیم کرده است. در همین موضوع، نظر به نقدهای فراوانی که در باره این لایحه در جامعه مطرح شد، خبرگزاری میزان با اعلام جدولی تفاوت دو لایحه را (به تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۱) در معرض دید عموم قرار داد.

نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس نیز بیان کرد که لایحه دارای ایرادات متعدد است.

یادآور می‌شود که قبلاً نیز قوانینی در باره مجازات بیحجابی در قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۲۸) و مصوبه «راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف» (۱۳۸۴/۰۵/۰۴) در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و اجرایی شده است. قانون‌گذار در این لایحه مجازات‌های جدیدی را تحت عنوان محرومیت‌های اجتماعی مانند: ایجاد دوره‌های مراقبتی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، محرومیت‌های استخدامی و انتظامی، اقامت اجباری، ممنوعیت خروج از کشور و... به مدت محدود را پیش‌بینی کرده است.

قابل ذکر است که برخی از متولیان امور ادعا کرده‌اند که متن درج شده لایحه در فضای مجازی و رسانه‌ای صحیح نیست. ازین رو برداشت متن لایحه در نشریه از خبرگزاری قوه قضائیه میزان استخراج شده است.

این لایحه به علت تبعات حاصل از تصویب و اجرای آن، مورد پذیرش عرف و جامعه نیست لذا ضرورت بازنگری، اصلاح و حذف بخشی از مواد آن پیش‌بینی می‌شود.

خوانندگان عزیز را به مطالعه و بررسی این لایحه دعوت می‌کنیم.



مقدمه توجیهی

می‌شوند مکلفند نسبت به اشخاصی که در ملاً عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی اقدام به نقض هنجارهای اجتماعی از جمله کشف حجاب می‌نمایند در مرتبه اول و از طرق مقتضی و با استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوشمند نظیر ارسال پیامک تذکر دهند.

در صورت تکرار در مرتبه دوم مرتکب معادل یک ششم حداکثر جزای نقدی درجه هشت و در مرتبه سوم معادل یک سوم حداکثر جزای نقدی درجه هشت، توسط فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون جهت اختصار فراجا نامیده می‌شود از طرق فوق‌الذکر جریمه خواهد شد. در صورتی که عمل فوق برای مرتبه چهارم و بیشتر تکرار شود علاوه بر اعمال جریمه‌ای معادل یک دوم جزای نقدی درجه هشت، مرتکب به مرجع

نظر به اهمیت رعایت هنجارهای اجتماعی در حفظ سلامت جامعه و لزوم حفظ کرامت منزلت و امنیت اخلاقی افراد به ویژه بانوان و جایگاه رفیع و والایی زن در نظام اسلامی و نقش بنیادین وی در تحکیم خانواده و رشد جوامع و با توجه به آسیب‌هایی که نادیده گرفتن این هنجارها به جامعه وارد می‌نماید و همچنین وظیفه حاکمیت و عموم مردم برای تحقق این هنجارها و سلامت جامعه لایحه زیر برای انجام تشریفات قانونی مربوط تقدیم می‌شود.

ماده ۱

الف- مأمورین فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که ضابط قوه قضایی محسوب



قضایی معرفی و به جزای نقدی درجه هفت محکوم خواهد شد.

ب- در صورت برهنگی بخشی از بدن و یا پوشیدن لباس‌های نازک بدن‌نما و یا چسبان در ملاء عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی مرتکب مطابق ترتیبات مقرر در بند (الف) در مرتبه اول مشمول جریمه‌های معادل حداکثر جزای نقدی درجه هفت خواهد شد. در صورت تکرار علاوه بر جریمه فوق، مرتکب به مرجع قضایی معرفی و به حداکثر جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش محکوم خواهد شد.

ج- اشخاصی که در ملاء عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی اقدام به برهنگی کامل بدن نمایند یا با پوششی ظاهر شوند که عرفاً برهنگی کامل محسوب می‌شود به حداکثر یا جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- چنانچه رفتار موضوع این ماده توسط راننده وسیله نقلیه یا سرنشینان آن انجام شود علاوه بر جریمه و مجازات‌های مقرر در این ماده پس از اخطار توقیف به ترتیب مذکور در این ماده تا دو مرتبه، در مرتبه سوم وسیله نقلیه وی به مدت هفت روز مشمول منع تردد قرار می‌گیرد و در هر شبانه‌روز به جریمه نقدی یک میلیون تومان و در مرتبه چهارم به بعد علاوه بر جریمه نقدی مزبور، وسیله نقلیه به مدت ده روز توقیف خواهد شد. هرگونه نقل و انتقال وسایل نقلیه منوط به پرداخت این جریمه می‌باشد.

متصدیان حمل و نقل عمومی مکلف به نظارت بر اجرای حکم این تبصره نسبت به ناوگان زیر نظر خود خواهند بود و در صورت تخلف در مرتبه اول مشمول جریمه‌های معادل حداکثر جزای نقدی درجه هفت و در صورت تکرار علاوه بر جریمه مزبور از کلیه امتیازات تخفیفات و معافیت‌های اعطایی از جمله معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌های دولتی در ارائه خدمات عمومی محروم خواهند شد.

تبصره ۲- در صورتی که مرتکب ظرف یک ماه پس از ابلاغ مبلغ جریمه از پرداخت آن

خودداری کند، ضمن دو برابر شدن، مراتب را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند تا از طریق حساب بانکی فرد متخلف، مبلغ جریمه وصول و نتیجه به وی اعلام شود در صورتی که به هر دلیل امکان وصول جریمه وجود نداشته باشد کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از ارائه هرگونه خدمات بانکی و اعتباری از جمله صدور و یا تمدید کارت بانکی تا زمان پرداخت جریمه مزبور ممنوع می‌باشند.

تبصره ۳- فراجا موظف است به منظور ارسال اخطار و تذکر از طرق مقتضی از جمله ارسال پیامک و همچنین صدور جریمه، سامانه لازم را ایجاد نماید به نحوی که مراتب اخطارها و تذکرات صادره



تبصره ۵- چنانچه مرتکب پس از ابلاغ تذکر یا جریمه در مهلت اعتراض و یا رسیدگی به آن یا ظرف یک هفته پس از ابلاغ نتیجه اعتراض از طریق سامانه، متعهد به عدم تکرار تخلف شود فقط برای یک بار تذکر و جریمه ابلاغی برای مدت شش ماه تعلیق خواهد شد. در صورت نقض تعهد علاوه بر جرایم تعلیق شده جریمه مرتبه بعد نیز اعمال می‌شود.

ماده ۲

در صورت ارتکاب اعمال موضوع بند (الف) ماده (۱) این قانون در دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم پنج‌ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از سوی کارکنان آن دستگاه و از سوی اشخاصی که در مراکز آموزشی یا پژوهشی اعم از دولتی یا غیر دولتی مشغول تدریس یا به نحوی در آن مراکز شاغل هستند مراتب از طریق واحدهای نظارتی مانند حراست‌ها یا بازرسی‌ها به مرتکب تذکر داده می‌شود. در صورت تکرار در مرتبه دوم مرتکب حسب مورد توسط هیئت رسیدگی به تخلفات اداری یا مراجع انتظامی یا انضباطی به کسر یک پنجم حقوق و مزایا به مدت یک ماه تا سه ماه و در مرتبه سوم به کسر یک‌سوم حقوق و مزایا به مدت دو تا شش ماه و لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی از جمله سهمیه‌های پیش‌بینی شده محکوم می‌شود و در مرتبه چهارم حسب مورد به انفصال یا محرومیت از اشتغال به مدت دو تا شش ماه محکوم و برای تعقیب کیفری به مرجع قضایی صالح معرفی خواهد شد. حکم این ماده نافی تبصره (۲) ماده (۲) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند -مصوب ۱۳۶۵- نمی‌باشد.

تبصره ۱- رعایت مقررات این ماده برای مراجعان به دستگاه‌های مذکور الزامی است و ارائه خدمات اداری به آنان حسب مورد در دستگاه‌های مذکور منوط به رعایت مقررات این قانون خواهد بود. تبصره ۲- مسئولان و مدیران دستگاه‌های



مستندات تخلف و گزارش‌دهی و گزارش‌گیری در آن قابل بارگذاری بوده و دسترسی آن برای مرتکبان و افراد و مراجع ذربط فراهم باشد.

تبصره ۴- اشخاص معترض می‌توانند طرف ده روز از تاریخ دریافت پیامک تذکر یا ابلاغ جریمه در سامانه مذکور اعتراض خود را ثبت و اعلام نمایند. اعتراض در هیئتی مرکب از یک قاضی به انتخاب رییس قوه قضاییه و نماینده وزارت کشور و فراجا در حوزه قضایی شهرستان رسیدگی و ظرف حداکثر دو ماه رأی مقتضی از سوی قاضی هیئت صادر می‌گردد. رأی صادره قطعی و به معترض ابلاغ می‌گردد. جرایم پس از قطعیت رأی وصول می‌شود.



ماده ۴

هرگاه اشخاصی که به واسطه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری یا ورزشی دارای شهرت و تأثیرگذاری اجتماعی هستند مرتکب رفتارهای موضوع این قانون شوند، علاوه بر اعمال جرمیه موضوع ماده (۱) این قانون و لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی، با حکم مرجع قضایی به محرومیت از فعالیت حرفه‌ای و فعالیت در فضای مجازی به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. چنانچه اقدامات تنبیهی موضوع این ماده منجر به تغییر و اصلاح رفتار مرتکب نشود با حکم مرجع قضایی علاوه بر محرومیت‌های موضوع این ماده به مجازات درجه شش محکوم می‌شوند.

ماده ۵- اشخاصی که به صورت سازمان یافته یا با تبانی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانگان، مرتکب رفتارهای موضوع این قانون شوند چنانچه مشمول مجازات شدیدتری نباشند در همان مرتبه نخست علاوه بر ممنوعیت خروج از کشور به مدت دو سال و متناسب با جرم ارتكابی و شرایط و وضعیت مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات‌های موضوع ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی و حبس درجه پنج محکوم می‌شوند.

تبصره- ضابطان دادگستری چنانچه براساس قرائن و شواهد مرتکب را در ارتباط با جریانات سازمان یافته یا مرتبط با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه بدانند موضوع را همراه با قرائن و شواهد کسب شده و اخذ نظر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور که طبق قانون وظیفه شناسایی این امور را بر عهده دارند به مراجع قضایی ارسال خواهند کرد.

ماده ۶

اشخاصی که در فضای مجازی مبادرت به تبلیغ علیه حجاب کنند، فرجا در مرتبه اول علاوه بر حذف صفحه یا صفحات مجازی یا پایگاه اطلاع رسانی به آنان تذکر می‌دهد چنانچه مرتکب به فعالیت خود ادامه دهد در مرتبه دوم فرجا علاوه بر حذف صفحه یا صفحات مجازی یا پایگاه اطلاع رسانی و محرومیت از هرگونه فعالیت در فضای مجازی به مدت سه ماه تا شش ماه وی

موضوع این ماده موظفند ضمن اعمال نظارت جهت اجرای این قانون در حوزه مدیریتی خود اقدامات لازم را از قبیل تبلیغات محیطی و تذکری به نحوی که منجر به اجرای قانون گردد، معمول دارند. عدم انجام این تکالیف موجب محکومیت مرتکب در مرتبه اول به تذکر کتبی و درج در پرونده و در مرتبه‌های بعدی به محرومیت از تصدی در سمت‌های مدیریتی به مدت شش ماه یک سال در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا انتظامی خواهد شد.

ماده ۳

چنانچه هر یک از صاحبان مدیران و متصدیان حرف صنوف و اماکن عمومی اعم از دولتی و غیردولتی از قبیل فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، سینماها و اماکن ورزشی تفریحی و هنری در محل فعالیت شغلی خود مرتکب رفتار موضوع ماده (۱) این قانون شوند علاوه بر جرایم و مجازات‌های مقرر در مرتبه اول اخطار تعطیلی دریافت نموده و در مرتبه دوم تا یک هفته و در مرتبه سوم تا دو هفته اماکن یا واحد مربوط توسط ضابطین فرجا و یا حسب مقررات صنفی توسط مرجع ذیصلاح تعطیل می‌شوند و تا یکسال از کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی از جمله معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌های دولتی در ارائه خدمات عمومی محروم خواهند شد. تبصره- صاحبان مدیران و متصدیان واحدهای مذکور مکلفند به منظور پیشگیری از ارتکاب رفتارهای موضوع ماده (۱) این قانون توسط مراجعان و مشتریان اقدامات لازم را از قبیل نصب تابلو و تذکر و جلوگیری از ورود معمول دارند. چنانچه از انجام این اقدامات خودداری کرده و واحدهای مذکور به محل تجمع افراد بی‌حجاب و یا اقدامات خلاف شرع دیگر تبدیل شوند و یا اقدامات تنبیهی موضوع این ماده منجر به اصلاح وضع واحدهای مذکور نشود، فرجا موظف است از طریق دستگاه‌های صادر کننده پروانه یا مجوز نسبت به ابطال پروانه یا مجوز آنها اقدام نماید و مرتکب را جهت اعمال مجازات درجه چهار به مرجع قضایی معرفی کند. افراد مذکور از دریافت پروانه یا مجوز فعالیت در صنف و حوزه مرتبط با فعالیت قبلی محروم می‌گردند.



مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲ - متناسب با جرم و خصوصیات مرتکب محکوم خواهند شد.

ماده ۸

هیچ کس حق ندارد تحت عنوان امر به معروف و یا نهی از منکر نسبت به بانوانی که حجاب شرعی را رعایت نکرده‌اند، مرتکب اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، تهدید و یا ضرب و جرح و یا نقض حریم خصوصی آنان شود و در صورت ارتکاب، مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

ماده ۹

واردات تولید و توزیع عمده لباس‌هایی که استفاده از آنها در انتظار عمومی معایر و منافی عفت عمومی است ممنوع بوده و فراجا موظف است ضمن توقیف لباس‌های مذکور نسبت به تعطیلی اماکن تولیدی

را معادل حداکثر جزای نقدی درجه پنج جریمه میکند و در مرتبه سوم به بعد علاوه بر اعمال جریمه و محرومیت مرتبه دوم مرتکب به مراجع قضایی معرفی می‌شود و علاوه بر حذف صفحه یا صفحات مجازی یا پایگاه اطلاع‌رسانی به یکی از مجازات‌های حبس یا جزای نقدی درجه شش و محرومیت از فعالیت در فضای مجازی به مدت یک تا دو سال محکوم می‌شود. در صورت عدم امکان محرومیت از فعالیت در فضای مجازی، مجازات جزای نقدی وی یک درجه تشدید می‌گردد.

ماده ۷

اشخاصی که به هر نحو متعرض پوشش بانوان محجبه شوند و یا با الفاظ و اعمال مغایر شئون و حیثیت در فضای واقعی یا مجازی به حجاب یا افراد محجبه به جهت رعایت حجاب توهین نمایند، علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۶۱۹) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به جزای نقدی درجه پنج و یک یا دو مورد از مجازات‌های مذکور در ماده (۲۳) قانون





به حسن اجرای این قانون به صورت مستمر نظارت و با متخلفین برابر مقررات برخورد نمایند.

ماده ۱۲

کلیه ضابطین و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی مکلف به همکاری با فراجا در شناسایی و ارایه مستندات مربوط به مرتکبین موضوع این قانون می‌باشند.

ماده ۱۳

برای اجرای صحیح این قانون، فراجا موظف است نسبت به آموزش و بکارگیری نیروهای مورد اطمینان و مجرب اقدام و گزارش اقدامات خود را هر شش ماه یک بار به رؤسای قوای سه‌گانه ارائه کند.

تبصره - فراجا موظف است علاوه بر رعایت شرایط موضوع ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی

و توزیعی مربوط اقدام و مرتکب را جهت اعمال مجازات موضوع بندهای (۴) و (۵) ماده (۲) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند - مصوب ۱۳۶۵- و همچنین لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی به مرجع قضایی معرفی کند.

ماده ۱۰

اقدامات فراجا در اجرای مقررات این قانون مطابق تبصره (۵) ماده (۱) این قانون قابل اعتراض خواهد بود.

ماده ۱۱

دادستان‌های حوزه قضایی مربوط موظفند در اجرای وظایف نظارتی خود مندرج در قانون آیین دادرسی و یا سایر قوانین مربوط بر ضابطان نسبت

مردمی و نظارت دادستان‌ها و تذکر به کارکنان ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری، معاونت حقوقی رئیس جمهور و فراجا تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره- منابع حاصل از اجرای این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و صرفاً بر اساس قانون بودجه سالانه جهت رفع آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق، ساماندهی کودکان کار و زنان سرپرست خانوار نیازمند و همچنین تأمین تجهیزات و سامانه‌های مربوط اختصاص خواهد یافت.

کیفری، آموزش‌های ویژه‌ای را برای مأموران اجرای این قانون معمول دارد.

ماده ۱۴

مرجع قضایی ذیصلاح جهت رسیدگی به جرایم موضوع این قانون دادسرا و دادگاه مرکز استان می‌باشد.

ماده ۱۵

آیین‌نامه اجرایی این قانون از جمله چگونگی ارسال اخطار و تذکر ابلاغ توقیف الکترونیکی، دسترسی افراد به سامانه توقیف حساب بانکی، اعتراض به جرایم انتظامی و رسیدگی به آن مصادیق پوشاک ممنوعه و عمده و غیر عمده آن، نحوه گزارش‌دهی



شاه چارلز و ارث سلطنت الیزابت



ملکه الیزابت دوم ملکه حاکم بر پادشاهی بریتانیا در ۹۶ سالگی درگذشت. ملکه بریتانیا حاکم کشورهای مشترک المنافع نیز بود. ملکه الیزابت دوم هفت دهه بر تخت سلطنت تکیه زد و بالاترین مقام در شبه جزیره بریتانیا به شمار می‌رفت. او به عنوان شخص اول مملکت، جمعا ۱۵ نخست وزیر انگلیس را ملاقات کرد که آخرین دیدار، مورد انتصاب لیز تراس به عنوان نخست وزیر بود.

ملکه الیزابت در ۲۱ آوریل ۱۹۲۶ به عنوان شاهدخت الیزابت یورک متولد شد. در سال ۱۹۵۲ در حالی که ۲۵ سال سن داشت بر تخت پادشاهی بریتانیا نشست. عمر ملکه الیزابت در ۸ سپتامبر

۲۰۲۲ در سن ۹۶ سالگی در کاخ بالمورال پایان یافت. وی طولانی‌ترین دوران پادشاهی در بریتانیا را به مدت ۷۰ سال به نام خود ثبت کرد. با برنامه اعلام شده کاخ باکینگهام، جسد ملکه در کلیسای وست مینستر پس از ۱۰ روز انجام مراسم ویژه به خاک سپرده شد.

ملکه الیزابت دوم در طول دوران سلطنت خود شاهد تغییرات اجتماعی عظیمی بود. او طی جنگ جهانی دوم خدمت کرد و ضمن همکاری با ۱۵ نخست وزیر در انگلستان با ۱۳ رئیس جمهور از ۱۴ رئیس جمهور امریکا ملاقات کرد. مرگ ملکه الیزابت با واکنش‌های داخلی و خارجی همراه بود. رسانه‌ها این رویداد را شوک بزرگی برای مردم این کشور و جهان خواندند. پرچم انگلیس در کاخ باکینگهام به حالت نیمه بر افراشته درآمد. با مرگ ملکه پسر ارشد او چارلز سوم تاج و تخت بریتانیا را در اختیار گرفت و علاوه بر انگلستان، پادشاه ۱۴ کشور مشترک المنافع نیز می‌باشد.

ملکه جدید انگلستان

دوشس کورنوال به عنوان همسر دوم پرنس چارلز جانشین ملکه الیزابت دوم شد. وی ۷۵ سال سن دارد و در یک خانواده معمولی به دنیا آمده است. کامیلا سال ۱۹۹۵ از شوهرش با دو بچه جدا شد و بعد از کشته شدن دایانادر سال ۲۰۰۵ رسماً همسر چارلز شد.

پسر ارشد الیزابت دوم، پادشاه بریتانیا و ۱۴ قلمرو مشترک المنافع دیگر است. او از سال ۱۹۵۲ تا زمان بر تخت نشستن در سال ۲۰۲۲ دارای طولانی‌ترین دوره به عنوان وارث بلافضل در تاریخ بریتانیا است. چارلز پس از اتمام تحصیلات عمومی





پس از مرگ ملکه الیزابت، مادر شاهزاده، وی شاه چارلز سوم شد و نشان سلطنتی بریتانیا را به ارث برد.

و آموزش نظامی به کمبریج رفت و در حوزه‌هایی مانند تاریخ و مردم‌شناسی و باستان‌شناسی موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد شد.

تینا ترکمان دومین زن ایرانی موفق به اخذ دکترای ریاضی محض از دانشگاه هاروارد

دانشگاه «هاروارد» یک دانشگاه تحقیقاتی خصوصی است که در کمبریج، ماساچوست واقع شده است. این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ تأسیس و در جهت بزرگداشت اولین خیر آن، «جان هاروارد»، هاروارد نامیده شد. هاروارد قدیمی‌ترین مؤسسه آموزش عالی در ایالات متحده و از معتبرترین موسسات در جهان است.

دکتر تینا ترکمان ریاضیدان نخبه ایرانی که در سال ۱۳۹۲ در پنجاه و چهارمین المپیاد جهانی ریاضی، دومین زن برتر جهان شده بود، موفق شد از تز خود با راهنمایی پرفسور کورتیس مکمالن (برنده مدال فیلدن) دفاع کند. ترکمان تز دکترای خود را با محوریت جریان‌های ژئودزیک روی سطوح هندلولی انجام داده است. وی که علاقمند به درک و مطالعه هندسه و مبحث دینامیک است، مقطع کارشناسی رشته ریاضی را سال ۲۰۱۷ در دانشگاه صنعتی شریف به پایان رساند و در همان سال به صورت مستقیم برای مقطع دکتری ریاضیات دانشگاه هاروارد پذیرفته شد.

دکتر ترکمان در سال ۲۰۱۲ مدال طلای المپیاد ریاضی کشوری را دریافت کرد و در سال ۲۰۱۳ نیز مدال نقره المپیاد جهانی ریاضیات را به گردن آویخت. ترکمان مدال طلای رقابت بین‌المللی ریاضیات در سال ۲۰۱۵ به همراه یک مدال طلا و یک مدال برنز کشوری را نیز در کارنامه خود دارد. براساس گزارش دانشگاه صنعتی شریف، این ریاضیدان پس از فرشید جمشیدیان (۱۹۸۰)، پیروز وکیلی (۱۹۸۸)، مریم میرزاخانی (۲۰۰۴)، علی اکبر دانمی (۲۰۱۴)، پنجمین ایرانی است که موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه هاروارد شده است.



زنده‌باد مریم میرزاخانی ریاضی‌دان برجسته و دانش‌آموزته نام‌آور ایرانی نیز دانش‌آموزته‌ی دانشگاه صنعتی شریف، ریاضیدان ایرانی و استاد دانشگاه «استنفورد» بود. او در سال ۲۰۱۴ به دلیل کنش‌گری در زمینه «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضا‌های پیمانه‌ای آن‌ها» برنده مدال فیلدز شد که بالاترین جایزه در ریاضیات است.

میرزاخانی اولین زن و ایرانی برنده مدال فیلدز است. وی در ۲۳ تیر ۱۳۹۶ در ۴۰ سالگی به دلیل ابتلا به سرطان در بیمارستانی در کالیفرنیا درگذشت.

در میان رتبه‌بندی‌های کلی، دانشگاه هاروارد برترین دانشگاه جهان معرفی شده و در رتبه‌بندی تایمز از زمان انتشار یعنی سال ۲۰۱۱ تا به امروز رتبه اول را در رتبه‌های جهانی معتبر حفظ کرده است.

تینا ترکمان در دهه ۶۰ در تهران به دنیا آمد. او علاقمند به درک و مطالعه هندسه و مبحث دینامیک است، از دانشگاه صنعتی شریف فارغ‌التحصیل شده و دارای مدرک تحصیلی دکترای ریاضی محض از دانشگاه هاروارد می‌باشد و تحصیلات خود را در آنجا به اتمام رساند.

ریانه برناوی نخستین زن فضانورد عربستان



ریانه برناوی و علی القرنی، فضانوردان سعودی، به همراه دو فضانورد دیگر برای یک مأموریت فضایی زمین را ترک و پس از پایان مأموریت تاریخی خود، به زمین بازگشتند. ریانه برناوی، نخستین زن عرب بود که برای یک مأموریت فضایی انتخاب شد. آنها باید در این مأموریت بیش از ۲۰ آزمایش مربوط به علم و فناوری را در حوزه‌های مختلف انجام دهند.

اسپیس ایکس و اکسپد اسپیس با موفقیت دومین مأموریت تماماً خصوصی ناسا موسوم به AX-2 را پرتاب کردند تا چهار نفر را که شامل دو آمریکایی و دو عربستانی می‌شوند، به ایستگاه فضایی بین‌المللی برسانند.

به مدار زمین گفت: به عنوان اولین زن فضانورد عربستانی که نماینده منطقه هستم، بسیار خوشحالم و این فرصت را برای خود ارزشمند می‌دانم. جدای از هیجانی که برای تحقیقات پیش‌رودر ایستگاه فضایی دارم، مشتاقانه منتظر به اشتراک گذاشتن تجربیات خود با سایرین از جمله کودکان هستم.

اسپیس ایکس چهار فضانورد را سوار بر کپسول دراگون روی راکت فالکون ۹ از مرکز فضایی کندی در فلوریدا راهی فضا کرد. پیش‌تر اعلام شد که فرمانده عملیات، «پگی ویتسون» آمریکایی و فضانورد بازنشسته ناسا است که پیش‌تر حدود ۶۶۵ روز را در فضا گذرانده بود. او از این حیث در میان زنان فضانورد رکورددار به حساب می‌آید. اما سه سرنشین بعدی عملیات AX-2 فضانورد حرفه‌ای نبوده‌اند.

این افراد ده روز را در ایستگاه فضایی سپری کرده و سپس به زمین بازگشتند. این تیم چهار نفره طی مدت زمان اقامت خود در فضا حدود ۲۰ آزمایش را انجام می‌دهند که یکی از مهم‌ترین آنها شامل مطالعه رفتار سلول‌های بنیادی در شرایط گرانش صفر است. در میان تیم چهار فضانوردی که در این مأموریت به فضا رفتند، دو نفر دیگر پگی ویتسون، فضانورد سابق ناسا، و جان شافتر، خلبان اهل تنسی حضور داشتند. ویتسون، با تجربه‌ترین فضانورد این تیم محسوب شده و این چهارمین پرواز او به ایستگاه فضایی بین‌المللی است. همچنین علی القرنی خلبان جنگنده، نیز دیگر فضانورد حاضر در این مأموریت است.

«جان شافتر» یک تاجر و سرمایه‌گذار آمریکایی است که به‌عنوان خلبان برای این مأموریت آموزش دیده و در کنار او، «علی القرنی» و «ریانه برناوی» از عربستان هم در مأموریت AX-2 حضور دارند. کمیسیون فضایی عربستان سعودی هزینه پرواز آنها را تأمین کرده است. برناوی نخستین زن از این کشور است که در طول تاریخ یک سفر فضایی را تجربه می‌کند.

ریانه برناوی در کنفرانس مطبوعاتی پیش از اعزام



آنجلینا جولی دخترش را به کالج سیاه پوستان می فرستد



بوده است. آنجلینا جولی عضویت دخترش را در این کالج با تاریخچه قابل احترام را، افتخاری بزرگ برای دخترش عنوان کرد.

آنجلینا جولی بازیگر و کارگردان مطرح هالیوود و سفیر سازمان ملل در امور پناهندگان که تا کنون بیش از ۱۲ ماموریت در سراسر جهان در کمپ‌های پناهندگان و مناطق جنگی انجام داده است در اقدامی تحسین برانگیز دخترش را به کالج سیاهپوستان می فرستد.

این فعال حقوق پناهندگان و حقوق زنان که خواهان حقوقی برابر برای همه زنان از هر قوم و نژاد و ملیتی است در صفحه اینستاگرامی خود اعلام کرد که قصد دارد از پاییز سال جاری دخترش زاهر جولی‌پیت را به کالج اسیلمن بفرستد. این کالج به لحاظ تاریخی کالج دختران سیاهپوست



خودروی پرنسس دایانا در یک حراجی فروخته شد

۲۰۰۱ فورد اسکورت دیگری که متعلق به پرنسس دایانا بود به قیمت ۵۲ هزار پوند فروخته شد.

پرنسس دایانا، چهره‌ای محبوب در جامعه بریتانیا بود که مرگی تراژیک داشت و پس از گذشت سال‌ها همچنان یکی از محبوب‌ترین زنان اجتماع انگلستان است. فیلم «اسپنسر» محصول سال ۲۰۲۱ با بازی کریستین استوارت بر اساس زندگی دایانا ساخته شده است. شاید برترین ویژگی فیلم بازی کریستین استوارت در نقش دایانا است. انتخابی که به دلیل شباهت‌های نسبی ظاهری انجام شده و یکی از خاص‌ترین نقش‌آفرینی‌های این بازیگر است.

مجموعه تلویزیونی «تاج»، داستان سلطنت ملکه الیزابت دوم بریتانیا را به تصویر می‌کشد. فصل اول این سریال در نوامبر ۲۰۱۶ منتشر شد. فصل دوم آن در دسامبر ۲۰۱۷ به نمایش درآمد و فصل سوم چهارم در نوامبر ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ انتشار یافت. فصل جدید آن در حال ساخت بود که با درگذشت ملکه الیزابت دوم در سپتامبر ۲۰۲۲ فیلمبرداری آن به احترام ملکه متوقف شد.

خودروی پرنسس دایانا همسر سابق چارلز ولیعهد بریتانیا (شاه چارلز سوم) در یک حراجی به مبلغ ۶۵۰ هزار پوند (۷۶۳ هزار دلار) فروخته شد.

پرنسس دایانا که از این خودروی اسکورت بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ استفاده می‌کرد، ۲۵ سال پیش در یک تصادف رانندگی جان سپرد.

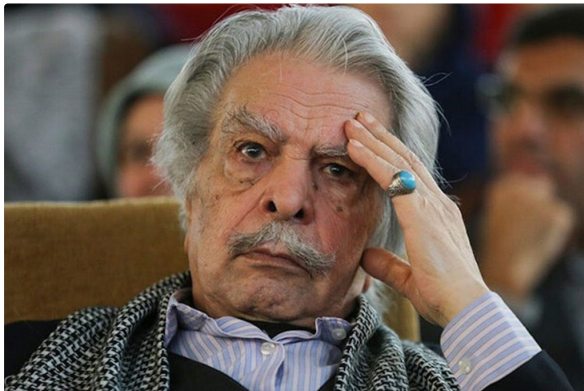
یک بریتانیایی ساکن چشایر این خودرو را به مبلغ ۶۵۰ هزار پوند خرید. قیمت پایه خودروی مشکی رنگ پرنسس دایانا ۱۰۰ هزار پوند بود که در نهایت یک شهروند بریتانیایی موفق شد قیمتی بالاتر از رقیب اماراتی خود پیشنهاد دهد و صاحب آن شود.

برگزارکننده حراجی، خودروی پرنسس دایانا را «تکه ای از تاریخ» توصیف کرد. با این حال اذعان کرد که توقع نداشت این خودروی اسکورت با قیمت بالا به فروش برسد.

گفته می‌شود خودروی پرنسس دایانا با ویژگی‌های خاص مورد توافق بین واحد حفاظت خاندان سلطنتی بریتانیا و کارخانه فورد تولید شده بود و به همین دلیل همتای دیگری نداشت. پرنسس دایانا ترجیح می‌داد خود رانندگی کند و محافظ او همیشه در صندلی کناری می‌نشست. در سال



خاموشی صدای پرطنین منوچهر اسماعیلی



اعتبار و کلام نافذ می‌بخشید. صداهایی که دیگر تکرار نمی‌شوند.

اسماعیلی در مصاحبه‌ای در باره ماندگاری صدا در دوبله گفته بود: «مایه اصلی ماندگاری صدا فیلم است. اگر فیلم خوب، دلسوزی، توجه و تعهد در کار باشد و دوستان در کار دوبله سری دوزی نکنند و بدانند چه می‌کنند قطعاً صداها می‌توانند مثل گذشته ماندگار شوند»

منوچهر اسماعیلی هشتم فروردین ۱۳۱۸ در کرمانشاه متولد شد. او کار دوبله را از سال ۱۳۳۶ با رل‌گویی در نقش‌های کوتاه آغاز کرد و سال ۱۳۴۲ مدیریت دوبله بسیاری از فیلم‌های بزرگ جهان را بر عهده داشته است.

اسماعیلی در سال ۱۳۳۸ در فیلم «دروازه‌های پاریس» به مدیریت دوبلاژ مرحوم علی کسمایی خوش درخشید. و اوج کارش را در دوبله فیلم «بن‌هور» به مدیریت دوبلاژ مرحوم احمد رسول زاده در سال ۱۳۴۱ تجربه کرد. او در طول این سال‌ها مدیریت ارشد دوبلاژ بیش از ۲۰۰ فیلم سینمایی و تلویزیونی و مجموعه‌های تلویزیونی و همچنین برنامه‌های رادیویی را انجام داده است.

صدای ماندگار منوچهر اسماعیلی یکی از برجسته‌ترین هنرمندان عرصه دوبله در ۸۲ سالگی برای همیشه خاموش شد. صداپیشه‌ای توانا که چند نسل با هنر نمایی او بر چهره بازیگران مشهور خارجی و داخلی چون آنتونی کوئین، استیو مک کوئین، چارلتون هستون، کرک داگلاس، لارنس اولیویه، مارلون براندو، همفری بوگارت، بهروز وثوقی، محمد علی کشاورز و جمشید مشایخی خاطره دارند و با آن زندگی کرده‌اند.

یکی از ماندگارترین هنرنمایی‌های اسماعیلی در فیلم «مادر» زنده‌یاد علی حاتمی بود که هم‌زمان به‌جای سه بازیگر یعنی محمدعلی کشاورز، جمشید هاشم پور و اکبر عبدی نقش‌گویی کرده بود.

بسیاری از منتقدان معتقدند که نه فقط برخی شخصیت‌های ماندگار فیلم‌های ایرانی که حتی شهرت و موفقیت بازیگران ایرانی هم مدیون صدای منوچهر اسماعیلی هست که به‌جای آنها دیالوگ گفته بود. از این حیث می‌توان صدای او را صدایی هویت‌بخش دانست که فقط به‌جای شخصیت‌ها حرف نمی‌زد بلکه به آنها هویت و



مرگ در غربت



عباس معروفی که بسیاری او را بارمان‌های سمفونی مردگان» و «سال بلوا» به خاطر می‌آورند در دهم شهریور در آلمان درگذشت. سه هفته پیش از آن هم هوشنگ ابتهاج (سایه) در همین کشور چشم از جهان فرو بست.

عباس معروفی متولد اردیبهشت ۱۳۳۶ است. او در سال ۱۳۵۸ با هوشنگ گلشیری آشنا شد و فعالیت ادبی خود را زیر نظر گلشیری آغاز کرد.

... روزی که در پستی یک کتابفروشی برایش داستان خواندم می‌لرزیدم. وقتی داستان را شنیدم گفتم: «تو داستان‌نویس نمی‌شوی، برو لحاف‌دوزی!» دنبالش راه افتادم و در ته ناامیدی روزی می‌جستم. گلشیری گفت: «اگر می‌خواهی داستان‌نویس شوی باید ۲۰۰۰ تا کتاب بخوانی» و از آن پس دیگر نوشتم فقط خواندم و خواندم تا این که روزی داستانی نوشتم و باز برای گلشیری خواندم. آقای گلشیری گفت: «آفرین. این داستان خوبی است.»

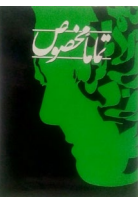
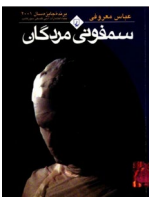
نخستین مجموعه داستان معروفی با نام «رو بروی آفتاب» در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. پیش از آن نیز داستان‌های او در برخی از مطبوعات به چاپ می‌رسید. وی در دهه ۶۰ با چاپ رمان «سمفونی مردگان» به شهرت رسید. از دیگر آثار او می‌توان به «سال بلوا»، «پیکر فرهاد»، «فریدون سه پسر داشت»، «ذوب شده»، «تماما مخصوص»، «نام تمام مردگان یحیاست»، «عطر یاس»، «شاهزاده برهنه»، «نامه‌های عاشقانه و منظومه عین‌القضات و عشق» و... اشاره کرد.

در سال ۱۳۶۹ مجله ادبی «گردون» را پایه‌گذاری کرد و سردبیری آن را بر عهده گرفت و به طور جدی به کار مطبوعات ادبی روی آورد اما این نشریه سرانجام توقیف شد. معروفی در پی توقیف گردون از ایران مهاجرت کرد. او به پاکستان و سپس به آلمان رفت.

برای گذران زندگی دست به کارهای مختلف زد. مدتی به عنوان مدیر شعبانه یک هتل کار کرد و آنگاه «خانه هنر و ادبیات هدایت» بزرگ‌ترین کتابفروشی ایرانی در اروپا را در برلین بنیاد نهاد، به کار کتابفروشی مشغول شد و کلاس‌های داستان‌نویسی خود را در همان محل تشکیل داد.

معروفی دو سال پیش یعنی در شهریور ۱۳۹۹ نخستین بار از ابتلای خود به سرطان خبر داد و با انتشار تصویری از خود در بیمارستان نوشت: «سیمین دانشور به من گفت: «غصه یعنی سرطان! غصه نخوری یک وقت عباس!» و من غصه خوردم. اینجا در بیمارستان شریته برلین، حالا ۱۱ جراحی را پشت سر گذاشتم.

او سرانجام پس از ۶۵ سال زندگی بر اثر عوارض ناشی از بیماری سرطان در بیمارستان شریته برلین درگذشت.



ژان لوک گودار از پیشگامان سینمای موج نو درگذشت

تحت تاثیر سینمای مولف امریکا و فیلم نوآر بود بعدها الهام بخش کارگردانان مشهوری چون مارتین اسکورسیزی، کوینسین تاراتینو، رابرت آلمن و جیم جارموش شد.

آخرین فیلم گودار با نام «کتاب تصویر» در سال ۲۰۱۸ در جشنواره کن به نمایش درآمد.



ژان لوک گودار کارگردان مشهور سوییسی - فرانسوی و از پیشگامان سینمای موج نوی فرانسه در ۹۱ سالگی درگذشت.

گودار که فعالیت خود را به عنوان منتقد برای نشریه کایه دو سینما در دهه ۵۰ میلادی شروع کرد، ساخت شماری از مشهورترین آثار سینمای موج نوی فرانسه همچون از نفس افتاده (۱۹۶۰)، پیر و خانه (۱۹۶۲) و دسته جدا افتاده‌ها (۱۹۶۴) را در کارنامه خود دارد.

او یکی از آخرین بازماندگان کارگردانان موج نو بود و با بازیگران مشهوری چون ژان پل بلموندو و بریژیت باردو، آنا کائیا و میشل پیکولی فیلم ساخته و زبان و سبک تصویری و روایی جدیدی با آثار خود خلق کرده است. آثار گودار که خود در ابتدا

درگذشت تینا ترنر، ملکه افسانه‌ای راک اند رول

پرونده خشونت خانگی او را به یکی از نمادهای فمینیسم بدل ساخت.

خانم ترنر که ۸۳ سال داشت در سال‌های اخیر با مشکلات جسمی متعددی چون سرطان، سکنه مغزی و نارسایی کلیه دست و پنجه نرم می‌کرد. او ابتدا در دهه ۶۰ میلادی در کنار همسرش ایک ترنر به شهرت رسید اما در اواخر دهه ۷۰ میلادی از ایک ترنر طلاق گرفت و علنی کرد که یک رابطه زناشویی تحت آزار و ظلم را پشت سر گذاشته

تینا ترنر که از او به عنوان ملکه افسانه‌ای راک اند رول یاد می‌شود، در ۸۳ سالگی درگذشت. این اسطوره موسیقی امریکا در ابتدا طی یک همکاری موسیقایی پرحاشیه شهرت پیدا کرد ولی بعدها به یکی از بزرگ‌ترین سولو آرتیست‌های جهان و یکی از آیکون‌های موسیقی پاپ دهه ۱۹۸۰ میلادی تبدیل شد.

تینا ترنر، ستاره‌ی پیشگام راک ان رول که بعدها به یک اسطوره پاپ در دهه ۱۹۸۰ میلادی بدل گشت، پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری درگذشت. این هنرمند که در سال‌های آخر زندگی‌اش از بیماری رنج می‌برد، در سال ۲۰۱۶ تشخیص داده شد که به سرطان روده مبتلا است و در سال ۲۰۱۷ پیوند کلیه انجام داد.

ترنر بیشتر برای آهنگ‌هایی مانند The Best و What's Love Got to Do With It شناخته می‌شود. او در دهه ۱۹۶۰ با آثاری از جمله River Deep و Mountain High به شهرت رسید. او همچنین به خاطر اجراهای پرانرژی و صدای خشک و قدرتمندش شناخته می‌شد.

این هنرمند همچنین رکورد جهانی فروش بلیت کنسرت را شکسته است و پیروزی دراماتیکش در



ایک ترنر، همسر سابقش به این عنوان دست پیدا کرده بود و حالا ۳۰ سال بعد (۲۰۲۱) به تنهایی صاحب این افتخار می‌شد.

آثار تینا ترنر تاکنون ۱۸۰ میلیون نسخه فروش رفته و او برای آنها ۲۵ بار نامزد دریافت جایزه گرمی شده که حاصل آن ۸ گرمی بوده است. خواننده‌های بسیاری تینا ترنر را الگوی خود قرار دادند.

است، تینا ترنر پس از جدایی، حتی موفق‌تر شد و در دهه ۸۰ به اوج شهرت هنری خود رسید.

تینا ترنر در طول دوران هنری خود موفق به کسب ۸ جایزه گرمی شد و در سال ۲۰۲۱ نامش در تالار بزرگان موسیقی راک اندرول آمریکا ثبت شد. این در حالی بود که تینا ترنر در سال ۱۹۹۱ هم وارد تالار مشاهیر موسیقی شده بود اما در آن زمان در کنار

درگذشت ایرنه پاپاس بازیگر فیلم محمد رسول‌اله



سرشناس فرانسوی ظاهر شد. این فیلم به کارگردانی کوستا گاوراس بر اساس داستانی از واسیلی واسیلیوکوف ساخته شد که پشت پرده روی کار آمدن دیکتاتوری نظامی در یونان بود.

در سال ۱۹۶۱ پاپاس در نقش یک مبارز جنبش مقاومت در جنگ جهانی دوم در فیلم توپ‌های ماواران ظاهر شد و در کنار بازیگرانی چون گریگوری پک، دیدوید نیون، آنتونی کوینین و آنتونی کووایلی درخشید. او سال ۲۰۰۹ جایزه شیر طلایی و نیز را از آن خود کرد.

پاپاس بازیگر تئاتر نیز بود. یکی از نمایش‌های ماندگار او بازی در «آن تابستان- آن پاییز» در نیویورک با جان وویت، بازیگر مشهور آمریکایی در سال ۱۹۶۷ بود.

ایرنه پاپاس بازیگر و خواننده یونانی در ۹۶ سالگی درگذشت. پاپاس در بیشتر از ۸۰ فیلم بازی کرده است که اغلب توسط کارگردانان مشهور جهان ساخته شده است. از جمله این فیلم‌ها: «زوربای یونانی»، «توپ‌های نساواران»، «آتیلا»، «زد»، «زنان نروژان» و «محمد رسول‌اله» است. بسیاری او را با بازی در فیلم «محمد رسول‌اله» در نقش هند جگرخوار به یاد می‌آورند.

نقش آفرینی در فیلم زوربای یونانی به کارگردانی مایکل کوکویانیس در کنار آنتونی کوینین برای او شهرتی جهانی آورد. او در این فیلم نقش زنی بیوه را بازی کرد که وارد یک رابطه عاشقانه می‌شود و مردم دهکده او را به خاطر آن سنگسار می‌کنند.

در فیلم «زد» در نقش بیوه ایومونان، بازیگر





ليلا صادقى
مترجم عربى

ورد وصف لوثائق "مشروع قانون أمن المرأة ضد العنف" الواردة في

صحيفة "جماران" المؤرخة في ١٤٠١/٦/٢٢ الموافق ١٣ سبتمبر

٢٠٢٢ كملخص. ندعوك لقراءتها:

مشروع قانون بأربع مستندات احتياطية في بهارستان!

عمر الحكومة بدراسة جميع البحوث والدراسات السابقة للحفاظ على جهود الحكومة السابقة. لحسن الحظ، كان أحد تلك اللوائح الجهود المبذولة لعدة سنوات من الصياغة الأولى مع الملاحق. تم قبول النص من قبل النائبة، لذلك اعتبر من مشاريع القوانين الأولى الذي يمكن تقديمه. في السنة الأولى، دُرِس جميع السجلات ودُعي الباحثون في المشروع المذكور لمواصلة تعاونهم. نظراً لاهتمام الباحثين، تم تعيين استمرار المشروع مرة أخرى لنفس مجموعة الدراسة السابقة، واستمرت إدارة المشروع حتى النهاية مع المجموعات الأخرى بهدف التآزر - الذين كانوا على استعداد للتعاون من أجل مشروع القانون وتحسينها-. بعد ذلك، تم إجراء ثلاث مراجعات متعمقة لمشروع القانون، نصّفاً بالترتيب.

تمت كتابة هذا النص للإعلان عن جهود نائبة الرئيس لشؤون المرأة والأسرة في الحكومتين ١١ و ١٢ فقط فيما يتعلق بمشروع القانون الذي

تم إعداد مشروع القانون "ضمان أمن المرأة ضد العنف"، وهو اسمه الأول، في الحكومة الإيرانية العاشرة. واجه هذا مشروع القانون نظراً لحساسيته الخاصة العديد من التحديات منذ البداية - والتي لا تحتاج إلى مناقشتها في هذا النص -. بينما تم تجميع وثائق البحث الأولية بالتعاون مع الخبراء القانونيين. الدراسة الأولى التي كانت من مخلفات الحكومة العاشرة، أعدها الدكتور ك. ب. وزملاؤه. جدير بالذكر أن نص المشروع وبحثه ودراسته كان أيضاً من الجدير بالملاحظة. لذلك، قررت نائبة المستشارية لشؤون المرأة والأسرة في الحكومة الحادية عشرة دراسة جميع مشاريع القوانين التي اقترحتها الحكومة العاشرة حتى تؤتي الجهود المبذولة ثمارها بإعادة الفحص. فانتقل جميع مشاريع القوانين المقترحة إلى الدورة الحادية عشرة للحكومة. قامت نائبة الرئيس لشؤون المرأة والأسرة في السنوات الأربع الأولى من



نص التقرير بوضوح على أنه تم الحصول عليه من دمج مشروع قانون عاجل لضمان كرامة المرأة وحمايتها من العنف تحت رقم التسجيل (٤٧١) ومشروع الحماية والكرامة والأمن للنساء ضد العنف المسجل برقم (٣١١) ونظراً لتشابه الموضوع تمت الموافقة على الاندماج في عدة اجتماعات بحضور المسؤولين المعنيين حسب الوثيقة المرفقة بتاريخ ١٤٠١/٩/٢٠ الموافق بـ ١١ ديسمبر ٢٠٢٢ مع تعديل العنوان والنص.

تمت مناقشته "حماية كرامة المرأة وحمايتها في مواجهة العنف". راجياً أن يسير جميعاً على طريق تقدّم المجتمع وتطوّره وخدمة الناس وتجنب الاستهانة بخدمات الآخرين.

والنص الثاني الذي نشر في جريدة "شرق" في ٦ آذار ١٤٠١ الموافق بـ ٢٥ فبراير ٢٠٢٢ في الصفحة ١٠ بعنوان "في ضرورة فهم مطالب المرأة" وهو انتقاد لمشروع القانون الذي أحالته الهيئة القضائية إلى المجلس الإسلامي وذكّر في



الحق فى السلام

ما هي العملية التي اعتمدها لتحقيق هذا الهدف؟ وما هو مفهوم السلام الوارد في الفقرة ١ من المادة ١ من الميثاق باعتباره الهدف النهائي للأمم المتحدة الذي قصده مجلس الأمن؟ من الواضح أن أي إجابة على هذا السؤال تشيّر بطريقة ما إلى نطاق أداء المجلس للوفاء بمسؤوليته بموجب المادة ٢٤ وحدوده وفعاليته المحتملة. لقد حاولنا في هذا المقال تقديم معنى السلام ومفهومه وكذلك دراسة ركائز الأمم المتحدة التي تلعب دوراً مباشراً وغير مباشر في الحفاظ على السلم والأمن الدوليين.

في هذه المقالة، شُرح تعريف السلام والحق في السلام في ميثاق الأمم المتحدة ووثائق حقوق الإنسان وقوات حفظ السلام.

إن إقصاد الأجيال القادمة من ويلات الحرب من الكلمات الأولى في ميثاق الأمم المتحدة (في ديباجته)، وكانت هذه الكلمات هي الدافع الرئيسي لإنشاء الأمم المتحدة التي نجا مؤسسوها من دمار الحربين العالميتين. من الواضح أن تحقيق السلم والأمن الدوليين يتطلبان خلفية سليمة وردت ذكرها في الفقرات من ٢ إلى ٤ من الميثاق وهي تحقيق حقوق الإنسان الأساسية. من ناحية أخرى، يتطلب تحقيق حقوق الإنسان أيضاً إعداد خلفيات من السلام والطمأنينة. الأمم المتحدة بصفتها الهيئة المسؤولة عن صون السلم والأمن الدوليين، ومجلس الأمن ركيزة تنفيذهما منذ عام ١٩٤٥ حتى الآن



دور المنظمات غير الحكومية في منع الجرائم ضد الأطفال والمراهقين

شكل منظمات غير الحكومية. واحد من أذرع المنظمات لتحقيق هذا الهدف هو مساعدة محام وهو بخبرته المهنية وتقييم الاحتياجات المباشرة والاستجابة لمشاكل الأشخاص المستهدفين يزول أسباب وقوع الجريمة أو يمنع من أن تصبح المشاكل أكثر تعقيداً عن طريق إدارة الأحداث القانونية وكذلك بتحضيره الكامل والمعلومات الأطرافية يمنع عن تكرار الجريمة من قبل الطفل أو المراهق.

إن ارتكاب الجريمة هو أحد جوانب حياة الإنسان الذي يتم اللجوء إليها بطرق مختلفة للتعامل معها، مثل صياغة القوانين وإصدارها من أجل إحلال النظام والحد من الصراع في المجتمع، والبصيرة الحكيمة لمنع وقوع الجريمة. يمكن للتدابير الوقائية للأطفال والمراهقين، نظراً لعمرهم وفترة تكوين شخصيتهم، أن تعطي نتائج أفضل مقارنة بالبالغين ويحدث ذلك من خلال الأسرة والتعليم ومنظمات الدعم الحكومية وغير الحكومية وكذلك من خلال استخدام قدرات الناس بأجمعهم ومشاركتهم في





The Role of NGOs in Preventing Crimes of Children and Adolescents

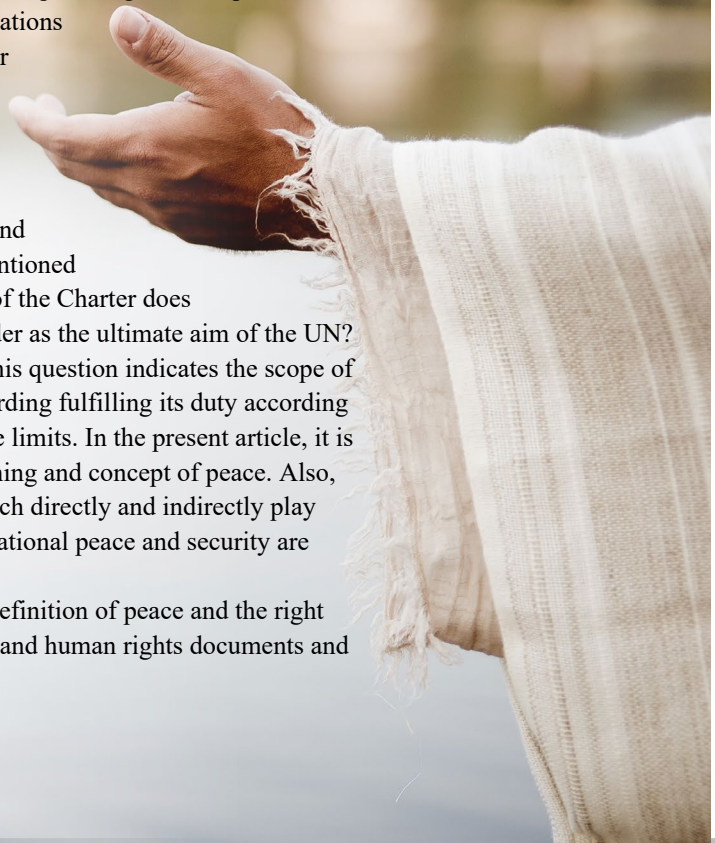
Committing crimes is one of human life's aspects to combat which they have resorted to various methods such as legislating laws to establish order and reduce nuisance in the society and having rational forethought to prevent crime commitment. Preventive measures regarding children and adolescents can have better results than that of the adults due to their age condition and period of personality formation. The measures are taken through family, education system, governmental and non-governmental protection organizations as well as by using public capacities and

their participation in the form of non-governmental organizations. One of the means these organizations have to reach their goal is the assistance of attorney. They remove grounds of crime commitment using their professional expert knowledge and direct needs assessment and responding to problems of target people or prevent problems from becoming more complicated by managing legal incidents. Also, they should prevent the child or adolescent from recidivating by having complete preparedness and information of the involved parties.

The Right to Peace

Saving succeeding generations from scourge of war is among the first words of the United Nations Charter (in its introduction) and they were the main cause of establishing the UN, the founders of which went through devastation of the two world wars. It is obvious that realizing international security and peace requires to lay proper groundwork mentioned in paragraphs 2 to 4 of the Charter; that is realizing fundamental human rights. On the other hand, realizing human rights itself requires a ground of peace. What procedure has the United Nations as an agency responsible for maintaining international peace and security and the Security Council as its implementing body taken to realize this aim? And which concept of peace mentioned in paragraph 1 of article 1 of the Charter does the Security Council consider as the ultimate aim of the UN? Obviously, any answer to this question indicates the scope of the Council's function regarding fulfilling its duty according to article 24 and its possible limits. In the present article, it is first tried to provide a meaning and concept of peace. Also, those bodies of the UN which directly and indirectly play a role in maintaining international peace and security are reviewed.

The article explains the definition of peace and the right to peace in the UN Charter and human rights documents and peacekeepers.





was again given to the previous research group and up to the end of the project, the manager continued to cooperate with other groups – which tend to cooperate to improve the bill – with the aim of synergy. After that, the bill was deeply reviewed three times which are explained below.

This text was written to indicate the effort by the Vice-Presidency for Women and Family Affairs during the eleventh and twelfth Governments regarding only the discussed bill on “Dignity and Protection of Women against Violence”. It is hoped we all try for the society’s progress and improvement and servicing people and avoid depreciating others’ attempts.

The second published text on page 10 of Shargh newspaper on 25 Feb. 2023, titled “the Necessity of Understanding Women’s Claims”, criticizes the bill referred to the Parliament by the Judiciary Commission. It is explicitly mentioned in the report that the bill is the result of integrating an urgent bill on Dignity and Protection of Women against Violence with registration no. (471) and the plan for Protection, Dignity and Security of Women against Violence with registration no. (311). Since they were dealing with the same issue, they were integrated and after various meetings with presence of related officials, the final bill was approved on 11 Dec. 2022 according to the appendices and with some amendments in the title and text.

a brief explanation of
documentation regarding
the “bill on Securing Women
against Violence”



زهرا داورزینی
مترجم انگلیسی

A Bill with Four Supporting Documents in the Parliament!

The bill on “Securing Women against Violence”, which is its first name, was prepared and drafted in the tenth Government. From the beginning, the bill faced innumerable challenges due to its special sensitivity – which is not necessary to mention here – though the primary research documents had been prepared with cooperation of legal experts. The first research which is the output of the tenth Government was prepared by Dr. K. B. and their colleagues. Also, the bill’s text and its related research were noteworthy. Therefore, the Vice-Presidency for Women and Family Affairs of the eleventh Government decided to review all the bills suggested by the tenth Government to realize the made efforts after

reconsideration. Thus, all the suggested bills were transferred to the eleventh Government. During the first four years of the Government, the Vice-Presidency for Women and Family Affairs had reviewed all the previous researches and studies to maintain the efforts made by the previous Government. The primary draft of one of those bills and its appendices was a result of several years of efforts and fortunately, its text was approved by the Vice-Presidency and thus, it was one of the first bills which can be introduced. In the first year, all the documents were reviewed and the researchers working on that project were invited to continue their cooperation. Due to the researchers’ interest, the project



Identity card

CHIEF EDITOR:

Ashraf Gramizadehgan

AUTHORS IN THIS ISSUE:

**Roofia Tirgari (art editor),
Elahe Fabriki Orang., Seied
Mohsen Moghimi, Azar
Mohseni Ashtiani, Atefeh
Abbasi Kalimani, Galia
Tavangar, Malihe Fallahpoor,
Leila Sadeghi, Zahra Davarzani**

EXECUTING DIRECTOR:

Homaion Koochakzadeh

LOGO DESIGNER:

Morteza Momayez

TECHNICAL COUNSELOR

Alireza Frzami

COVER & ART DIRECTOR:

Maryam Farzamifard

GRAPHIC:

Atefeh Hashemi

TYPE:

Women Rights

PRINT:

Nazar Printing

ADDRESS:

**#401, No 11, Mahzad AI, South
Iranshahr Ave, Teh.**

TEL:

09121302775 - 021 88318949

EMAIL:

h_q_zanan@yahoo.com

WEBSITE:

www.hqzanan.org



Women Rights Magazine

- Honorable writers and translators who wish to have their works published in the Women's Rights Quarterly, should attach a brief description of their education, occupation, research works, and translation along with the content, or send their resume to the publication's email.
- Content should be sent in typed format to the publication via email.
- The translated content must be accompanied by a copy of the original text.
- Please keep a copy of your article in your archive.
- Women rights are free to edit and shorten the contents.
- Any use of exclusive content and images of Women Rights Magazine is subject to permission from the responsible manager.
- Women rights accepts your advertisements in the field of educational, cultural, economic and service activities.

برگ اشتراک حقوق زنان

شماره اشتراک:

نام: نام خانوادگی: سن: تحصیلات:
شغل: تلفن:
نشانی/ صندوق پستی:

به پیوست فیش بانکی به شماره
ریال مبلغ
بابت بهای اشتراک نشریه‌ی حقوق زنان (برای ۴ شماره) فرستاده می‌شود.
خواهشمند است مجله را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

برگ اشتراک را کامل و خوانا پرکرده و کد پستی را حتما یادداشت کنید.

بهای اشتراک را به حساب جاری شماره (۰۱۰۸۳۳۸۹۰۶۰۰۵) یا به شماره کارت (۶۰۳۷۹۹۷۵۹۷۹۷۴۴۴) بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام اشرف گرامی‌زادگان پرداخت نمایید و از طریق ایمیل یا واتساپ به شماره ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵ ارسال نمایید.
لطفا کپی فیش را نزد خود نگهدارید.

بهای اشتراک برای هر شماره نشریه مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال (۵۰ هزار تومان) است.

در صورت هرگونه تغییر در نشانی، دفتر مجله را آگاه کنید.

ایمیل نشریه: h_q_zanan@yahoo.com

ایمیل پشتیبان: gramizadehgan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

علاقمندان اشتراک نشریه در خارج از کشور از طریق دوستان و خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.